رئیس جمهور خامنه‌ای و امید و انتظار مردم

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۸ دورهٔ دوم دوشنبه ۲۰ مهر ماه بها ۳۰ ریال

پیروزی بزرگ حجت‌الاسلام سید علی خامنه‌ای در انتخابات مقام ریاست جمهوری نمایشگر هوشیاری سیاسی مردم، امید مردم و نیز انتظارات مردم است.

مردم حجت‌الاسلام خامنه‌ای را مرد مبارز مسلمان راستین در خط امام، در تمام ابعاد آن، شناخته‌اند که استوار در سنگر حق طلبی مستضعفان و در سنگر مبارزهٔ آشتی ناپذیر با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا، دشمن آشتی‌ناپذیر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، ایستاده است. او را دولتمردی شناخته‌اند، به دور از تنگ‌نظریها، مستعد سنجش واقعیت‌ها، برخوردار از قدرت تحمل وسعه‌صدر و نرمش، پذیرای انتقادات سازنده و نیز قاطع و شجاع و فداکار.

خط سیاسی حجت‌الاسلام خامنه‌ای در سخنان کوتاهی که وی قبل از انتخابات ریاست جمهوری در زمینه مبارزات انتخاباتی و در ارائه برنامه‌کار خود بیان داشت، تا حدود زیادی متجلی است:

در زمینه سیاست داخلی، حجت الاسلام خامنه‌ای "حمایت از مستضعفان"، "طاغوت‌زدائی کلی از همه شئون زندگی"، "کشف و بکارگیری تمام استعدادهای انسانی در همه میدانها از تکنیک تا هنر" و "ایجاد یک محیط امن اجتماعی" را بویژه مورد تاکید قرارداد. وی تصریح کرد که "بایستی امنیت اجتماعی، قضایی

بقیه در صفحه ۲

پافشاری بر باطل تا کی؟

زمانهٔ بیرحم، نقاب‌ها را بی‌امان پس می‌زند. روند جنبش انقلابی جهان در دههٔ سرنوشت‌سازی که در اولین سالهای آن هستیم، چنان ژرفش و سرعت دارد که زیرکانه‌ترین نقشه‌ها به سرعت رو می‌شود و پته نیرنگ‌بازان و جنایتکاران پیاپی بر آب می‌افتد.

هنوز چندماهی از انتشار خبر ملاقات رهبران "مجاهدین" افغانستان با سادات و کارتر نمی‌گذرد، هنوز دیری از افشای کمک مالی و نظامی مستقیم هارترین عامل امپریالیستی به "مجاهدین" افغانی نگذشته، هنوز جوهر فرمان بسته‌شدن برخی دفاتر افغانی در مشهد، به اتهام ارتباط با آمریکا، خشک نشده، هنوز خبر تأسیس "رادیوی آزاد" — از قبیل رادیو آزادی — توسط ایتالیا برای "مسلمانان انقلابی" افغانستان داغ است، که توطئهٔ دیگری فاش می‌شود.

افشاگر این توطئه عامل سرسپرده امپریالیسم در منطقه، یار غار برژینسکی و بگین و موشه‌دایان و ریگان و دوست گرمابه و گلستان محمد رضا پهلوی و پینوشه، یعنی "انور سادات" است. سادات خائن در مصاحبه‌ای اعلام کرد که از دوسال پیش مقادیر عظیمی سلاح ساخت شوروی را، که از سالها قبل در مصر بوده، به آمریکا فروخته و آمریکا این سلاحها را در اختیار "مجاهدان" افغانی گذاشته است. سادات در همین مصاحبه اعلام کرد که قصد دارد مقدار بیشتری سلاح ساخت شوروی را مستقیما به "مجاهدین" افغانی بدهد. او با وقاحت کم‌نظیری این عمل را انجام وظیفه از جانب یک "مسلمان انقلابی" دانست و گفت که این جواب دندان‌شکنی است به آنها که او را — سادات را — مسلمان نمی‌دانند!

درماهیت خیانتکار و جنایتکار گوینده این سخنان که شکی نیست. آن

بقیه در صفحه ۴

نقش سرنوشت ساز طبقهٔ کارگر ایران در تامین پیروزی جنگ علیه آمریکا و صدام



۳۱ شهریورماه ۱۳۶۰ یکسال تمام از تجاوز غافلگیرانه نظامی و آغاز جنگ علنی آمریکا به وسیله صدام مزدور علیه میهن انقلابی ما گذشت.

این جنگ، ضمن این‌که توانایی انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران به رهبری امام خمینی را به نمایش گذاشت، درعین حال نقش سرنوشت ساز طبقه کارگر ایران را در تامین پیروزی بر متجاوزین آمریکایی ـ صدامی به ثبوت رسانید. جوانب گوناگون این پیروزی تاریخی طبقهٔ کارگر ایران را از نظر بگذرانیم.

بقیه در صفحه ۷

شورای جهانی صلح

فراخوان

برگزاری هفته خلع سلاح

صفحه ۱۶

بنیادهای سیاست پایه‌ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا

سیاست پایه‌ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل مردمی و خودکفا مبتنی بر اصول و بنیادهایی است. این بنیادها از این قرارند:

— اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی به سود دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین،

— تقویت بخش دولتی و تعاونی در کشاورزی،

— بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی جهت ارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان تهیدست و گسترش کشاورزی.

درممالکی که در آنها انقلابات ضد امپریالیستی و مردمی رخ می‌دهد، در ابتدا و حتی تا مدتها دمکراتهای انقلابی، معمولا تحت تأثیر

بقیه در صفحه ۶

متحدان بنی‌صدر ـ مائوئیست‌های آمریکایی (۲)

نقش "حزب رنجبران" در جبهه براندازی

صفحات ۸ و ۹

تحلیل حزب کمونیست مصر دربارهٔ رژیم آمریکائی مصر

صفحه ۱۱

دوابرقدرت

صفحه ۳

امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مسابقهٔ تسلیحاتی را تشدید می‌کند

صفحه ۱۳

ایجاد شبکهٔ تعاونی های توزیع ضرورت مبارزه با گرانفروشی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تعدیل ثروت و تعمیم قسط اسلامی، بخش تعاونی را یکی از بخشهای مهم اقتصاد کشور قرارداده است.

تعاونی‌های تولید در جهت جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک در راه افزایش تولید صنعتی و کشاورزی و تعاونی‌های توزیع در راستای جلوگیری از تکاثر، حذف واسطه‌ها و سلف‌خرها و توزیع عادلانه مایحتاج عمومی عمل می‌کنند.

تعاونی‌های توزیع از عوامل مهم ثابت نگاه‌داشتن قیمت‌ها و جلوگیری از تعدی نسبت به مصرف‌کننده‌اند.

متأسفانه باگذشت نزدیک به سه سال از پیروزی انقلاب، هنوز نمی‌توان از شبکهٔ تعاونی‌ها سخن گفت، بلکه باید از آنها به مثابهٔ تک‌جوشهائی در دریای پهناور غارت و چپاول سرمایه‌داری وابسته و اقمار خرده‌پای آن، نظیر بنکدارها، سلف‌خرها، بارفروشان میادین وغیره یادکرد.

بربازار کشور همچنان روابط سنتی حاکم است و کالاهای ساخت داخل وخارج، تا بدست مصرف‌کننده برسد، چندین دست میگردد و در هر دست، مبلغی بر بهای آن افزوده میشود، و این از عوامل مهم گرانی توان فرسای کنونی است، که فشار اقتصادی بیش از حد را بر طبقات محروم و زحمتکش تحمیل کرده است.

انقلاب توانست پایگاه های سیاسی ونظامی طاغوت را برهم ریزد، اما نظام اقتصادی طاغوت، یعنی

بقیه در صفحه ۱۰

"اونیتا" — ابزار آمریکا و آفریقای جنوبی علیه آنگولا

صفحه ۱۴

تعلل در تأمین حاکمیت قانون به زیان انقلاب است

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در آغاز سال جدید، طی پیامی، این سال را "سال حاکمیت قانون" خواندند. کمی بعد، اطلاعیهٔ ده‌ماده‌ای دادستان کل انقلاب، که با نظر رهبر انقلاب تهیه‌شده بود، انتشار یافت، که بر اساس آن فعالیت احزاب و گروه‌هائی که به قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران برنخیزند، آزاد اعلام گشت. پیام رهبر انقلاب مبنی بر ضرورت تأمین حاکمیت قانون در سال جدید و اطلاعیهٔ ده‌ماده‌ای دادستان کل انقلاب، تاکنون (بیش از ۶ ماه پس از انتشار آنها) بارها و بارها از طرف کلیه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران مورد تائید و تاکید قرار گرفته، اما متاسفانه آن پیام و این اطلاعیه مهم، هنوز بطور عمده اجرا نشده باقی مانده‌اند و این امر زیانهای جدی ببار آورده است.

زمانیکه رهبر انقلاب سال ۶۰ را "سال قانون" نامیدند، بوضوح آشکار بود که امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های داخلی آن، تمام نیروی خود را برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران بکار انداخته‌اند و به این منظور توطئه‌های خطرناکی را تدارک می‌بینند. آنها از همان دوران و حتی مدتی پیش از آن، بی‌توجهی به قانون و زیرپاگذاردن آنرا بعنوان پیش‌درآمدی جهت سوءاستفاده از قانون شکنی‌ها، بمنظور کارشکنی و خرابکاری و ایجاد تشنج و درگیری و در همان حال برای بی‌اعتبار کردن قانون و سپس جمهوری اسلامی ایران، یکی از هدف‌های توطئه‌گرانه خود قرار دادند و با تمام نیرو بدان دامن زدند. بنی‌صدر خائن که خود ریاست قوهٔ مجریه را برعهده داشت، چندروز پیش از آغاز سال جدید، در ۱۴ اسفند ۵۹ بزرگترین یورش را به قانون سازمان داد، وسپس تمام قوای جمهوری اسلامی ایران، قوهٔ مقننه، مجریه و قضائیه را بی‌اعتبار خواند و علیه آنها قیام کرد. درست بر اساس درک صحیح همین خطر بود که سال ۶۰، سال حاکمیت قانون لقب گرفت.

نگاهی به سیر دو سال و نیمه انقلاب بزرگ اسلامی ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و مردمی ایران، بیانگر این حکم است که امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن، عمده‌ترین و اصلی‌ترین

بقیه در صفحه ۲

رئیس جمهور...

بقیه از صفحه ۱

وامنیت کامل محیط زندگی ومحیط کاربرای همه فراهم کنیم " ، "همه کسانی که وفادار به جمهوری اسلامی هستند ونظام جمهوری اسلامی را قبول دارند ، باهر اندیشه وتفکر ، بتوانند آزادانه زندگی کنند وکسی به آنها تعرض نکند " .

درزمینه سیاست خارجی وشعار "نه شرقی ، نه غربی" حجت الاسلام خامنه ای " دوری از قدرتهای ستمگر ، مبارزه باقدرتهای غاصب . . . جانبداری ازملت ها وانگیزه های انقلابی مستضعفان بخصوص درمناطق اسلامی " را از سوئی تصریح کرد واز سوی دیگر اظهار داشت :

" (ما) باهمه دنیای بیطرف و بیغرض وسالم مایلیم که دوست باشیم و رابطه داشته باشیم و ازخیرات وبرکات فرآورده مغزهای بشری وانسانی درطول تاریخ درچهار گوشه جهان بهره ببریم وباتنگ نظری در خیرات را بروی خودمان نمی بندیم " .

مردم انقلابی در سراسر ایران ، تقریبا یکپارچه ، به مجموعه خصائص وبویژه به خط سیاسی حجت الاسلام خامنه ای ودرواقع به امید خود ، به آرزوی خودرای دادند . بعبارت دیگر ، آنها انتظار دارند که رئیس جمهور خامنه ای ، به عنوان دومین شخصیت موثر بعدازامام خمینی ، در راه تحقق امیدها وآرزوهای مردم ، به همان اندازه قاطعانه که مدبرانه ، گامهای عملی بلند به پیش ، بسوی پیروزی قطعی ونهائی انقلاب بردارد.

انتظارات مردم ــ چنانکه می دانیم ومعلوم است ــ نه زیاده طلبی ، بلکه حق طلبی است . در واقع انتظارمردم ، یعنی توده های میلیونی مستضعفان و زحمتکشان شهر و روستا ، چیزی نیست جزتوقع حرکت وعمل در راه آن اهدافی که برای دستیابی به آنها انقلاب کرده اند : احقاق حق زحمتکشان ، که در رژیم ستمگر و خونخوار گذشته پایمال شده بود ، عدالت اجتماعی ، که در رژیم گذشته لگدمال شده بود ، استقلال کشور که در رژیم گذشته نابودگردیده بود ، آزادی که در رژیم گذشته سرکوب شده بود .

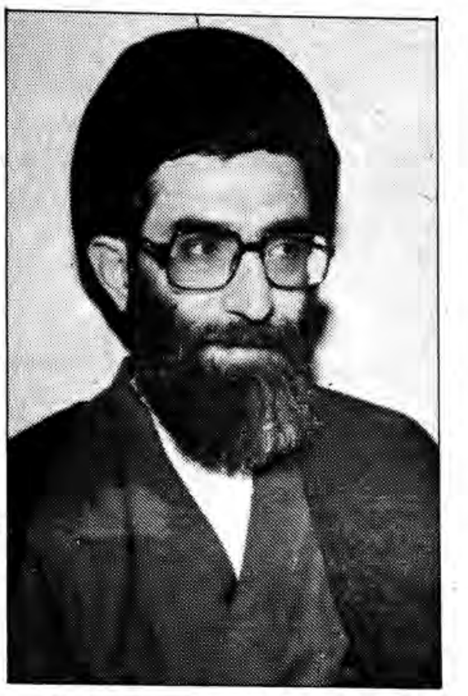
بیش از دوسال ، کارشکنی لیبرالها ، مقاومت ضدانقلابی همه تفاله های آمریکا ، توطئه ــ های پی درپی امپریالیسم بسرکردگی آمریکاو نیز برخی اشتباهات وندانم کاری های ناشی از کم تجربگی برخی ازنیروهای راستین انقلابی ، مانع از آن شد که انقلاب باسرعتی انقلابی در راه تحقق اهداف خودگام بردارد ، ولی اکنون دیگرحاکمیت بطورعمده در دست پیروان "خط امام "قرارگرفته است ودرنتیجه مردم انتظار دارند که انقلاب سبکبارتر ازگذشته بسوی اهداف خودحرکت کند .

حاکمیت امروز می تواندو بایداصلاحات ارضی بنیادی را ، باتکیه به نیروی عظیم زحمتکشان روستا ، انجام دهد ، هرگونه رادع و مانعی رادراین راه ازپیش پابرداردوبه ستمگری قرون در روستا پایان دهد .

حاکمیت امروز دیگرمی تواندوباید بخش دولتی وبخش تعاونی رادراقتصادتقویت و گسترده کند ، بازرگانی خارجی را دولتی کند ، گرانی وتورم رامهارکند ، درصدد رفع بیکاری برآید ، در راه رفع دیگرنیازمندی های مبرم مردم (مسکن ، آموزش همگانی و رایگان ، سواد ــ آموزی وغیره) مجدانه ترگام بردارد .

حاکمیت امروز دیگرمی تواندوباید همه نیروهاوسازمانهاوافرادی راکه وفاداربه انقلاب وپشتیبان جمهوری اسلامی ایران اند ، قطع نظر از تفاوت های مسلکی ومذهبی آنها ، به مشارکت فعال برای تقویت وپیشبرد انقلاب در همه زمینه ها فراخواندوازآنها بهره گیری کند . صف دشمنان و دوستان داخلی انقلاب اینک بوضوح مشخص شده است . هرگونه کوششی ، بهر بهانه ، درجهت راندن دوستان انقلاب ، ازطرف هرکسی انجام گیرد ، خواسته وناخواسته ، تضعیف انقلاب وبه زیان انقلاب است .

درعرصه مهم سیاست خارجی نیز مسئله عمده گرهی شناخت دوستان ودشمنان است .



اینک دیگردشمنان انقلاب وجمهوری اسلامی ایران درچهره امپریالیسم بسرکردگی آمریکا و متحدان ودست نشاندگانش ، بطورعمده شناخته شده اند . ولی درباره شناخت دوستان انقلاب می توان گفت که ، باوجود شکست خط آمریکایی لیبرالها ، که سعی درمعرفی دوستان به عنوان دشمن داشتند ، ماهنوز درآغاز راه شناخت دوستان وبهره گیری ازآنان بسود انقلاب وبر مبنای استقلال واحترام متقابل هستیم . حاکمیت دیگرمی تواندوبایدهرگونه رادع ومانع مصنوعی را ، که دراین راه تعبیه شده ومی شود ، از پیش پا برداردوباسرعتی ، که نیازانقلاب و تحکیم انقلاب وتقویت جمهوری اسلامی ایران است ، دراین راه حرکت کند .

شرکت همگانی مردم در انتخابات ریاست جمهوری ، خودنشان می دهدکه ، علی رغم تمام دشواری هایی که انقلاب درمدت دوسال ونیم با آن دست به گریبان شده ، روحیه انقلابی و قدرت انقلابی خلق قهرمان ما ، دچار کاستی نشده وهمچنان پابرجاست . این پابرجایی روحیه ایثارگرانه انقلابی وقدرت عظیم انقلابی توده های دهها میلیونی ، که بصورت پشتیبانی فداکارانه از "خط امام" تجلی می کند ، آن اهرمی است که باتکیه برآن می توان وبایدتمام مشکلات را از سر راه تحقق اهداف ضدــ امپریالیستی ، استقلال طلبانه ، مردمی ، عدالت ــ خواهانه وآزادیخواهانه انقلاب برداشت و انقلاب را در راه پیروزی قطعی ونهائی رشدو گسترش داد . همین است انتظار مردم . همین است امیدمردم ، همین است وظیفه انقلابی که انجام آن دربرابرحاکمیت قرارگرفته است .

مانیز مانندهمه دیگرانقلابیون راستین امیدداریم وتوقع داریم که حجت الاسلام خامنه ای ، درمقام ریاست جمهوری ، در راه تحقق انتظارات مردم ، که شمه ای از آنها راخود آقای خامنه ای برشمرده اندومانیزاشاراتی به آنهاکردیم ، انتظاراتی که در واقع همان اهداف اصلی واصیل انقلاب اند ، گامهای بلندوموثری بردارند . مااعتقادراسخ داریم که باپیشرفت در راه انقلاب ، بارشد وتعمیق وگسترش انقلاب ، با یک سیاست قاطع ودرعین حال مدبرانه انقلابی ، چه درعرصه کشور وچه درعرصه بین المللی ، با بسیج تمام نیروهای فعال انقلابی دردرون کشور وبابهره گیری ازجبهه ضدامپریالیستی جهانی بسودوتحکیم استقلال وقدرت جمهوری اسلامی ایران ، همه مشکلات برطرف می شود ، ازجمله شکستن وراندن ارتش متجاوزصدام آمریکایی به آنسوی مرزهای عراق تحقق می پذیرد ، تروریسم ضدانقلاب وتفاله های آمریکایی ریشه کن می شود ، هرتوطئه درونی وبرونی دیگری که ازسوی آمریکا ومتحدانش چیده شود ، خنثی می گردد و سازندگی کشور باموفقیت انجام پذیرمی شود .

آری ، برای تحقق همه این اهداف والای انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی اسلامی ایران ، مردم درامیدند . مردم درانتظارند .

تغلغل در...

بقیه از صفحه ۱

نیروی مخالف استقرارقانون ورهبری کننده اصلی تمامی یورشهای سازمان یافته علیه قانون بوده اند . بررسی تمامی توطئه ــ های شکست خورده پیشین امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران نیزنشان میدهد که یورش به قانون ، هموارزمینه ساز و مقدمه توطئه براندازی راتشکیل می داده است . درآستانه تجاوز نظامی طبس ، کودتای نوژه ، تجاوزنظامی لشگرصدام حسین وبالاخره توطئه باند بنی صدرــ رجوی ، جمهوری اسلامی ایران شاهد موج بزرگی از بی قانونی ، هرج ومرج ، یورش به نهادهای قانونی وانقلابی و احزاب و گروه های مدافع انقلاب بوده است . هم اکنون نیز ، درشرایطی که بلاــ فاصله پس ازشکست توطئه خطرناک جبهه براندازی به رهبری باندبنی صدر شواهد عدیده ای ازتدارک توطئه ای خطرناکتر وفاجعه آمیزتربچشم می خورد یورش به قانون ، زیر پانهادن قانون برای سوء استفاده ازجوّبی قانونی وبرای بی اعتبارکردن قانون ، جای ویژه ای را اشغال کرده است . هنوز ، ۶ ماه پس از آغاز سال ۶۰ ، مسئله استقرار "حاکمیت قانون " مسئله روزاست . ازجمله اصول قانون اساسی درباره فعالیت احزاب و گروههائی که آماده فعالیت در چارچوب قانون هستند وهمچنین اطلاعیه ۱۰ ماده ــ ای دادستان کل انقلاب ، که بعنوان قانون تلقی شده است ، تاحدودزیادی روی کاغذ مانده است . وازاین واقعیت فقط آمریکاوتفاله هایش سودبرده اند .

اهداف آمریکاو ضدانقلاب داخلی وتفاله های آمریکا چون امیر انتظام ها ، فخارزاده ها ، کشمیری ها و کلاهی ها برای جلوگیری از استقرار حاکمیت قانون عبارتست از :

۱- ایجاد بی ثباتی و جلوگیری از تثبیت جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای انقلاب

تثبیت وتحکیم جمهوری اسلامی ایران ، دستاوردهای انقلاب ، نهاد ــ های انقلابی وقانونی ، مرگ ضد انقلاب داخلی وانهدام آرزوهای پلیدغارتگران آمریکایی ومتحدان ووابستگان داخلی آنهاست . اگرمحیط تشنج وناآرامی از میان برودوجوآرامش وامنیت پدیدآید ، اگربرخوردآزادانه آراء وافکار تامین و تضمین شود ، اگرقانون درزمینه تامین ضروریات اساسی اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی به اجرا درآید ، و بدینسان انقلاب پایه های خودرا درعمق جامعه ، درمیان توده های دهها میلیونی زحمتکشان محکم سازد ، واگرتوده های انقلابی مردم ، درنهادها وسازمانهای توده ای وانقلابی ، متشکل شوند ، دیگر به شکست کشانیدن انقلاب ومقابله باآن غیرممکن خواهد شد . بهمین دلیل است که عنصربی ثباتی وناآرامی ، که از سر انگشتان پلیدآمریکاوعمال آن درجامعه انقلابی ما تراوش می کند ، طی دوسال و نیم گذشته یکدم جمهوری اسلامی ایران را ترک نگفته است . تمامی ایادی خارجی و داخلی آمریکا ، ازصدام گرفته تا ساواکی ــ هاوضدانقلاب سازمان یافته ، از سرمایه داران وفئودالها گرفته تا تفالهــ های آمریکا چون کلاهی ها وکشمیری ها ، که تثبیت اوضاع را به زیان منافع غارتگران ومقاصد شیطانی خودمی دانند باتمام قوا درتلاش جلوگیری ازتثبیت اوضاع وایجادآرامش وامنیت هستند .

۲- ایجاد انحراف در افکار عمومی نسبت به خطر توطئه های آمریکا

درآستانه هریک ازتوطئه های پیشین آمریکا ، گرد بادی ازتبلیغات و اقدامات منحرف کننده توسط تمامی ایادی آمریکاولیبرالهاومائوئیستها به منظورمنحرف کردن اذهان ازخطری که فرامی رسد ، جمهوری اسلامی ایران رادر نوردیده است : تمامی کلاهی هاوکشمیری ــ هاوفخارزاده ها ، که دردستگاه های تبلیغاتی ویاارگانهای مسئول رخنه کرده اند ، می کوشند بابراه انداختن کارــ زارپرسروصداوپرهیاهو ، افکار مردم و مسئولان ناآگاه را به جانب خطرهای موهوم متوجه سازند . رگبارافتراها و دشنامها ازحنجرههای مشکوک یا بی ــ تجربه ، برروی کسانیکه گناهی مرتکب نشده اند ، می بارد ، تاگناهکاراصلی ، یعنی شیطان بزرگ ــ آمریکا ، اززیرضربه خارج شود . آماج این حملات را همواره بخشی ازاحزاب وگروههای مدافع انقلاب در داخل ودوستان انقلاب درخارج تشکیل می دهد وهدف نیز همواره آن بوده است که آمریکا وتوطئه گران واقعی "منسی "شوند .

۳- دامن زدن به تفرقه میان نیروهای انقلابی و تضعیف جبهه انقلاب

وقتی دشمنان موهوم جای شیطان بزرگ را بگیرندوبخشی ازنیروهای مردمی وانقلابی علیه بخش دیگر برخیزند ، طبیعی است که درچنین زمانی نیروی هر چه کمتری درجبهه مقابله ومقاومت در مقابل توطئه های آمریکاوتفاله های آن قرارمی گیرند . زمانیکه بخشی ازنیروهای انقلابی "ضدانقلاب " رادروجود بخش دیگری ازنیروهای هوادارانقلاب جستجو کنندوفعالیت ضدامپریالیستی بخشی از نیروهای مردمی بواسطه تضییقات بخش دیگرمحدودشود ، بیشک باید آن را بهترین موقعیت برای توطئه گران دانست.

تلاش امپریالیسم آمریکا وضدانقلاب داخلی درتمامی توطئه های پیشین معطوف بدان بوده است که زمانی رابرای واردآوردن ضربه نهائی برگزینند و کشمکش میان نیروهای خلق به اوج خود رسیده باشد متاسفانه آنها تا بحال توانسته اندازخاموش شدن آتش این کشمکش ناروا ، ممانعت کنندوهربار در آستانه توطئه های خطرناک خویش برآن نفت بپاشند .

بایدافزودکه تابحال ، درتامین هر سه هدف فوق الذکر ، نیروهای قشری و انحصارطلب ، که نمی توانند دگرــ اندیشان راتحمل کنندواجرای قانون و عدالت رادرباره آنها نمی پسندند ناآگاهانه زیان بزرگی به انقلاب ایران واردکرده اندوبویژه درمیان همین نیرو ــ هاواین زمینه مساعداست که کلاهی ها وفخارزاده ها وکشمیری هاامکان نفوذو خرابکاری یافته اندومی یابند .

بیشک اعمال غیرقانونی ازقبیل توقیف وتعطیل برخی ازمطبوعات افشاگر توطئه های آمریکا ، که باتمام نیرو از انقلاب مدافعه کرده اند ، دستگیری و محاکمه ومجازات برخی از اعضاء و هواداران گروههای قانونی مدافع انقلاب محروم کردن غیرقانونی برخی ازنیرو ــ های انقلابی ازشرکت درانتخابات و . . . همه وهمه گامهائی درخلاف جهت تامین خواست امام وانقلاب ، یعنی تامین حاکمیت قانون است .

بایدبازهم تاکیدکردکه :

دشمن اصلی آمریکاست ، تمامی توطئه هازیرسرآمریکاست ، تفرقه میان نیروهای خلق بسودآمریکاست وتعلل در تامین حاکمیت قانون ، به زیان انقلاب و بسودآمریکاست .

موافقتنامه همکاری ایران و رومانی

در پایان سفر یک هیئت بلندــ پایه جمهوری سوسیالیستی رومانی به جمهوری اسلامی ایران موافقت نامه همکاری میان دوکشوربه امضارسید . بر پایه این موافقت نامه قرار شده است ، که ایران سالیانه هفتاد میلیون دلار کالای غیرنفتی وحداقل ۴ میلیون تن نفت به رومانی صادرکند . همچنین موافقت شد که ایران فعلا روزانه ۳۰ هزار بشکه نفت برای پالایش به رومانی بفرستد .

به گفته محمدتقی بانکی ، وزیر مشاورو سرپرست سازمان برنامه وبودجه رومانی ها آمادگی خودرا برای دوباره ــ سازی برخی ازپالایشگاههای ایران اعلام داشتند . فزون براین ، توافق های دیگری نیزدرزمینه خریدوساختن تجهیزات بندروراه آهن ، پروژه های برق و آب ، شیلات وغیره حاصل شد ، که جزئیات آنها در روزنامه ها انتشار یافت .

موافقت نامه همکاری میان ایران و رومانی گامی است مثبت درجهت گسترش مناسبات بازرگانی ــ فنی بایکی ازکشورــ هایی که نه تنها پیوسته پشتیبانی خویش را از مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم وانقلاب ما ابراز داشته اند ، بلکه این همبستگی رادرعمل نیزدرزمینه های اقتصادی ، فنی وفرهنگی به ثبوت رسانیده اند .

جمهوری سوسیالیستی رومانی در گستره بازسازی ونوسازی اقتصادی و دستیابی به استقلال صنعتی دارای تجربیات گرانبهایی است که میتواند برای جامعه ما در شرایط کنونی بسیار سودمند باشد . علاوه براین ، رومانی ، که ازنظرتولیدوتکنولوژی تجهیزات و ماشین آلات نفتی در سطح جهانی مقامی شامخ را حائزاست ، میتواند و آماده است ، که در این زمینه نیزهمه امکانات خود را در اختیار جمهوری اسلامی ایران بگذارد .

گسترش مناسبات اقتصادی ــ فنی بارومانی موردتائید و مایه خشنودی ماست و میتواند وباید سرآغازتوسعه اینگونه پیوندها باهمه کشورهای جبهه ضدامپریالیستی جهان ، بویژه کشورــ های سوسیالیستی باشد ، که همواره آمادگی خود را در اینباره اعلام داشته اند . درشرایطی که به گفته آقای محمدتقی بانکی ، "دولت های متجاوز سعی دارندایران را درموضع انزوا قرار داده وبافشار از طریق عوامل خود در منطقه ، ایران را دریک موضع انفعالی قراردهند " ، باید هرچه زودتر گام های بزرگتری را در راه بهره برداری از امکانات وکمک های اینگونه کشورها که متضمن منافع متقابل دوجانبه است بر- داشت . اینست تجربه همه کشورهای ازبندرسته ای که پس ازرهایی ازسیادت سیاسی امپریالیسم وارتجاع پیروزمندانه در راه دگرگونی های اقتصادی ــ اجتماعی وتحکیم وتثبیت استقلال اقتصادی خود ، مصون ازگزند دسیسه های خرابکارانه و تحریم آمیز امپریالیسم گام برداشته اند

دو ابرقدرت

درجهان امروزی‌ما، دو "ابر قدرت" وجوددارند. این‌واقعیت است. این دو "ابر قدرت" یکی‌آمریکا ویکی‌شوروی هستند. که از لحاظ قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی وفنی‌بردیگر قدرتهای بزرگ جهان برتری دارند. ولی آیاخصوصیات این دوابر قدرت، نظام اقتصادی‒ اجتماعی‌آنها، سیاست آنها، اهداف آنها، بدلیل آنکه هردوقدرت های برتری‌هستند، یکی‌است؟ نه، یکی‌نیست.

قدرت بخودی‌خود ملاکنیکی یا بدی‌نیست. قدرت می‌تواندستمگر، اسارتگر، غارتگر و ضدانقلابی باشد. قدرت همچنین می‌تواندعدالتخواه، مردمی، انقلابی، ضد‒ ستمگری، اسارتگری وغارتگری باشد.

ما‒ جمهوری‌اسلامی‌ایران‒ خود در صددکسب قدرتیم ومی‌خواهیم کشوری‌شویم ازهرنظر قدرتمند، تا این قدرت را در راه برقراری عدالت، برضداستعمار واستثمار، در راه کمک به مستضعفان بکاربریم. آیا، آنگاه‌که مابه‌این‌قدرت برسیم، محض‌قدرت مانمایانگر ستمگری ماخواهدبود؟ البته نه! قدرت ما، نه قدرت ستمگری، بلکه‌قدرتی‌ضدستمگری‌خواهد بود.

آمریکاو شوروی هر دو ابرقدرتند، ولی شباهت آنها فقط درهمین قدرتمندی‌است. منشاءقدرتمندی‌آنها، عرصهٔ‌عمل قدرت‌آنها، شیوهٔ بکاربستن قدرت و هدف آنها، نه‌فقط بایکدیگر متفاوت، بلکه بایکدیگرمتقابل و متضاد ومتناقض است.

دولت آمریکادستگاهی است مجری ارادهٔ‌انحصارات امپریالیستی، که زایش آنها، رشدآنها، توانگرشدن آنهابرمبنای استثمار بیرحمانهٔ‌زحمتکشان "خودی" وغارت راهزنانه‌و شقاوتمندانه دیگر خلق هاست. غارتگری، چه بصورت استثمار و چه بصورت استعمار (ازنوع قدیم وجدیدآن) سرچشمهٔ بقاء وقدرتمندی امپریالیسم است. شماعرصهٔ تاخت وتاز غارتگرانه را ازامپریالیسم بگیرید، اوخواهدمرد. بهمین دلیل‌امپریالیسم حاضر است، بلکه‌مجبوراست تجاوزگر باشد، آتش جنگها را برافروزد، میلیونها انسان را از هست و نیست ساقط‌کند، میلیونها انسان را بکشدوبسوزاند، تابتواند سلطهٔ‌غارتگرانهٔ خود راحفظ کندوگسترش دهد، تابتواند به حیات شررباروانگلی‌خودادامه دهد. امپریالیسم‌که قدرت خود را ازاستثمار واستعمار به دست آورده، این‌قدرت رابه‌اشکال‌مختلف سیاسی، دیپلوماتیک، جاسوسی، تبلیغاتی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی، علمی، فنی، مالی وبازرگانی ونیز البته جنگهای تجاوزی به کار می‌برد، تاسلطهٔ‌جهنمی غارتگرانهٔ خودرا بر دیگرخلق‌ها وکشورها برقرارکند. این‌سرشت امپریالیسم است.

دولت شوروی برعکس دستگاهی است مجری ارادهٔ‌خلق رها ازاستثمار. زایش آن، رشدآن، توانگرشدن‌آن‌برمبنای کارو زحمت فکری ویدی‌همان خلق رها ازاستثمار است. همین رهائی از استثمار، سرچشمهٔ بقاء وقدرتمندی دولت و جامعهٔ شوروی است. شمانظام‌استثماری رابه کشور شوروی باز‒ گردانید، اوخواهدمرد. بهمین‌دلیل‌امپریالیسم‌جهانی، ازهمان فردای انقلاب اکتبر کوشیدوهنوزهم می‌کوشدکه‌نظام‌سوسیالیستی را درشوروی‌و درهرکشور سوسیالیستی‌دیگربر‒ اندازد. بهمین‌دلیل هم شوروی مجبور است برای حفظ‌بقاء خود ودیگر کشورهای سوسیالیستی باامپریالیسم بسرکردگی آمریکا، برزمد، قدرت دفاعی‌خود را برای دفع تجاوزنظامی امپریالیسم حفظ‌کند، نگذارد که‌امپریالیسم برتری‌نظامی‌کسب‌کند، ازهمه‌جنبش‌هاوانقلاب ‒های ضدامپریالیستی‌استقلال‌طلب، بعنوان متحدان طبیعی‌خوددرمبارزه‌علیه‌امپریالیسم حمایت کند، نیازمندی هاو درخواست‌های این‌جنبش‌هاوانقلاب‌های استقلال طلب را در حدتوانائی خوداجابت کند، بکوشد عرصهٔ تاخت و تاز غارتگرانه امپریالیسم تنگ تر و تنگ‌تر شود، تاامپریالیسم ناتوان‌ترو‌ناتوان‌تر گردد. اگرلیبی درجریان‌نبرداستقلال‌طلبانه‌خود باامپریالیسم درمعرض تجاوز امپریالیسم وعمالش قرارگیرد و درخواست حمایت کند، این درخواست رااجابت کند. اگرویتنام در معرض تهاجم بربرمنشانه امپریالیسم قرارمی‒ گیرد و درخواست کمک کند، این‌کمک را به او برساند، برضددشمن‌مشترک، بنابه‌درخواست فلسطین، آنگولا، نامی‌بیا، افغانستان، سوریه، لبنان، و یا هرخلق وکشوردیگری، بصورتهای مختلف سیاسی، دیپلوماتیک، اقتصادی، فنی، علمی وحتی، چنانچه درخواست شد وامکان بود، تسلیحاتی ونظامی‌کمک کند، این کمک بدون چشمداشت انجام می‌گیرد. پس از این که جمهوری‌دمکراتیک خلق‌کره تجاوز آمریکا را دفع کرد، اتحادشوروی تمام‌کمک‌هائی را که به صورت اسلحه‌ومهمات ودارو و خواربار و غیره به‌خلق‌رزمنده‌این‌کشور داده بود، به این خلق بخشید. بهمین‌گونه نسبت به ویتنام عمل‌شد. بهمین گونه نسبت به کوبا رفتارشد. شوروی برخلاف آمریکا، درصددتوسعهٔ "منطقهٔ‌نفوذ" نیست و نمی‌تواندباشد. "منطقهٔ‌نفوذ" او جنبش‌ها وانقلاب‌های ضدامپریالیستی‌استقلال طلبانه خلق‌هااست، که عملا تقویت کنندهٔ شوروی‌هستند، زیرا تضعیف‌کننده‌امپریالیسم‒ اند.

آمریکاوشوروی دوابرقدرتند، ولی آمریکا ابرقدرتی‌است تجاوزگر وجنگ‌افروز و شوروی طرفدارصلح جهانی‌است.

آمریکا تجاوزگراست، زیرا باتجاوزنظامی می‌تواندسلطهٔ‌خود رابرخلقهای "نافرمان" مستقر سازدواین سلطه‌گری به‌منظور غارتگری، منبع حیات امپریالیسم است.

شوروی طرفدار صلح است، زیرا درسایهٔ صلح‌است که‌می‌تواندبرتری‌نظام سوسیالیستی فارغ ازاستثمار راتامین و ارائه‌کند، زیرا در شرایط صلح‌است که خلق‌هابهترمی‌توانندعلیه سلطهٔ‌امپریالیسم واستقلال‌وآزادی خویش‌قیام کنند، زیرادرشرایط صلح‌است که بحران سرمایه‌داری شدت می‌گیرد، شرایط همواره مساعدتری برای‌فروپاشی نظام ستمگرسرمایه ‒ داری امپریالیستی فراهم می‌شود، نبردطبقات زحمتکش علیه سرمایهٔ‌انحصاری شدت‌می‌گیرد ناقوس مرگ‌امپریالیسم رساتر نواخته‌می‌شود.

نظریهٔ"دو ابرقدرت"

نظریهٔ "دوابرقدرت" رادستگاه‌تبلیغاتی امپریالیسم، چندسالی‌پس ازپایان جنگ دوم جهانی‌ساخت، آنگاه که برخلاف انتظارامپر‒ یالیسم، اتحادشوروی، بدنبال‌سرکوب فاشیسم آلمان‌وبازسازی سریع کشور، نیرومندتر ازقبل‌از جنگ قدبرافراشت و بااستقرارپیروزمندانهٔ نظامهای "دموکراسی‌خلقی" دراروپای شرقی و نیز درچین و کرهٔ‌شمالی، اردوگاه سوسیالیسم بوجودآمدوبدینسان امپریالیسم عرصهٔ‌سلطهٔ خود رابرجهان بسی‌محدودتریافت.

نظریهٔ "دوابرقدرت"، که در دستگاه تبلیغاتي امپریالیسم جهاني‌جای "جهان‌آزاد" و کشور "پشت پردهٔ‌آهنین"، را گرفت، همان هدف تبلیغاتی ‒ سیاسی لجن‌مال‌کردن‌شوروی وسوسیالیسم راتعقیب می‌کرد. درشرایط‌نوین که سیستم‌استعمارکهن امپریالیستی فرومی ‒ ریخت، آبروی فاشیسم ‒این نیروی ضربتی امپریالیسم ‒ بکلی بربادرفته بود، امپراطوری انگلستان، بعنوان سراستعمارگر، بی‌آبرو شده بودو توهمات مربوط‌به دمکرات منشی و آزاد اندیشی آمریکادرنتیجهٔ‌حرص سلطه‌گری دولت وانحصارات آمریکائی‌و درنتیجهٔ‌رفتارناهنجار سربازان آمریکائی‌درکشورهای مختلف‌نزدخلق ‒های جهان متلاشی شده‌بود، امپریالیسم آمریکا که دیگر نمی‌توانست خود را درانظار جهانیان "مصلح خیراندیش" معرفی‌کند، در صددبرآمدکه بااستفاده‌ازتشابه قدرت‌آمریکا و شوروی، اتحادشوروی رانیز چیزی نظیرآمریکا وباهمان‌خصوصیات‌امپریالیستی آمریکا معرفی کند، تابرای خودنوعی‌شریک جرم بتراشدو بدین‌وسیله با یک تیر دونشان بزند: یکی به کمک بی‌آبروئی خود، شوروی رابی‌آبرو کند و از توسعهٔ نفوذ معنوی آن جلوگیری بعمل‌آورد، ودیگراین‌که بوسیلهٔ‌ایجاد سوءظن نسبت به شوروی دربین‌خلقهای تشنهٔ استقلال و آزادی، شکافی‌بین‌جنبشهاوانقلابهای‌رهائی بخش باشوروی ودیگرکشورهای سوسیالیستی بوجود آورد و درنتیجه امکان بیشتری برای سرکوب این جنبش ها وانقلابها بدست‌آوردو یا آنها رابه زنجیر پیمانهای نظامی‌اسارتگربه عنوان دفاع‌مشترک دربرابر "خطرکمونیسم" و "خطرشوروی" به بندد و از این راه سلطهٔ استعماری خود رابصورت نوینی بر خلق‌های مختلف جهان برقرارکند.

تئوری"سه جهان"

دراواسط دههٔ ۶۰ مائوتسه‌دون ومائو ‒ ئیستها برمبنای تبلیغات امپریالیستی "دوابر قدرت" و به خاطر تفهیم "حسن نیت" خود در همکاری با امپریالیسم ومبارزه علیه اتحادشوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، تئوری "سه‌جهان" را ساختند. ازدیدگاه این "تئوری" جهان به "سه جهان" تقسیم شده‌است: یکی (جهان اول)، که‌همان "دوابرقدرت" آمریکا وشوروی باشند. دیگری "جهان‌دوم" که‌کشورهای‌اروپای غربی هستندبه‌اضافه کانادا، استرالیا و ژاپن "جهان‌سوم" هم‌تمام کشورهای رشدنیافته یا رشد یابنده‌اند که گویاهمه آنهازیرسلطهٔ "دوابرقدرت" اندومنجی‌آنهاچین‌به‌رهبری مائوومائوئیستها است.

برای‌این که به اصطلاح تئوری تقسیم جهان به سه جهان قابل‌بلع وهضم‌باشد، لازم بودکه شوروی نیز کشوری امپریالیستی شود، تا بتوان خصوصیات و سیاستش را چیزی نظیر خصوصیات وسیاست‌آمریکادانست. مائوئیسم این مشکل را بازدن یک برچسب "سوسیال امپریالیسم" به شوروی "حل" کرد. با این برچسب، صاف و ساده نظام اقتصادی ‒ اجتماعی سوسیالیستی در شوروی ازبین رفت‌و نظام سرمایه‌داری درشوروی "احیاء" شد. رهبران شوروی نیزنام جدیدی گرفتند و "تزارهای نوین" شدند. "مشکل" شوروی که بدینسان "حل" شد، "نبوغ" "مائو کشورهای "جهان دوم" را نیز ازصفت "امپریالیستی" معاف کرد. اینها شدندکشورهای "صنعتی‌رشد یافته" که درمعرض خطر "دوابرقدرت" اند، نظیرکشورهای "جهان‌سوم" که‌آنهانیزدرمعرض خطرهمان "دوابرقدرت" اند.

پس چین، که منجی "جهان سوم" است، می‌بایست "جهان‌سوم" رابا "جهان‌دوم" متحد کندو با "دوابرقدرت" بجنگد. اما "دو ابر قدرت"، یکی‌دورتر و یکی‌نزدیکتر به "جهان سوم" وبویژه به "چین" قرارگرفته‌اند. آمریکا دورتر وشوروی نزدیکتراست، پس خطر شوروی ازآمریکابیشتراست‌وبنابراین‌می‌توان‌باآمریکا هم "فعلا" متحد شدوعلیه شوروی جنگید. بدینسان شوروی "دشمن‌اصلی" ودشمن "درجه یک" شد، که "جهان‌سوم" و "جهان دوم" و نیمی از "جهان‌اول" (آمریکا) می‌بایست علیه آن بایکدیگر متحد شوند.

مائوئیسم "مشکل" جنبشهاوانقلابهای آزادی‌بخش رانیز "حل" کرد. چون این‌جنبش ‒ها وانقلابها عموماخصلت ضدامپریالیستی، بویژه ضدآمریکائی‌دارند، لذامخل‌سیاست اتحاد "دوجهان ونیم" علیه شوروی‌هستند و بنابراین بایدآنها راسرکوب کرد. ده‌سال‌تمام چوب لای چرخ نبردآزادیبخش خلق‌ویتنام نهاد و پس از پیروزی‌این‌خلق‌به‌اوحملهٔ‌نظامی کرد. به جعفرنمیری برای قتل‌عام‌کمونیستهادر سودان تلگراف تبریک فرستاد. درکنارآفریقای جنوبی برای سرکوب آنگولا قرارگرفت. باپوی سادات راقشو کرد. باپینوشه مناسبات همکاری ‒های صمیمانه برقرارنمود. درکنارآمریکا و پاکستان تیغ ضدانقلاب را علیه افغانستان‌تیز کرد. درکنارنیروهای ضربتی‌آمریکا و فرانسه، جنبش شابا را در زئیر سرکوب نمود. سومالی‌را برای جنگ انداختن بروی اتیوپی‌تقویت کرد و... (این فهرست پلیددرازاست).

نظریه"دو ابرقدرت" و تئوری"سه جهان"در ایران

بلافاصله پس ازپیروزی انقلاب درایران، آمریکا ومتحدانش ودستگاه عظیم "امپریالیسم خبری" باامکانات وسیعی که‌درایران‌داشت، به شدت برطبل تبلیغات "دوابرقدرت" نواخت. انقلاب ایران بوضوح خصلت ضدامپریالیستی واستقلال‌طلبانه‌داشت‌وآمریکارادشمن‌اصلی و منشاء وعامل تمام مصائبی می‌دانست که با واسطهٔ شاه ملعون، برسر خلق زحمتکش مابه مدت یکربع قرن فرودآمده بود. شعار "بعد از شاه‌نوبت‌آمریکاست" بخوبی‌بازتاب‌آن "خطی" بودکه انقلاب بر روی آن می‌تواند ومی‌خواهد به پیش برود. جوی وجودداشت که در‌آن هیچکس جرات نمی‌کرد علنا خود راطرفدار آمریکامعرفی‌کندویا مستقیما به‌سودآمریکاتبلیغ کند. لازم بود دشمن موهومی برای انقلاب ایران تراشیده شود، تا آمریکا "فعلا" درسایه قرار گیرد. درکاخ سفید راه حل‌آزموده‌ای‌وجود داشت که در دستورالعمل کارتر به "سیا" و وزارت خارجه، توسط برژینسکی‌ابلاغ شد. طبق‌آن باید به سوءظن موجود (موجود از دوران شاه ملعون و ناشی‌ازتبلیغات متنوع و درازمدت‌ضد شوروی) بااتحادشوروی دامن‌زد، مناسبات ایران و شوروی رابه تیرگی کشاند، زیرا پایان دادن به‌حمایت شوروی از "رژیم خمینی" باعث تضعیف مواضع اوخواهدشد و آن‌را ضربه پذیر خواهدساخت.

این‌دستورالعمل‌که‌بعدهافاش شد و بنام "خط برژینسکی" معروف گردید، ازهمان‌فردای انقلاب ازسوی‌لیبرالهاومائوئیستهای‌آمریکائی‌و ضدانقلابیون رنگارنگ دیگربموقع اجراگذارده شد. تنورتبلیغات‌ضدشوروی داغ شد. باچتر دروغ اسلحهٔ‌شوروی به‌کردستان‌فروریخت. به جای شوروی "روسیه" متداول‌شد، تاچیزی نظیرروسیهٔ‌تزاری در ذهن‌ایرانی تداعی‌شود. درمقالاتی‌که‌شوروی‌رادشمن‌معرفی‌می‌کردانقلاب اکتبر "حذف" شدو روسیه، همان روسیه‌ای شد که درصدد دستیابی به آبهای گرم خلیج‌فارس است. فرانس پرس وخلق‌مسلمانیهاوساواکیهابا جعل خبر وجعل و پخش "سند"، سناریوی کذائی‌مکزیکو‒ تبریز را ساختندو قطب زاده‌بر اساس‌این دروغ یادداشت اعتراض به دولت شوروی تسلیم کرد. شوروی دشمن دین‌ومذهب بخصوص اسلام معرفی شد و نتیجه گرفته شدکه دشمن‌انقلاب اسلامی‌وجمهوری‌اسلامی است. کاشف بعمل آمد که درشوروی‌چندین‌ده‌میلیون نفرمسلمان زیست‌می‌کنندو دولت شوروی در‒ صدد شکستن انقلاب ایران است، تا مسلمانان شوروی تحت تاثیر قرارنگیرند. شایعه‌پراکنی شد که شوروی و آمریکا درصددتقسیم‌ایران‌بین خودهستند، تابدین وسیله شوروی را، چیزی نظیرآمریکا، متجاوز واستعمارگر معرفی کنند. حتی ماهواره شوروی رابه آسمان‌گیلان‌آوردند، که چون درمعرض تیر ژ‒ ۳ قرارگرفت، فرارکرد. حتی دوسرباز شوروی را با اسب‌به‌ترکمن‌صحرا آوردند، تااسلحه و نقشه‌عملیاتی بین‌ضد‒ انقلابیون آشوبگر پخش کنند. حتی اسلحه از سوی شوروی به بندرعقبه و ازآنجا به عراق روانه ساختند... خلاصه بابهره برداری از نظریهٔ "دوابرقدرت"، باتمام قواکوشیدندکه جو ضد شوروی ایجادکنندو آنگاه که بخیال‌خود این جو ضد شوروی راساختند، درصددبرداشت محصول آن برآمدند.

درسیاست داخلی، هرعمل‌انقلابی‌بسود مستضعفان را "کمونیستی" خواندندوبدینوسیله سعی در تخطئه آن‌نمودند.

آموزش همگانی رایگان "کمونیستی" شد جیره‌بندی‌نفت‌وبرخی‌مواد غذائی "کمونیستی" شد. اصلاحات ارضی "کمونیستی" شد. ملی کردن بازرگانی‌خارجی "کمونیستی" شدو... فریادبرآوردند که کجامی‌خواهیم برویم؟ می‌خواهیم کمونیسم بسازیم؟

درسیاست خارجی‌نیز ‒ همانطور که امام‌خمینی دریکی‌ازنطقهای اخیر خود فاش ساختند‒ استدلال آقایان چنین بود:

هیچ کشوری دراین جهان‌مستقل‌نیست و نمی‌تواندباشد. تمام کشورها زیرنفوذ وسلطهٔ ابرقدرت هاهستند، یاابرقدرت "شرق" و یا ابرقدرت "غرب". مانیز به ناچاربایددردامن یکی‌از این دوابرقدرت قرارگیریم، یاآمریکا و یا شوروی. ولی‌اولی "موحد" است‌ودومی "ملحد" پس بهتر است باآمریکاآشتی کنیم. مهندس بازرگان‌گفت: اگر بگفته امام "آمریکاشیطان‌کبیر است"، مارکسیسم (بخوان‌شوروی) شیطان اکبر است". بعبارت دیگر، دشمن شمارهٔ‌یک، دشمن اصلی شوروی است.

چنین‌بودبهره برداری سیاسی از نظریهٔ "دوابرقدرت".

بنی‌صدر "نوآوری" کرد. اونیز "روسیه" ازدهانش نمی‌افتاد، منتها برای اینکه "فرقی" بالیبرالهای دولت "گام‌به‌گام" داشته باشد، تئوری "سه جهان" را سپر کرد تا در پشت آن بتواند همان "خط برژینسکی" را دنبال کند. می‌گفت ومی‌خواست که ایران با دولت های امپریالیستی‌اروپای غربی مناسبات "حسنه"

بقیه‌درصفحه۱۳

پافشاری بر...

بقیه از صفحه ۱

منابع خبری هم که سخنان سادات را پخش کردند (یعنی ابتدا "بی.بی.سی"، سپس "رادیو آمریکا"، آنگاه "رادیو آزاد ایران" ــ رادیو جلاد اویسی ــ و بعد هم بقیه رسانه‌هائی که در اختیار امپریالیسم خبری هستند) شکی باقی نگذاشتند، که خبر صد در صد موثق است.

اعلام این خبر از طرف سادات، که تائید افشاگری دوساله انقلابیون جهان درباره ماهیت "مجاهدین افغانی" بود، بار دیگر آشکار ساخت که امریکا در سازمان دادن جنایات بین‌المللی و مداخله ضدانقلابی در امور داخلی کشورها و همچنین حمایت از گروه‌های تروریست دست دارد. این خبر، علاوه بر اینکه جنگ اعلام نشده از سوی امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امریکا، علیه انقلاب ملی ـ دمکراتیک افغانستان را سرانجام رسما اعلام کرد، یکبار دیگر روشن ساخت که، بغیر از گروه‌های اندکی از افغانی ها که فریب خورده‌اند ویا بدنبال نقشه حساب شده "سیا ـ حفیظ الله امین، بدامان ضدانقلاب افغانستان افتاده‌اند، رهبران "مجاهدین افغانی سر در آخور امپریالیسم دارند وازقماش اویسی ها، پالیزبان ها، بختیارها، بنی‌صدرها، رجوی‌ها و بقیه ارواح خبیثه ضدانقلابی خودمان هستند.

افشای این خبر بار دیگر ثابت کرد که "اسلام آمریکایی "سادات دلسوز "مسلمانان "افغانی است. سادات در همان حال که مبارزات مسلمانان انقلابی مصر را درهم می‌کوبد، علیه مسلمانان انقلابی ایران، فلسطین، سوریه، لیبی و... پایگاه دراختیار آمریکا می‌گذارد و زیر پوشش دفاع از "اسلام" بیشترین کمک‌ها را به "مجاهدین "افغانی می‌کند. اینجاست که هدف "اسلام آمریکایی "سادات وهمپالکی هایش درهمه منطقه یکسان است: سرکوب انقلاب بسود ضدانقلاب جهانی، به سرکردگی آمریکا!

این خبر همچنین فاش کرد که همه اخبار "امپریالیسم خبری" درباره اینکه به اصطلاح "مجاهدین" افغانی، بعد از نابودی نیروهای شوروی، از آنها سلاح می گیرند، دروغ محض است.

سرانجام بار دیگر تائید شد که همه آن سلاح‌ها که "مجاهدین" افغانی بدست می‌گرفتند، تا امپریالیسم خبری "عکس آنها را به جهان مخابره کند، از آمریکا می‌آمده‌اند، البته از طریق انور سادات!

و همهٔ اینها، تمامی این توطئه‌ها ونقشه‌ها، از امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امریکا و دست‌نشاندگانش که تابوت خود را در دست توده‌های خلق درحال آماده شدن می بینند، نه‌تنها بعید نیست بلکه عین انتظار است. امپریالیسم همین است وبس. اما آنچه مایهٔ شگفتی است، پافشاری نیروهای انقلابی مسلمان ایران برای اصیل شمردن جریانی است، که سر نخ آن از جمله در دست سادات است. آنچه مایه حیرت است ملاقات یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، یعنی همان مجلسی که قوانین خود را با شعار "مرگ بر آمریکا" تصویب می‌کند، با رهبران "مجاهدین افغانی در پاکستان است، آن هم درست درهمان وقتی که سادات اعترافات یادشده را عنوان می‌کند!

آنچه مایه شگفتی است پافشاری برانقلابی بودن "مجاهدین "افغانی و درنتیجه خودداری از مذاکره با دولت انقلابی افغانستان است. در حالیکه به‌نظر ما، اکنون دیرگاهی است که وقت آن رسیده، بر واقعیات بیشتر چشم باز کنیم. واقعیت نیز یکی است، دوتا نیست:

"یا سادات، کارترو ریگان...

"مجاهدین "افغانی تحت حمایت آنها انقلابی هستند یا نیستند،

یا سوریه، لیبی، الجزایر، جنبش آزادیبخش فلسطین و... که "مجاهدین "افغانی را تائید نمی‌کنند و با دولت افغانستان رابطه دوستانه دارند، انقلابی هستند یا نیستند؛

یا جبهه جهانی انقلاب، "مجاهدین "افغانی را ــ بغیر از گروهی معدود فریب خورده ــ عامل امپریالیسم وارتجاع جهانی، به سرکردگی امریکا می‌شناسد یا نمی‌شناسد؛

یا همه جبهه جهانی ضدانقلاب، از آمریکا، انگلستان، ژاپن، آلمان غربی و... گرفته تا مصر، عربستان سعودی، پاکستان، اردن و... "مجاهدین افغانی "را تائید می‌کند وبه آنها پول واسلحه می دهد ویا نمی دهد.

توجه به همه این واقعیات نشان میدهد که درافغانستان "هم این" و "هم آن" وجود ندارد. همه کشورهای انقلابی جهان، که دوستان صادق ایران انقلابی هم هستند، دولت افغانستان را تائید می‌کنند و باند "مجاهدین "افغانی را عامل امپریالیسم وازقماش ضدانقلابیونی می دانند که بعد از هر انقلاب اصیل تشکیل می‌شود.

جلادان، مرتجعان و امپریالیست‌ها هم به "مجاهدین" افغانی پول می دهند، اسلحه می‌دهند برایشان رادیو درست میکنند، همه ظرفیت امپریالیسم خبری" را دراختیارش می‌گذارند و...

جای ایران انقلابی روشن است که درکنار جبهه جهانی انقلاب است. باشد که اعتراف اخیر سادات به این امر یاری رساند.

چهار میلیون پوند پاداش تاچر برای ضدانقلابیون افغانی

به‌گفته ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند، مسئله افغانستان را می توان درعرض چندهفته حل کرد. این خبر را مجله "آفریک آزی" چاپ پاریس گزارش داده است. ایندیرا گاندی یادآور شده، که "واشنگتن "مانع چنین راه‌حلی است. او به دولت‌های پاکستان وایران توصیه کرد، که آخرین پیشنهادهای دولت افغانستان را درباره مذاکره مورد توجه جدی قرار دهند.

مارگارت تاچر تصمیم گرفت کمک‌های کشور خود را به باندهای ضدانقلابی افغانستان به‌میزان چهار میلیون پوند افزایش دهد..

تاچر در سفر یکروزه خود به پاکستان در یک به اصطلاح "اردوگاه پناهندگان" افغانی درنزدیکی مرز افغانستان سخنرانی کرد. دراین اردوگاه‌ها کارشناسان آمریکا، بریتانیا، چین ودیگر کشورها ضدانقلابیون افغانستان را آموزش می دهند.

پاکستان وچین تدارکات جنگجویانه خود را در مرزهای هند گسترش می‌دهند. درکشمیر ۳۵۰ هزار سرباز پاکستانی مجهز به تانک و هواپیما مستقرند. نفرات چینی نیز که برای عملیات کوهستانی آموزش دیده‌اند به این منطقه فرستاده شده‌اند.

به‌نوشته مطبوعات هندی، پاکستانی ها دراین اواخر ۱۷ بار خط مرزی را نقض کرده‌اند.

ایندیرا گاندی، نخست‌وزیر هند، بار دیگر دولت ریگان را به‌خاطر واگذاری وسیع تسلیحات به پاکستان به باد انتقاد گرفت. وی درسخنرانی درکانبرا (استرالیا) گفت، که همکاری نظامی فزاینده آمریکا وپاکستان اوضاع را درمنطقه وخیم‌تر کرده است. یادآور می‌شویم، که قرار است ایالات متحده آمریکا بیش از ۳۰۰۰ میلیون دلار جنگ‌افزار مدرن دراختیار "اسلام‌آباد" بگذارد.

مجلس شورای اسلامی درهفته‌ای که گذشت:

با اجحافات تراستهای بین‌المللی، طاغوتیان و مستکبرین مبارزه خواهیم کرد

* برای مسلمان وغیر مسلمان منطقه خیانت به آرمان مردم و همکاری با اسرائیل بهیچوجه پذیرفته نیست.
* شرکت وسیع مردم در انتخابات نشان دهندهٔ اعتقاد آنها به انقلاب و تداوم آن است.
* توطئه بمباران منابع نفتی کویت با نقشه و بدست آمریکا عملی شد.

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. دراین جلسات کلیات و موادی از لایحه ایجاد سازمان بازرسی کل کشور مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. همچنین وزیر کشاورزی اعلام کرد که بزودی لایحه اصلاحات ارضی در دستور مجلس قرار خواهد گرفت. دریکی از جلسات علنی هفته گذشته مجلس شورای اسلامی نیز گروهی از نمایندگان خواستار تصفیه مجلس از عناصر لیبرال شدند.

اولین جلسه علنی مجلس شورای اسلامی روز ۱۳ مهر تشکیل شد. ابوترابی نمایندهٔ مردم قزوین اولین ناطق قبل از دستور این جلسه طی سخنانی ضمن اشاره به درگیری‌ها وترورهایی که توسط دشمنان انقلاب به منظور "فلج نمودن نظام جمهوری اسلامی" انجام می‌گیرد، آن را نقشه‌ای شکست‌خورده توصیف کرد. ناطق بعدی یونس محمدی نمایندهٔ مردم خونین‌شهر طی سخنانی از شهید جهان‌آراء فرماندهٔ سپاه خونین شهر و اهواز که درجریان سقوط هواپیما به شهادت رسید تقدیر کرد و ضمن برشمردن سابقهٔ مبارزاتی وی از نقش او در "مبارزه و سرکوب عوامل شیطان بزرگ، آمریکا سخن گفت. آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی طی سخنانی از جمله به شرکت "فوق‌العاده وسیع" مردم در انتخابات اشاره کرد وبا تاکید بر اینکه "در سازندگی کشور وتامین نیازها کم و کاستی فراوان وجود دارد و ضدانقلاب هم، باتمام امکانات تبلیغاتی خود هرچه توانست برای (ناراضی کردن) مردم انجام داد "شرکت وسیع مردم را ناشی از اعتقاد آنان به انقلاب و شناخت درست آنها توصیف کرد. حجت‌الاسلام رفسنجانی سپس با اشاره به ایثار مردم در دفاع از انقلاب "این مردم "را لایق همه‌گونه خدمت دانست وازتمام مسئولان کشور "خواست که "به این واقعیت توجه کنند." وی همچنین از تظاهرات دانشجویان ایرانی در نقاط مختلف دنیا در اعتراض به توطئه‌ها وجنایات ضدانقلاب به‌سرکردگی امریکا سخن گفت و از این دانشجویان تقدیر کرد. وی همچنین تظاهرات چندین صدهزار نفری ضدامپریالیستی وضد صهیونیستی مسلمانان درعربستان سعودی را بسیار ارزشمند توصیف کرد. در این جلسه اعتبارنامه مهدی طیب نماینده نائین به‌علت مخالفت یکی از نمایندگان به‌کمیسیون تحقیق ارجاع شد. همچنین اعتبارنامه‌های میرغفار سجاد نژاد نمایندهٔ بستان‌آباد وطباطبائی نژاد نمایندهٔ اردستان که در شعبه‌ها رد شده‌بودند برای رسیدگی به‌کمیسیون تحقیق فرستاده شدند. آنگاه مجلس وارد دستور شد وابتدا اجازهٔ تفویض اختیار به‌کمیسیون کشاورزی در مورد انحلال "سازمان معاملات تریاک" به مدت چهارسال طرح و پس از رای‌گیری تصویب شد.

سپس اجازهٔ تفویض اختیار تصویب "اعتبار اجرای اسناد عادی وام‌های کشاورزان به‌مدت ۴ سال به کمیسیون مشترک قضائی و کشاورزی پس از بحث نمایندگان و انجام رای‌گیری به‌تصویب رسید. دستور بعدی اجازهٔ تفویض اختیار تصویب لایحهٔ قانونی اجازه فروش خانه‌های سازمانی مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۲۹ " به کمیسیون مسکن برای مدت ۴ سال به تصویب نمایندگان رسید. آنگاه اصغری وزیر دادگستری لایحه "بازرسی کل کشور" را با قید ۲ فوریت به مجلس ارائه کرد که پس از بحث نمایندگان، دوفوریتی بودن آن تصویب شد. در این جلسه، اجازه اختیار تصویب لایحهٔ تعیین و ارتقاء گروه وترفیع، کارکنان اداری قوه قضائیه "برای مدت ۳ سال به‌کمیسیون قضائی و کار و امور استخدامی مجلس رد شد. سپس اجازه اختیار تصویب لایحهٔ مربوط به "الحاقیه به آئین‌نامه اجرائی قانون حقوق گمرکی" به کمیسیون اقتصاد به مدت ۳ سال طرح و پس از رای گیری تصویب شد. آنگاه سئوال عبد الکریم شرعی درمورد رسیدگی به بعضی تخلفات هیئت ۷ نفری واگذاری زمین درداراب از وزیر کشاورزی مطرح شد. سلامتی وزیر کشاورزی طی سخنانی از جمله ضمن تاکید براینکه "کشاورزی می‌تواند پشتوانهٔ محکمی برای صنایع کشور باشد"، از افزایش محصولات کشاورزی به میزان "حداقل ۳۰ درصد" درسال گذشته سخن گفت. وی همچنین با ارائه آماری در زمینهٔ تولیدات مختلف کشاورزی، دامی وشیلات و برنامه‌ریزی‌هائی را که به منظور رشد هرچه بیشتر این تولیدات انجام گرفته است، تشریح کرد.

لایحه اصلاحات ارضی بزودی به مجلس می رود

وزیر کشاورزی با اشاره به اجحافات وغارتگری‌های "تراست‌های بین‌المللی، طاغوتی ها و مستکبرین" درقبال منافع ملت ایران تاکید کرد که درآینده هم بنا به خواست مردم قهرمانمان در مقابل این غارتگری‌ها ایستادگی خواهیم کرد وی فعالیت‌های انقلابی هیئت‌های ۷ نفره را در زمینه‌های مختلف تقسیم زمین، ایجاد شوراهای اسلامی در روستاها وفعالیت‌های فرهنگی برشمرد و ازآنها تقدیر کرد. وزیر کشاورزی در زمینهٔ اصلاحات ارضی که اولین ماده از مواد ۱۹گانه برنامهٔ این وزارتخانه است گفت: "لایحه اصلاحات ارضی به‌هیئت دولت ارائه شده و کارش تقریبا تمام شده‌است و بزودی انشاءالله برای تصویب به مجلس ارائه خواهد شد تا بعدا به مورد اجرا گذاشته شود."

وزیر کشاورزی همچنین ضمن برشماری اقداماتی که برای عرضهٔ خدمات به عشایر انجام شده‌است، نارسائی‌ها ونواقص موجود دروزارت کشاورزی را برشمرد و تاکید کرد برنامه‌ریزی‌هایی برای رفع آنها انجام شده وخواهد شد. جلسه علنی بعدی مجلس روز چهارشنبه ۱۵ مهر تشکیل شد. قبل از ورود در دستور حجت‌الاسلام رفسنجانی طی سخنانی بمباران منابع نفتی کویت را که به ایران نسبت داده شده‌است، توطئه‌ای ازجانب آمریکا دانست که بدست مرتجعین منطقه انجام شده وی همچنین با اشاره به سلاح‌هائی که عربستان سعودی از آمریکا تحویل می‌گیرد تاکید کرد که این سلاح‌ها علیه مردم وعلیه نهضت‌های انقلابی منطقه بکار گرفته می شود. رئیس مجلس شورای اسلامی همچنین با اشاره به ترور سادات خائن در مصر ازجمله تاکید کرد که برای مردم منطقه "مسلمان یا غیرمسلمان خیانت به آرمان مردم وهمکاری با اسرائیل غاصب به‌هیچوجه پذیرفته نیست. آنگاه بحث درمورد لایحهٔ بازرسی کل کشور مطرح شد وپس از تصویب کلیات آن، جزئیات این لایحه درحضور شورای نگهبان مورد بحث قرار گرفت. طی بررسی پیشنهادهای نمایندگان ازجمله پیشنهادی مبنی برگسترش دایرهٔ کار سازمان بازرسی کل کشور به نیروهای نظامی وانتظامی به‌تصویب نمایندگان رسید دراین جلسه ۳ ماده لایحه به‌تصویب رسید. درجلسهٔ علنی بعدی مجلس شورای اسلامی که روز ۱۶ مهر تشکیل شد، بحث درمورد جزئیات لایحه بازرسی کل کشور ادامه یافت وتعدادی دیگر از مواد این لایحه به‌تصویب رسید.

تشنج در مجلس

روز ۱۵ مهرماه مجلس شورای اسلامی جلسه علنی داشت. دراین جلسه مهندس بازرگان بااستفاده ازفرصت صباغیان بعنوان ناطق قبل از دستور شروع به صحبت کرد. امالحظاتی نگذشته بودکه اعتراض همگانی نمایندگان مجلس مانع ازادامه سخنرانی وی شد. گروهی ازنمایندگان با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر لیبرال "ضمن اعتراض به‌سخنان وی، مجلس را ترک کردند. عده‌ای ازنمایندگان نیز خواستار محاکمه لیبرالهای دولت موقت شدند، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به‌مهندس بازرگان اظهارداشت که "مجلس موافق با ادامهٔ سخنان شما نیست". همچنین گروهی از مردم واصناف پایتخت که از این مسئله و سخنرانی مهندس بازرگان درمجلس شورای اسلامی اطلاع یافته بودند، بعنوان اعتراض دست به راه پیمایی زدند وبه‌محوطه مقابل مجلس رفتند. آنها شعارهایی علیه لیبرال‌های پیرو "خط برژینسکی" ونیز دشمن شماره یک خلق های ایران وجهان، آمریکای جهانخوار سر دادند وخواستار تصفیه مجلس شورای اسلامی از لیبرال‌ها وپیروان سازش با شیطان بزرگ بودند. درجمع تظاهرکنندگان که طی قطعنامه‌ای خواست‌های خود را تقدیم نمایندگان کردند، حجت‌الاسلام رضوانی نیز سخنانی ایراد کرد.

تفسیر وقایع مهم جهان

مصر، پس از سادات

سادات به‌مرگی سزاوارجان داد. میهن‌پرستان مصری در روزیکه این سرسپرده‌ٔ بیگانه پرست مراسم بزرگداشت شخصیت حقیرخود را به‌بهانه‌ٔ پیروزی ارتش‌مصر درشکستن خط دفاعی اسرائیل در کرانه‌ٔ کانال‌سوئز در جنگ ۱۹۷۳ برپاکرده بود، جایگاه وی را زیر آتش سلاحهای خود گرفتند و جان‌تیرماو و چند نفر دیگر از همراهانش را ستاندند. شهرت سادات بعنوان فاتح نبرد کانال‌سوئزنیزمانند کرسی‌ریاست‌جمهوریش‌غصبی بود، ارتش‌مصر، ارتشی که سپس بدلیل خیانت‌سادات به یک ارتش‌مستعمراتی تابع منافع آمریکاتبدیل‌شد، باخون دل‌جمال‌عبدالناصر، فرزند برومند خلق مصر و تلاش‌شبانه‌روزی‌کارشناسان‌نظامی شوروی‌پرورده وآبدیده‌شده‌بود واگر در همان مسیر پیش میرفت به‌سادگی‌میتوانست‌اشغال‌گران‌اسرائیلی‌رانه‌تنها از خاک‌مصر بیرون‌براند بلکه قادر بود با همکاری سایر خلق‌های‌عرب ومنطقه وپشتیبانی‌نیرومند دنیای سوسیالیسم دست‌جنایتکارامپریالیسم‌آمریکارابرای‌همیشه ازثروت‌ها ومنابع‌طبیعی ملت‌های ستمدیده‌ٔ خاورنزدیک‌و میانه وآفریقا قطع کند. اما سادات از مدت‌ها قبل به‌دست سرویس های جاسوسی امپریالیستی (ابتداآلمان و سپس انگلستان وامریکا) بدرون جنبش انقلابی ناصری فرستاده‌شده‌بود تا در لحظه‌ٔ معین ضربت قاطع خویش را بر پیکر انقلاب فرود آورد. امروز دیگر به‌تحقیق معلوم‌است که جمال‌عبدالناصر به‌مرگ‌طبیعی‌نمرده است و مرگ‌او جزئی جدائی ناپذیر ازتوطئهٔ بزرگ‌تری بود که‌بایستی رهبری جنبش‌انقلابی‌مصر رابه‌دست‌گروه‌وابسته‌سادات بسپارد. سادات‌و داردسته‌اش گام‌به‌گام درجادهٔ خیانت‌به‌سوی سرمنزل‌تسلیم پیشرفتند ومصر رابه‌نومستعمره غرب تبدیل نمودند. اکنون دیگر مصر از جمیع‌جهات‌فرق چندانی با ایران شاهنشاهی ندارد. ارتش مصر همچون ارتش شاهنشاهی قادربه‌هیچ‌اقدام‌مستقلی‌درجهت حفظ‌منافع مصر و اعراب‌نیست. شاهرگ‌آن دردست مستشاران‌آمریکائی واسرائیلی‌وغیره است. دشمن‌احتمالی مصر دیگر اسرائیل نیست، لیبی وسوریه و تمام‌کشورها و جنبش‌های‌انقلابی آسیا وآفریقااست. سادات رفیق حجره وگرمابه‌وگلستان بگین وکارتر و ریگان بود و خصم خونخوار قذافی واسد و تمام چهره‌ها وشخصیت‌های ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی وبه‌ویژه رهبرانقلاب ایران.

سیاست‌خیانتبار سادات و داردستماش در حراج استقلال وآزادی و حیثیت‌وشرف‌خلق مصر و همکاری با امپریالیسم بر ضدملت‌های ستمدیده وجنبش‌های‌انقلابی در منطقه به خصوص پس از انقلاب ایران وسقوط شاه با برجستگی بیشتری‌نمایان‌گشت وواکنش‌میهن‌پرستان مصری در برابر این‌سیاست شدت گرفت. طیف وسیعی از اقشار مختلف، مبارزهٔ خودرا علیه رژیم چاکر منش سادات آغاز نمودند. همکاری بین‌میهن‌پرستان صرف‌نظر ازعقاید سیاسی ومذهبی آنان‌روزبروزوسعت بیشتری‌می‌یابد. گروهی از احزاب وسازمان‌های‌ملی ومیهن‌پرست‌جبهه واحدی به نام "جبهه میهنی‌مصر" تشکیل‌داده‌اند که درآن اعضای برجسته حزب‌ناصر، حزب‌مترقی ملی "چپ" حزب‌سوسیالیست کار، حزب‌کمونیست مصروبرخی دیگر ازسازمان‌های ملی ومذهبی شرکت‌دارند. ژنرال سعدالدین‌شاذلی رئیس سابق‌ستادمشترک‌ارتش‌مصربه‌دبیرکلی‌این‌جبهه برگزیده‌شده‌است.

برنامه سیاسی این‌جبهه شامل یک سلسله مسائل‌مهم داخلی وخارجی‌است‌که در رأس‌آنها اعاده‌ٔ استقلال‌سیاسی و اقتصادی مصر برپایه‌ٔ مبارزه‌ٔ با امپریالیسم وصهیونیسم، الغای‌قرارداد‌کمپ‌دیوید، جلوگیری از نفوذ سرمایه‌های‌خارجی درمصر و انجام اصلاحات دموکراتیک جای‌دارد. "جبهه‌میهنی‌مصر" به تدریج‌جایگاه‌خودرا در میان توده‌های مردم استوارتر میسازد.

خطر راپیش از همه امپریالیست های آمریکائی واسرائیلی احساس‌نمودند وسادات رابه "اقدام" برانگیختند. درس تلخی که امپریالیسم وصهیونیسم ازانقلاب‌ایران‌گرفته بود، کارپایه‌ٔ آنان در رویاروئی با جنبش انقلابی مصر گشت: انقلاب را باید در نطفه خاموش‌کرد. طرح آتش‌نشانی را ارگان‌های امنیتی اسرائیل، آمریکا، انگلستان و مصر تهیه کردند. سناریو عناصرمختلفی را در بر می‌گرفت. نخست بایستی باتحریک‌احساسات مذهبی در بین مسلمانان ومسیحیان قبطی این‌دورا به‌جان یکدیگر انداخت، از هم‌جدا کرد، سپس نیروهای دولتی به‌بهانه برقراری "نظم" وارد صحنه‌شوند و مبارزان‌ضد رژیم رابعنوان اخلالگران در وحدت ملی و محرک آشوب دستگیر کنند وآنگاه با استفاده از جو تشنج‌دیکتاتوری‌خونین‌سرکوبگرجنبش‌انقلابی رابرقرارسازند. این‌تاکتیک را استعمار گران انگلیسی بارها درگذشته در هند و سایر کشورهای وابسته و مستعمره خود پیاده کرده وازآن بهره‌گرفته‌اند. امپریالیسم‌تمام‌تجربه‌های‌گذشته‌اش را برای سرکوب جنبش های آزادی‌طلبانه بکارمیگیرد. مصربار‌دیگر صحنه



کاربرد این سیاست مزورانه قرارگرفت. سناریو بهمان‌ترتیب که پیش‌بینی شده بود اجرا گشت وبدنبال درگیری‌مصنوعی بین‌مسلمانان ومسیحیان‌قبطی‌بازداشت‌های دسته جمعی شخصیت‌های سرشناس سیاسی مخالف رژیم آغازشد. اطلاعات‌مربوط به فعالیت سازمانها وشخصیت‌های‌مخالف رژیم را سازمان های جاسوسی اسرائیل دراختیار سادات گذاشته بودند. نیوزویک (شماره ۲۸سپتامبر ۱۹۸۱) می‌نویسد: "اسرائیلی‌ها اطلاعاتی راکه‌بدان دست‌یافته‌بودند بی‌سرو صدا در اختیار سادات قرار دادند. آنهاسادات را دوست خودمیدانند و میخواهند اورا سرکار نگاه دارند". وسادات‌کارخودرا بر اساس لیستی‌که اسرائیلی‌ها برایش‌ترتیب‌داده بودند آغاز کرد. روشن‌است که دراین لیست نام‌هیچیک ازمحرکان واقعی آشوب‌های مذهبی وجود نداشت و درعوض چهره‌های برجسته سیاسی مخالف رژیم از قبیل حسنین‌هیکل روزنامه‌نویس مشهور مصری، حامد زیدان، سردبیر روزنامه "الشعب"، احمدفرغانی‌نماینده‌سابق مجلس مصر که به‌دستور سادات از او سلب صلاحیت‌شده‌بود، حسین‌عبدالرزاق، ابوعز‌الحریزی، مصطفی عاصی، محمدخلیل و چند نفر دیگر از اعضای برجسته رهبری حزب مترقی ملی مصر، محمد حلمی مراد یکی از رهبران حزب سوسیا لیست‌کار، محمدعبد‌السلام‌الزیات معاون‌سابق‌نخست‌وزیر مصر و صدهانفر دیگراز شخصیت‌های‌سیاسی‌وفعالان احزاب وجمعیت‌های مختلف‌سیاسی و مذهبی مخالف دولت باتمام‌اطلاعات لازم برای دستگیری آنان وجود داشت. سازمان های امنیتی مصر بر پایه‌ٔ اطلاعاتی که "دوستان" اسرائیلی به‌آنها داده‌بودند شکار میهن‌پرستان را آغاز کردند و در ظرف دوسه روز هزاران‌نفر رادستگیرکردندوبه‌زندان‌افکندند. سازمان امنیت‌سادات اعلام‌کردکه‌یک "توطئهٔ کمونیستی" راکه درآن "عبدالسلام زیات معاون سابق نخست‌وزیر، چند نفر از وزیران سابق، عده‌ای از استادان دانشگاه‌وگروهی از نویسندگان و روزنامه‌نگاران شرکت داشته‌اند کشف‌کرده‌است. چندفیلم جعلی نیز درباره‌ٔ ارتباط‌آنان‌با کارشناسان‌شوروی که درمصرکار میکنند در تلویزیون قاهره نشان دادند. توسل به‌سیاست سرکوبگرانه‌به بهانه‌ٔ کشف "توطئه‌های‌کمونیستی" شیوه‌تازه‌ای در دنیای امپریالیسم وکشورهای وابسته‌به‌آن‌نیست. همه مابخاطرداریم که‌دیکتاتورایران‌نیز هر حرکت سرکوبگرانه‌خود را باکشف "شبکه‌های‌کمونیستی" آغاز میکرد. قتل‌سادات و پایان حیات‌ننگین او را تنها میتوان بر پایهٔ سیاست‌های او از کمپ‌دیوید تا فرمان حمله‌ٔ اخیراوبه‌سازمان‌هاواحزاب‌ملی‌ومذهبی‌مترقی‌ارزیابی کرد. نفرت ازسادات بعنوان شخصیتی که غرور وحیثیت ملی خلق‌بزرگ‌مصررادرپای‌نمایندگان امپریالیسم‌آمریکا وصهیونیسم قربانی‌کرد، در میان‌پیشروترین‌مبارزان‌سیاسی‌ونظامی‌مصرروز به‌روز بیشتر ریشه‌میگرفت. افسران میهن‌پرست مصر که‌آن ضرب‌شست‌تاریخی درجنگ اکتبر ۱۹۷۳ رابرارتش تجاوزگر اسرائیل وارد نمودند، وبه‌خوبی درک‌میکنندکه‌قادرند با پشتیبانی وسیع خلق‌های عرب و دنیای سوسیالیسم‌نگذارند غدهٔ سرطانی اسرائیل‌در منطقه‌آنقدر رشد کند که دیگر علاج ناپذیر باشد سیاست سادات راخیانت بزرگ به مصر وتمام‌جهان‌عرب‌میدانند. البته در ارتش‌مصر تعدادافسرانی که مانند ارتش شاهنشاهی زندگی درباشگاه‌ها و خوشگذرانی در شهرهارا برجانفشانی درجبهه‌ها به‌سود میهن ترجیح میدهند و حاضرند برای ادامهٔ این زندگی مردم راقتل‌عام‌کنند کم‌نیستند و سادات با تکیه بر همین قشر افسران آسودگی طلب و مفتخور سیاست "صلح" خودبااسرائیل را پیش میبرد. بایدگفت که در ارتش‌مصر این‌قشرموضع حاکم‌دارند وتمام کارهانیز بدست‌آنان‌سپرده میشود. اماخلق مصر و ارتش آن‌ازمردان‌فداکار وجانبازنیز خالی‌نمانده‌است. اقدام‌جسورانهٔ گروهی‌ازنظامیان‌میهن‌پرست درحمله به مقر سادات هنگام مراسم رژه‌گواه‌بارزی بر وجود اینگونه فرزندان دلیر در میان‌ارتش‌مصراست. سرکوبی که‌سادات‌آغازکرده بود و جانشینانش باشدت‌بیشتری ادامه‌میدهند نشانگر آنست‌که جنبش‌مقاومت در مصر دامنه‌ای بس گسترده دارد. خلق مصرنبرد بزرگی‌رابرضدامپریالیسم آمریکاوصهیونیسم آغازکرده‌است. وجود جبهه متحد احزاب وسازمان‌های‌ملی، مذهبی و سوسیالیستی به‌رهبری ژنرال شاذلی که در ارتش مصر نفوذ فراوان دارد نوید میدهد که خلق‌مصر بتواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، مقام‌شایسته‌خودرا در صفوف مبارزان ضد امپریالیسم وصهیونیسم‌احراز کند. این نبرد تاریخی با گلوله‌ای که قلب سادات را از حرکت بازداشت پابه‌مرحله تازه‌ای گذاشت. مرگ‌سادات‌در عین‌حالی که یک‌سیاستمدار ورزیده را از جبههٔ ارتجاع مصر وامپریالیسم گرفت به‌آنان‌بهانه‌دادکه سیاست‌سرکوب‌را با قساوت و مقیاس بزرگتری اعمال کنند. جانشینان سادات یکسال حکومت نظامی در مصربرقرارکردند. امپریالیست‌های آمریکائی مرگ سادات‌رابهانه‌اعلام آماده باش جنگی برای تمام‌نیروهای خود در منطقهٔ مدیترانهٔ شرقی، خاورمیانه ونزدیک، اقیانوس‌هند و خلیج‌فارس‌قراردادند. معنای این‌آماده باش چیست؟ مرگ‌سادات چه‌ارتباطی با آماده‌باش جنگی نیروهای واکنش سریع آمریکا دارد؟ پاسخ این‌پرسش را باید درسیاست جهانی دولت‌ریگان درقبال انقلاب‌ها وجنبش های آزادیبخش در "دنیای سوم" جستجوکرد.

دکترین ریگان و انقلابهای ملی

فردای روزی که الکساندرهیگ‌به‌وزارت امور خارجه‌آمریکامنصوب‌شد، طی نطقی‌گفت: حکومت جدیدسمت‌اصلی‌سیاست‌خارجی‌خودرا بجای‌مبارزه در راه "حقوق‌بشر" به مبارزه با "تروریسم بین‌المللی" منتقل کرده است. اینکه "حقوق‌بشر" کارتری چه معنائی داشت برای خلق ما که با پوست و گوشت خود آنرا آزموده است نیازی به توضیح‌ندارد. ببینیم "تروریسم بین‌المللی" در فرهنگ سیاسی حکومت ریگان چه معنائی دارد. هواپیما‌دزدی؟ سیاه‌پوست‌کشی؟ بمب‌گذاری؟ (مثلا در بیروت وسایر جاها)، قتل‌لومومبا وسایر چهره‌های مردمی؟ هیچیک‌از انواع این گونه کارهامشمول تعریف "تروریسم" در دکترین ریگان نیست. دراین دکترین "تروریسم" یعنی جنبش‌های آزادیبخش ملی‌برای‌رهائی‌ازسلطه استعمارنو. بنابه‌این‌تعریف‌جنبش آزادیبخش فلسطین یک‌سازمان تروریستی است. در السالوادور تروریسم بین‌المللی حاکم‌است. کمک‌به‌جنبش‌های آزادیبخش‌ملی "تروریسم بین‌المللی" است ولیبی به این دلیل یک حکومت تروریستی‌است. سیاست اتحادشوروی درکمک به‌انقلاب‌های ملی "تروریسم بین‌المللی" است. دکترین ریگان در برخورد با کشورهای "دنیای‌سوم" بطور خلاصه عبارت است از سرکوب انقلاب‌های ملی ونگاه‌داشتن کشورهای‌نامبرده در چنبرهٔ سرمایه داری جهانی‌ماموریت‌اصلی سپاه واکنش‌سریع نیز پیاده‌کردن این دکترین است. البته سرکوب انقلاب‌های ملی ومردمی عنصری تازه در سیاست‌امپریالیسم‌نیست، اما آنچه در این مورد تازه‌است تطابق این سیاست با اوضاع کنونی جهان‌وتجربه‌اندوزی‌ازدرسهای‌گذشته ازجمله‌درس‌های‌ویتنام وایران‌است.

نخستین درسی که‌امپریالیسم‌آمریکا از این‌شکست‌افتضاح‌آمیزخودگرفته‌است آنست‌که تکیه‌به‌رژیم های دست‌نشانده‌وکمک‌کردن به‌آنها برای‌رویاروئی باجنبش‌اشتباه‌بوده‌است ومداخله نظامی باید ازهمان‌آغازباتمام‌امکانات‌موجود به‌مقیاس‌وسیع انجام‌گیرد. بایدهرقیامی را پیش ازآنکه‌بتواند پشتیبانی مردم را به‌خود جلب‌کند باتمام قوا سرکوب‌کرد. سیاست‌سازان کنونی‌آمریکامعتقدند که اگر ایالات متحده‌درویتنام وایران از همان ابتدا با سرعت و قدرت عمل میکرد. پیروزی نصیب آنان‌میشد. فلسفه تشکیل سپاه‌واکنش سریع نیز اینست.

درس دیگری که امپریالیست های آمریکائی ازشکست‌خود در ویتنام و ایران گرفته‌اند آنست که به جریان‌های مخالف رژیم‌های دست‌نشانده‌نبایداجازه‌دادکه‌شکل بگیرند، بایکدیگر ارتباط برقرارکنند، مسلح شوند، بایدبرجامعه نظارت پلیسی‌برقرارکرد مکاتبات وتلفن‌ها راکنترل کرد، ازتکنیک و وسایل فنی مراقبت وغیره برای کشف مخالفان وسیعاً استفاده کرد ومخالفان را قبل از آنکه وارد عمل شوند باز داشت‌کرد وحتی‌ازمیان‌برد.

آماده‌باش جنگی نیروهای واکنش‌سریع آمریکا در منطقه وبازداشت‌های وسیعی‌که در مصر به‌هنگام سادات آغاز شد وپس‌از مرگ اوباوسعت بیشتری طی یکسال حکومت‌نظامی (وضع فوق‌العاده) ادامه‌خواهد یافت اجرای دکترین ریگان در انطباق با جنبش انقلابی درمصر و منطقه است. کشورهای مرتجع‌منطقه مانند پاکستان، عربستان‌سعودی وقبل‌ازهمه اسرائیل‌هریک در اجرای‌این دکترین نقشی به عهده‌دارند. امپریالیسم‌آمریکا دیگر تاب تحمل انقلاباتی نظیرانقلاب اسلامی ایران‌را درمنطقه و جهان ندارد. انقلاب در فرهنگ امپریالیسم‌آمریکا "تروریسم" است و پشتیبانی‌از انقلاب‌ها به‌وسیله هر دولتی که انجام گیرد حمایت‌ازتروریسم بین‌المللی است. بزرگترین حمله امپریالیست های آمریکائی نیز دراینمورد متوجه اتحادشوروی است. آیادکترین‌ریگان پیروز خواهدشد؟ آیا امپریالیست‌های‌آمریکائی‌خواهند توانست خلق‌های "جهان‌سوم" را در چنبرهٔ اسارت خود نگاه دارند؟ آیا دیگرانقلابی در جهان‌روی نخواهد داد؟ واضح‌است‌که ارادهٔ سرمایه‌داران‌غرب‌نمیتواندجریان‌تاریخ‌جهان رامتوقف‌کند. امپریالیسم، نظامی محتضر و علی رغم تمام تلاش‌هایش محکوم به‌شکست‌های‌پی‌درپی‌است. امااین‌بدان‌معنانیست که امپریالیست‌ها داوطلبانه به‌حکم تاریخ گردن می‌نهندوصحنه جهان را از لوث وجود خویش پاک‌میکنند. این نظام جهنمی‌میتواند برای بقای خویش به هزاران توطئه و ترفند پلید دست‌بزند. منطقه ماهم اکنون شاهد انواع این‌توطئه‌هاست.

بمباران کویت
یك توطئه امپریالیستی

هفته‌پیش‌ناگهان‌خبرگزاری‌های خارجی

بقیه‌در صفحه ۱۵

اتحاد مردم

شماره ۹۸ دوره دوم دوشنبه ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۰

بنیادهای سیاست پایه‌ریزی اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا (بقیه)

بقیه از صفحه ۱

موانعی در تعیین، تسجیل و کاربست برخی از این اصول و حتی تمام آن دچار دشواری‌هایی میگردند این موانع عموما مشتمل اند بر:

۱) تلاش مخالفان طبقاتی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی جهت حفظ منافع خود و ابقاء پیوندی بزک کرده با امپریالیسم،

۲) تبلیغات مخرب امپریالیستی و ضدانقلابی بمنظور خدشه‌دار کردن حمایت و پشتیبانی کشورهای دوست انقلاب و دشمن جلوه دادن این دوستان و تحریف و دگرگونه نشان دادن اصول و بنیادهای انقلابی نظیر اصول فوق

۳) تاثیرات مخرب اقدامات نیرو های چپ‌رو،

۴) پیشداوری‌های ناصحیح و تنگ‌نظری‌ها در اذهان نیروهای انقلابی حاکم در بهره‌گیری از همه امکانات بسود انقلاب.

ازآنجا که عدم اجراء ویا تاخیر در اجراء اصول مذکور در فوق حامل زیانهای ویرانگری برای انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی است، و بالعکس بکارگیری هماهنگ، سریع و بموقع این اصول موجبات استقرار اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی و خودکفا را فراهم میآورد، در زیر به تشریح هریک از این اصول، ذکر نمونه‌هایی، از تجارب کشورهای انقلابی و دوست: الجزایر لیبی، در این زمینه، و موضع حاکمیت ضدامپریالیست، انقلابی و مردمی کشورمان در قبال این اصول می‌پردازیم:

اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی به سود دهقانان بی‌زمین وکم زمین

اجرای قانون اصلاحات ارضی انقلابی به سوددهقانان بی‌زمین و کم زمین نخستین و اساسی‌ترین گام برای حفاظت از انقلاب وپایه‌ریزی اقتصادکشاورزی مستقل، مردمی وخودکفاست. بدیگرسخن، ازآنجاکه بزرگ‌مالکی و فئودالیسم یکی از پایگاه‌های عمده امپریالیسم است ومنافع آن درتعارض وتضاد بااهداف انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی وازجمله باهدف استقرار اقتصادکشاورزی مستقل، مردمی و خودکفاست، وجودآن نه‌تنها خطرفزاینده بالفعلی برای انقلاب بشمارمی‌آید، بلکه علاوه‌برآن مانع بزرگی دربرابر تامین رفاه روستائیان تهیدست و شکوفائی وخودکفاشدن اقتصادکشاورزیست. از این‌رو اجرای سریع و قاطع قانون اصلاحات ارضی انقلابی بسوددهقانان تهیدست روستا وسایل حفاظت ازانقلاب راصدچندان می‌کند و راه رابرای ایجاداقتصادکشاورزی خودکفا و مردمی می‌گشاید.

تقویت بخش دولتی و تعاونی درکشاورزی

تقویت وتحکیم بخش تعاونی ودولتی در روستا دومین‌گام درارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان، افزایش تولید و برقراری اقتصاد کشاورزی خودکفا ومردمی محسوب می‌گردد.

درخصوص بخش دولتی بایدگفت که‌این بخش در روستا قاعدتا باید در درجهٔ نخست واحدهای بزرگ و وسیع را، که‌متعلق به‌شرکت‌های خارجی یامختلط بود، یاواحدهایی‌را که سابقا هم دولتی بود، یاواحدهای متعلق به کلان سرمایه‌داران فراری ومعدوم وخانواده طاغوت، که‌اغلب آنهاهم مصادره شده، دربر گیرد. این‌واحدها دارای اراضی گسترده و حاصلخیز ومرغوب هستندو درآنهااز روش‌ها و ادوات وتاسیسات مدرن‌ومکانیزه‌وسیستم های آبیاری وکشت علمی استفاده می‌شود. بخش دولتی‌هم چنین در درجه‌بعدواحدهای‌وسیع و باابعادبزرگ‌را، که‌دولت راسا باسرمایهٔ خود ایجاد می‌کندوقطبهای‌کشاورزی ودامداری‌و صنایع وابسته به‌آنها بوجود می‌آورد، دربر خواهدگرفت. واحدهای‌این بخش‌باید به‌مدیریت دولت اداره‌گردندودولت درتقویت آنها سعی لازم رامبذول دارد ورفاه‌کارکنان آن رامدنظر قراردهد. تقطیع و تفکیک اراضی وتاسیسات این‌گونه‌شرکتها تنهاوتنهاموجب‌کاهش سطح تولید درآنهامی‌گردد.

تقویت بخش تعاونی در روستا نیز یکی دیگرازملزومات اعتلاء وشکوفائی تولیدزراعی است.

درایجاد وگسترش تعاونی‌ها، اعم‌از مصرف، اعتبار، توزیع وازهمه مهمتروبالاخص تولید، باید کارتبلیغی وترویجی و عملی همه جانبه جهت‌ترغیب وتشویق‌روستائیان به ورود درتعاونی‌ها مورد نظر باشد، بگونه‌ای‌که‌خود روستائی به‌مفیدبودن اشتراک‌در کار تعاونی پی‌بردوصدالبته‌دولت‌نیزبایدیاروممد درسان تعاونی‌ها باشد. و وسایل‌گسترش آنان رافراهم آورد. فی‌المثل درارتباط باتعاونی‌های تولید، که‌یکی ازاجزاء اصلی‌وبسیارمهم درافزایش‌تولید ومیزان سودآوری‌کارهستند، دولت‌باید بهمراه اجراء قانون‌اصلاحات‌ارضی، مزایای کارتعاونی رابطورهمه‌جانبه‌برای‌دهقانان‌تهیدست‌تشریح کندودرعمل‌نیزباتدارک‌وسایل و امکانات‌کار (ماشین‌آلات، آب، کود، بذر، سموم، وام، تخصص‌انسانی‌وخریدمحصول) وجود این مزایا رانسبت به‌کارانفرادی و بر روی قطعات‌کوچک برای‌دهقانان به‌اثبات برساند.

دهقان بایدخود درک کندکه یکی کردن اراضی‌واشتراک‌درکاربادیگر دهقانان موجبات استفاده‌گسترده‌ازوسایل‌مکانیزه‌ومدرن‌وافزایش سطح‌سودآوری‌کاروتولیدرافراهم‌میآورد (که‌در قطعات کوچک استفاده ازاین‌وسایل عملاامکان‌پذیرنیست) ودرعمل‌این‌راازطریق مساعدت دولت ونهادهای‌مسئول‌نیزمشاهده‌کند.

بهرحال، همچنانکه در بالانیز گفته‌شد، یکی‌ازوجوه‌اساسی‌افزایش‌میزان‌تولیدات‌زراعی ونیل به‌خودکفائی ایجادوگسترش همه جانبه نظام تعاونی متکی‌برانبوه زحمتکشان‌در روستا است.

بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی جهت ارتقاء سطح سودآوری کار دهقانان وگسترش کشاورزی

بهره‌گیری ازدستاوردهای علمی وفنی درکشاورزی فارغ ازسلطه واستثماربزرگ‌مالکی، یکی دیگرازوجوه‌اساسی‌آن‌سیاست‌کشاورزی‌است که‌هدف برقراری اقتصاد کشاورزی مستقل، مردمی‌وخودکفاراپیش روی خودقرارداده‌است.

دراین مورد بایدذکرکردکه‌اعمال‌سیاست پایه‌گذاری‌اقتصادکشاورزی‌خودکفا و نیل به نتایج مطلوب این سیاست مستلزم تکیه همه جانبه براین‌وجه عمده ـ همچون دیگر وجوه گفته شده ـ است. لذا یک دولت‌انقلابی نظیر دولت انقلابی‌ما، که‌توان اعمال‌همه‌جانبه این سیاست را داراست، ازاین‌قاعده‌مستثنی‌نیست ولاجرم باید براین وجه عمده تکیه کند. اما همچنانکه می‌دانیم، بطورعمده‌تسلط سالیان متمادی امپریالیسم وطبقات استثمارگر وابسته به‌آن برمیهنمان، موجب شده است که امروزه امکانات ایران‌انقلابی از نظر بهره گیری از تجارب ودستاوردهای علمی‌وفنی بسیارمحدود باشد، بگونه‌ای که‌امکانات موجودتکافوی‌اعمال همه‌جانبه‌وکامل‌سیاست‌ایجادکشاورزی مستقل، مردمی‌وخودکفا رانکند. دراین صورت ضرور است که‌دولت‌انقلابی‌ازامکانات ممالکی‌که‌مانند ایران‌انقلابی "محور سیاست آنان مبارزه‌با آمریکا" ست وحامی‌وپشتیبان پیگیر انقلاب ایران‌هستند، جهت بهره‌گیری ازتجارب دستاوردهای‌علمی‌وفنی‌استفاده‌کنند.

تجارب کشورهای دوست وحامی انقلاب ایران

حال‌پس ازتوضیح سه‌اصل بنیادین سیاست پایه‌گذاری‌کشاورزی‌مستقل، مردمی و خودکفا، به‌ذکر نمونه‌هایی ازتجارب کشورهای دوست وانقلابی: الجزایر، لیبی، دراین‌زمینه می‌پردازیم. لیکن دراینجا ذکرنکته‌ای ضرور است وآن‌اینکه، غرض از ارائه نمونه‌ها صرفا نشان‌دادن‌سمت‌اصلی‌حرکت‌انقلابی است. مسلما‌هرکشور وهرانقلابی‌دارای‌ویژگی های مربوط به خوداست. لیکن‌توجه‌دقیق به‌سمت اصلی حرکت‌انقلابی‌وانجام‌بموقع وسریع‌این حرکت‌بطورحتم موجب تعمیق‌وتحکیم‌هرچه بیشترانقلاب ضدامپریالیستی‌ومردمی رافراهم میآوردوبالعکس عدم‌توجه دقیق به‌این‌نکته، درتضعیف‌انقلاب‌موثرخواهدبود.

اکنون ازالجزایرآغازمی‌کنیم:

الجزایردر زمینه تغییرات بنیادی در روستاها بادشواری‌ها وکاستی‌هایی روبرو بود، لیکن‌سرانجام انقلاب‌ارضی در روستا را، که "محدودبه پس گرفتن زمینها از زمین‌داران بزرگ‌وتقسیم‌آن بین‌دهقانان" (۱) نمی‌شد و "متضمن یکرشته‌اقدامات‌وسیع اجتماعی‌و اقتصادی‌درجهت‌نوسازی‌کامل‌روستا" (۲) بود آغازکرد. علاوه‌براین "... بلافاصله پس از کسب استقلال ۲/۵میلیون هکتار از زمین‌های بسیارمرغوب‌که در دوران‌سیادت استعمارگران ازچنگ دهقانان بیرون‌کشیده‌بودند، در قلمرو بخش خودگردان "قرارگرفت" (۳).

درالجزایر، علاوه بر این، در زمینهٔ گسترش نهضت‌تعاونی درسطح‌روستاها اقدامات بسیاربا اهمیتی‌انجام شده‌است، بگونه‌ای که "... درحال‌حاضربخش‌خودگردان‌درکشاورزی ۴۰٪اراضی‌زیرکشت و ۱۰٪جمعیت‌صاحب‌درآمدروستائی راکه در ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ تعاونی کشاورزی‌مجتمع شده‌اند، دربرمی‌گیرد" (۴).

بطور کلی می‌توان گفت که در الجزایر "اکنون بیش از ۶۰۰۰تعاونی‌ازانواع مختلف ـ اساسا درتولید ـ بوجودآمده‌است. دولت تکنیک لازم و بذرهای مرغوب وبارآور را در اختیار دهقانان قرار می‌دهد وبه‌آنهاکمک می‌کند". (۵)

همچنین‌الجزایردرزمینه‌پذیرش همکاری کشورهای‌دوست، جهت‌بهره‌گیری‌ازدستاوردهای علمی‌وفنی، گامهای‌مهمی‌برداشته‌است. البته برداشتن این‌گامهادرآغازآسان‌نبود. از علل‌مهم دشواری‌این‌کاربرخی تنگ‌نظری‌های نیروهای‌ضدامپریالیست‌وانقلابی درحاکمیت، خرابکاری‌عمال‌امپریالیسم‌وبورژوازی لیبرال رامی‌توان‌نام‌برد. بهرحال "ازآغاز سال ۱۹۶۳ همکاری‌میان‌جمهوری‌دمکراتیک‌خلق‌الجزایر و کشورهای‌سوسیالیستی‌گسترش یافت". (۶) و "کمک موثر وبی‌چشمداشت اتحادشوروی به فائق آمدن برنتایج مصیبت بار جنگ وتحکیم استقلال‌ملی‌الجزایریاری رساند". (۷)

واماکشوردیگری‌که‌دراین‌زمینه‌می‌توان از آن‌مثال آورد، کشوردوست وانقلابی‌لیبی‌است حاکمیت انقلابی لیبی‌درخصوص‌واگذاری اراضی غصبی به‌دهقانان، بلافاصله پس از انقلاب‌سپتامبر ۱۹۶۹ در "۲۱ جولای ۱۹۷۰ قانونی را ازتصویب گذرانده که به موجب آن ۳۸۸۰ هکتار اراضی زیرکشت ازایتالیایی‌ها سلب‌مالکیت‌شد... اراضی سلب مالکیت شده‌ازخاندان‌سلطنتی‌معدوم‌واستعمارگران، ایتالیایی به‌قطعه‌های‌ده‌هکتاری تقسیم‌شدوبنا به‌اصل "زمین‌ازآن‌کسی‌است‌که‌آن‌رامی‌کارد" به دهقانان‌واگذارگردید" (۸).

دهقانان‌صاحب‌زمین‌شده از کود، بذر و ماشین‌آلات‌وکمک‌مالی برخوردار می‌گردند. همچنین "مراکزکشاورزی درنواحی روستایی تاسیس شده که‌دهقانان می‌توانندازطریق آنها باشیوه‌های جدیدکشت‌آشناشوند" (۹).

واماحاکمیت انقلابی‌وضدامپریالیست لیبی‌در زمینه پذیرش همکاری کشورهای‌دوست سوسیالیستی، جهت‌بهره‌جویی‌از دستاوردهای علمی وفنی، تامدتها باانبوهی‌ازپیشداوری‌های بکلی غلط مواجه بود، بگونه‌ای که براساس‌این پیشداوریها، دوستان وحامیان واقعی خود را دشمن تلقی می‌کرد. لیکن در اثر مشاهده واقعیات بیشمار وزدودن پیشداوری‌ها امروزه "مردم لیبی هوادارمناسبات دوستانه‌باکشورهای‌سوسیالیستی‌وبویژه‌اتحادشوروی هستند" (۱۰).

عبدالسلام‌جلود نخست‌وزیرلیبی، در سفری به‌اتحادشوروی‌گفته‌است:

"امپریالیسم می‌کوشد حقایق‌درباره اتحادشوروی‌ودستاوردهای‌برجسته‌این‌کشور در زمینه‌های‌سیاسی، اقتصادی‌وزندگی اجتماعی راتحریف‌کند. ولی ما اکنون تصویر واقعی زندگی در این کشور را مشاهده می‌کنیم... ملاقات‌ماسرآغازرشدواقعی مناسبات همه‌جانبه‌میان‌کشورهای‌مامی‌باشد". (۱۱)

دراینجاپس ازذکر نمونه‌های فوق به میهنمان‌توجه‌می‌کنیم:

ایران انقلابی و اصول بنیادین سیاست پایه‌گذاری اقتصاد مردمی، مستقل و خودکفا

درایران‌انقلابی برای‌برداشتن‌گام‌نخست واساسی‌سیاست‌پایه‌گذاری‌اقتصادکشاورزی مردمی‌وخودکفا، همچنانکه‌می‌دانیم، پس‌ازفراز وفرودهایی، سرانجام‌قانون‌اصلاحات‌ارضی در ۲۶فروردین‌ماه‌۵۹ به‌تصویب‌شورای انقلاب رسید. لیکن‌درابتدای‌راه براثرکارشکنی‌ها و سنگ‌اندازی‌های‌بزرگ‌مالکان، روحانی‌نمایان و لیبرالها، اجراء اصول‌اساسی‌آن (بندهای "ج" و "د") متوقف شدواین‌توقف تالحظهٔ حاضر ادامه دارد.

ازآنجا که تاخیر دراجرای کامل قانون اصلاحات ارضی به‌سوددهقانان‌تهیدست، هم متضمن‌گسترش دامنه‌خطراتی‌است که از سوی بزرگ‌مالکان ودیگر عناصر جبههٔ متحدضدانقلاب‌متوجه‌انقلاب ماست. وهم‌موجب‌می‌شود که راه‌حرکت بسوی برقراری اقتصاد کشاورزی مستقل، خودکفا ومردمی‌مسدودگردد، لذاضرور است که دراسرع‌وقت کاربررسی‌وتصویب قانون درمجلس شورای‌اسلامی وتائیدنهائی آن‌توسط شورای‌نگهبان وبه‌سوددهقانان تهیدست آغاز گردد.

درزمینه تقویت بخش تعاونی‌درکشاورزی درایران‌انقلابی‌و ضدامپریالیست، باید گفت‌که این‌امر درقانون اساسی ودرقانون‌اصلاحات ارضی قید شده‌است، لیکن‌چون‌گسترش‌همه‌جانبه تعاونی‌ها (بالاخص تعاونی‌تولید) منوط به محو بزرگ مالکی و واگذرای زمین به دهقانان تهیدست است، لذاتاخیردراجرای کامل قانون اصلاحات ارضی‌موجب شده است که‌تعاونی‌ها و بویژه‌تعاونی تولیدنتوانند، آنچنانکه‌ضروراست گسترش یابند. ازآنجاکه تعاونی‌های تولیدرکن اساسی‌درافزایش بهره‌وری‌کار و تولید هستند لذا ضروراست که دراسرع وقت، بااجرای‌کامل قانون‌اصلاحات‌ارضی، باکارتبلیغی‌همه‌جانبه‌و گسترده‌وبابرنامه‌ریزی‌جهت تدارک وسایل و امکانات برای‌تعاونی‌ها، زمینه‌توسعه فراگیرآنان فراهم‌آید.

وبالاخره‌در زمینه‌همکاری‌ایران‌انقلابی با کشورهای‌دوست وحامی‌انقلاب ایران، باید توضیح‌داد که‌درگذشته امکانات‌تحقق این امر، تحت‌تاثیرات‌مخرب مجموعه‌تبلیغات زهرآگین امپریالیستی، خرابکاری‌های‌ضدانقلابیون‌و مائوئیست‌ها وکارشکنی‌لیبرالها (که‌تامدتها اهرم‌های‌اساسی‌حاکمیت‌راقبضه‌کرده‌بودند) و نیز پیشداوری‌های غلط وتنگ نظری‌ها در اذهان بسیاری ازانقلابیون ضدامپریالیست مسئول، بسیارمحدودبود. درحال‌حاضر اگر چه‌هنوز محدودیت‌هایی وجود دارد، لیکن باکمال خوشوقتی چشم‌اندازهای‌روشنی‌نیز در این زمینه دیده‌می‌شود. این‌چشم‌اندازهاازجمله ناشی از تحولات دوسال‌ونیمه‌درکشور بالاخص‌درزمینه سیاسی وتجارب کسب شده‌توسط نیرو های انقلابی‌حاکم‌ازاین‌رهگذر وصداقت نیروهای انقلابی‌واقع‌بین‌مسئول درپذیرش واقعیت‌ها به سودانقلاب‌است. ازجمله‌این چشم‌اندازهای روشن‌می‌توان‌ازسفراخیرحجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی به‌جمهوری‌دمکراتیک‌خلق کره نام‌برد حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی درکنفرانس مطبوعاتی‌درخصوص این‌مسافرت‌از جمله گفته است:

"... چندی‌بودکه‌مقامات کره‌ای از ما دعوت‌کرده‌بودندکه‌به‌آنجا سفرکنیم وماکه‌روابط‌مان را باآمریکا قطع‌کردیم، بایدکشورهای دیگراحتیاجاتمان را برطرف کنندوهمچنین ما می‌خواستیم از نزدیک کشورکمونیستی کره و وضع مردم آنجا راببینیم ونقاط ضعف وقوت سیستم‌آنها را از نزدیک مشاهده‌کنیم" (۱۲)

چشم‌اندازروشن دیگردراین‌موردملاقات معاون‌نخست‌وزیر رومانی باوزیرکشاورزی و انعقاد قراردادهایی باایران‌انقلابیست، بدون شک ایران‌انقلابی می‌تواند از این طریق از تجربیات ودستاوردهای علمی‌وفنی که رومانی کسب کرده‌است برخوردارگردد، چنانکه وزیر کشاورزی نیز بدرستی این‌مطلب را دردیدار با معاون‌نخست وزیررومانی ذکرکرده‌است:

"... مایل‌هستیم برای رسیدن به خود کفایی ازتجربیات شمااستفاده‌کنیم وهمکاری‌خود

بقیه‌در صفحه ۱۱

نقش سرنوشت ساز طبقهٔ کارگر ایران در تأمین پیروزی جنگ علیه آمریکا و صدام (بقیه)

ازصفحه۱

نقش طبقه کارگر ایران، از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی

طبقه کارگر ایران در جریان تدارک، تکوین و پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی نقش سرنوشت سازی ایفاکرد. کارگران، بگفته امام خمینی، درحساس ترین مراحل انقلاب نقش نیروی ضربتی راایفاکردند. آنان بااعتصابات عظیم خود، درتلفیق باتظاهرات میلیونی خلق، رژیم دست نشانده پهلوی را فلج ساختندوپرچم پیروزی انقلاب واستقرار رژیم جمهوری اسلامی ایران رابرافراشتند.

درجریان یکسال وهشت ماه پس ازپیروزی انقلاب، ازبهمن ۵۷ تاشهریور ۵۹، طبقه کارگر ایران عمده‌ترین نقش رادراحیاء تولید و خدمات، بحرکت درآوردن چرخ اقتصاد جمهوری اسلامی ایران وخنثی ساختن توطئه‌های گوناگون امپریالیستی وضدانقلاب داخلی ایفاء کرد. حضورفعال طبقه‌کارگردرصحنه انقلاب باعث شدکه‌دراین‌دوران، انقلاب روند تکاملی طی کندوگسترش مبارزه ضدامپریالیستی باافشاء وطرد دولت موقت گام بگام وطردامپریالیسم آمریکا ازمواضع سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی خود آزایران واقعیت یابد.

درهمین دوران لیبرالیسم، بعنوان‌مظهر تمایلات وخواستهای طبقاتی سرمایه داری لیبرال ایران به‌شکست فاحش دچارشد. همچنین‌نفوذ گروههای چپگرا با تمایلات آنارشیستی به‌کاهش گرائید. این‌روندنیز اساسا مدیون حضورفعال‌طبقه‌کارگردرانقلاب بود.

درفاصلم ازبهمن تاشهریور۵۹، انقلاب ایران از راههای پیچ درپیچ وبغرنج اجتماعی ـ سیاسی جامعه‌ایران باموفقیت گذر کرد. گذشته از رهبری‌مدبرانه‌رهبرانقلاب، چنین جریانی رافقط برپایه وزن مخصوص برترطبقهٔ کارگر درکل‌جامعه ایران‌می‌توان‌توضیح داد. سمت‌یابی‌ضرورمجموع‌انقلاب بسودزحمتکشان و محرومان جامعه، علیرغم‌مخالفت‌آگاهانه‌دولت موقت لیبرال‌وتوطئه‌هاوتحریکات امپریالیسم و کلان‌سرمایه‌داری وبزرگ‌مالکی نیز ازواقعیت حضورطبقه‌کارگردرانقلاب ناشی‌می‌شد.

لیبرالهای بحاکمیت‌خزیده، باتکیه بر پشتیبانی‌امپریالیسم، انتظارداشتند که در دوران پس ازپیروزی‌انقلاب، طبقه‌کارگر را از صحنه برکنارکنند. مخالفت باتشکل‌های‌صنفی وشورایی کارگران وزحمتکشان، که ازهمان روز تشکیل‌دولت‌موقت‌گام بگام‌آغازشد، و متاسفانه همچنان‌ادامه‌دارد، برای آن‌بودکه از تشکل آگاهانه‌کارگران وزحمتکشان، که می‌توانست تاثیرجدی در روندانقلاب بگذارد، جلوگیری بعمل آید. فشاربه‌حزب طبقه‌کارگر، حزب‌توده ایران، ودیگرسازمانهای اصیل‌مدافع منافع کارگران‌وزحمتکشان، درجریان پس ازپیروزی انقلاب‌همین هدف را تعقیب می‌کرد.

اینکه باوجودچنین‌تلاشهای‌دامنه‌داری نیت‌طبقات استثمارگرداخلی‌وامپریالیسم پشتیبان‌آنهادربرکنارکردن‌طبقه‌کارگرازصحنه وجلوگیری از روندتکاملی‌انقلاب به‌سودطبقات زحمتکش ومحروم، جامه‌عمل‌نپوشیدودرهمان دوران‌قبل ازآغازجنگ‌باشکست‌مواجه گردید، نتیجه وزن‌مخصوص‌برترطبقه‌کارگردرجامعه ایران و وجودشم طبقاتی وآگاهی‌سیاسی در این طبقه‌است.

مطمئنا برداشتن موانع ازسر راه‌تشکل آگاهانه کارگران وزحمتکشان در سازمانهای صنفی وشورایی وسیاسی‌آنها، می‌توانست نتایج بمراتب پربارتری، هم بسود استحکام وآسیب ناپذیری انقلاب وهم بنفع طبقه‌کارگرو زحمتکشان وبرآورده‌شدن سریعترخواست‌های قانونی‌وعادلانه‌آنان ببارآورد. با این همه سرمایه‌داری‌ایران‌وامپریالیست‌های‌حامی آن نتوانستند باتمام تلاش‌هاوتوطئه‌های گوناگونی که از روزپس از پیروزی‌انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی‌صدام بعمل‌آوردند، طبقه‌کارگر ایران را ازصحنه‌انقلاب‌خارج سازند. حضورفعال طبقه‌کارگردرصحنه‌باعث شدکه توطئه های امپریالیستی‌وضدانقلابی یکی‌پس ازدیگری به شکست‌بیانجامدوسرمایه‌داری ایران‌وحامیان امپریالیستی آن، یکی‌پس ازدیگری، به ترک مواضع‌خود مجبورشوند.

مجموع این جریان، پیروزی عظیم و تاریخی، هم برای‌انقلاب ایران و هم برای طبقه‌کارگرایران، بعنوان قاطعترین طبقه‌مدافع انقلاب ضدامپریالیستی‌ومردمی و پیشتازدفاع از منافع طبقات زحمتکش جامعه، محسوب می‌شود.



مضمون و ماهیت جنگ تحمیلی

طردزحمتکشان وطبقهٔ کارگراز حضور فعال‌درصحنهٔ انقلاب‌ازهدفهای‌اساسی جنگ تحمیلی‌آمریکای‌جنایتکاربدست صدام‌مزدور علیه‌کشورماایران‌بود. فی‌الواقع‌هم وقتی تمام توطئه‌های‌گوناگون سرمایه‌داری‌ایران و حامیان امپریالیستی‌آن دردوران بیش ازیکسال و نیم پس ازپیروزی‌انقلاب، برای‌طردزحمتکشان از صحنه به‌نتیجه‌نرسید، راه دیگری در برابر امپریالیست‌ها وسرمایه‌داری ایران‌باقی نمی‌ماند، جزآن که باتوسل به‌جنگ وانهدام‌کل انقلاب، کارگران‌وزحمتکشان را نیز ازصحنه خارج سازند.

انقلابی که درآن زمام امور دردست سرمایه‌داران ومحافل لیبرالی وابسته به‌آن باقی می‌ماند، نه تنها برای امپریالیسم قابل قبول بود، بلکه تنها آلترناتیوی بود که امپریالیسم، با از دست دادن امیدبه حفظ رژیم دست نشانده پهلوی، می‌توانست با آن سرسازگاری داشته باشد. اماانقلابی کمرفته رفته‌سرمایه‌داران‌ومحافل‌لیبرالی از آن طرد می‌شدندونقش‌کارگران وزحمتکشان‌درآن‌فزونی می‌یافت، البته برای امپریالیسم جهانی، آن هم درکشوری نظیرایران، قابل‌قبول نبود و نمی‌توانست باشد.

توطئه‌جنگ تحمیلی آمریکای‌جنایتکاربه وسیله صدام مزدور، پس ازآن که توطئه های چندگانه‌سیاسی، اقتصادی‌وحتی‌کودتای‌نظامی به‌شکست‌منتهی‌شده‌بود، براین‌اساس‌پایه‌ریزی وبه‌اجراگذاشته‌شد.

"جنگ‌برق‌آسا" می‌بایست درهمان‌روز‌های‌اول‌انقلاب را به‌شکست می‌کشانید، و بااین شکست، زحمتکشان‌ایران و در پیشاپیش آنها طبقهٔ کارگر را ازصحنه خارج می‌ساخت. اکنون که‌یکسال ازجنگ‌می‌گذرد، بوضوح‌دیده می‌شود که‌نه‌تنها‌آرزوی‌امپریالیسم‌جهانی، بسرکردگی آمریکا، وکلان‌سرمایه‌داران‌و بزرگ مالکان برآورده نشده وطبقهٔ کارگر از صحنه خارج نگردیده، بلکه‌این‌طبقه بعنوان‌اساسی ترین نیروی پایداری‌درجنگ‌تحمیلی‌آمریکا بوسیلهٔ صدام مزدور، انسجام بیشتری‌پیداکردمومی‌کند

جنگ‌تحمیلی نه‌فقط‌آرزوی امپریالیسم‌و سرمایه‌داری‌ایران رابرآورده نساخت، بلکه در یکی‌ازحساسترین و مهم‌ترین مراحل‌انقلاب ایران، نقش تاریخی‌طبقه‌کارگر رادربعهده گرفتن‌بزرگترین‌مسئولیت‌ها، چه در دفاع‌از انقلاب‌وچه در دفاع ازمیهن، بیش از پیش آشکارترساخت.

جنگ‌تحمیلی‌امپریالیسم‌بوسیله صدام‌به کشورما، جنگ‌تجاوزی‌امپریالیستی‌بقصدسرکوب انقلاب‌وبمنظورطردزحمتکشان‌ازصحنه‌سیاست است. این‌جنگ درمضمون‌خودجنگی طبقاتی و درماهیت برخاسته از تمایلات ومنافع‌دول امپریالیستی به‌ابقاءایران در دائرهٔ نفوذ غارتگرانه وآسارتبارخودوسپردن حاکمیت‌در داخل به نمایندگان‌طبقات‌استثمارگربرجامعه است. طبقه‌کارگرایران باآگاهی‌سیاسی وشم طبقاتی‌خود، ازهمان‌نخستین‌روز به مضمون و ماهیت‌جنگ‌تحمیلی‌پی‌برد. زحمتکشان‌ایران بدرستی‌درک کردندکه‌برای‌حفظ انقلاب و به منظور شکست‌این‌توطئه‌امپریالیستی، قبول عمده‌ترین‌مسئولیت‌بعهده آنهاست. یکسال جنگ بطورروشنی‌نشان‌دادومی‌دهد، که در قبول‌چنین‌مسئولیتی، طبقه‌کارگرایران باتمام توان‌کوشابوده و از هیچ فداکاری خودداری ننموده‌است.

جنگ تحمیلی و رسوائی سرمایه‌داری در ایران

جنگ‌تحمیلی‌آمریکا بوسیله صدام مزدور علیه‌کشورماجنگی تجاوزی است که‌از همان ابتدا به اشغال‌اراضی‌جنوب غربی و غرب کشورما در استان‌های خوزستان، ایلام و کرمانشاهان‌انجامیده‌است. این‌جنگ می‌باید هرکس راکه مدعی میهن دوستی‌است، بحرکت درآورد. ولی سرمایه‌داران‌ایرانی نه فقط از اعزام فرزندان دردانهٔ خود به‌جنگ‌امتناع ورزیدندونه فقط سرمایه‌داران مناطق‌اشغالی بادسته چکها واتومبیلهای "بنز" پا به فرار گذاشتند، بلکه درجریان جنگ نیز، کل سرمایه‌داری ایران خصومت خود را با ادامهٔ این‌جنگ‌آشکارساخت. سرمایه‌داری‌ایران با جبهه‌گرفتن‌پشت‌سربنی‌صدرفراری‌به‌مخالفت علنی وکارشکنی درامرجنگ پرداخت‌و بدین وسیله‌نشان‌دادپیروزی‌درجنگی را که به پیروزی‌انقلاب ضدامپریالیستی‌ومردمی منتهی میشود، پذیرانیست. سرمایه‌داری‌ایران‌نشان دادکه‌برای‌شکست‌انقلاب حتی‌حاضر است پذیرای‌شکست درجنگ نیز باشد.

سرمایه‌داری‌ایران‌درجریان مبارزات‌ضد ـ امپریالیستی و خلقی مردم ایران از انقلاب مشروطه به‌اینطرف، برای‌جلوگیری از بقدرت رسیدن‌طبقات‌زحمتکش‌به‌سازش باامپریالیسم و ارتجاع‌وضدانقلاب تن‌در دادوخود را بد نام ساخته‌بود. اینک درجریان جنگ تحمیلی امپریالیسم‌آمریکاوصدام‌متجاوز، سرمایه داری ایران‌ومحافل وابسته به‌آن‌نشان‌دادند و می‌دهند، که‌بخاطرجلوگیری ازحاکمیت‌زحمتکشان حتی ازقبول شکست جنگی که می‌تواند بقیمت ازدست‌رفتن اراضی‌ایران‌منتهی‌گردد، اباء و امتناع‌ندارند و حتی‌خوشحال‌ومسرورند. آشکارامی‌توان دید که طاغوتیان وسرمایه‌داران چگونه خوشحالی‌می‌کنند وقتی خبری دایر به "پیروزی‌صدامیان میشنوند و چگونه‌رو "ترش" میکنند وقتی‌خبرپیروزی‌نیروهای مسلح ایران‌به‌گوششان میرسد.

سرمایه‌داری ایران تنها از جهت به فراموشی سپردن وظیفه دفاع ازمرز وبوم‌نیست که‌درجریان یکسال جنگ‌تحمیلی آمریکا بوسیله صدام علیه‌ایران‌انقلابی، بیش از پیش رسوا شده‌است. رسوائی سرمایه‌داری ایران همچنین درآن‌است که‌خونی را که‌زحمتکشان در جبههٔ جنگ‌به‌زمین‌میریزند، به طلا بدل میکند وکارد گرانی، احتکار و تورم را، بمنظورثروت‌اندوزی بیش وبیشتربه‌گلوی‌زحمتکشان‌میفشارد. رسوائی سرمایه‌داری ایران‌نه‌تنها از جهت پشت کردن به‌انقلاب، که‌ازجهت‌کارشکنی در جنگی که پیروزی درآن از نظر ملی و میهنی دارای اهمیت فوق‌العاده‌است، واقعیتی آشکار است. این‌واقعیت نشان‌میدهد که سرمایه‌داری ایران آشکارابه منجلاب خیانت به منافع‌ملی‌ومیهنی درغلطیده‌است.

طبقه‌کارگر ایران و جنگ تحمیلی

درحالیکه بورژوازی ایران از جنگ تحمیلی آمریکا بدست صدام مزدورعلیه کشور ماسرشکسته وخفت‌زده بیرون میاید، طبقهٔ کارگر ایران از همین جنگ‌سربلندترومفتخر تر ازهرزمان‌دیگری خارج‌میشود. این سربلندی و افتخار از آنرو نصیب طبقهٔ کارگر میگردد که، ازهمان‌اولین‌روز جنگ بدون کمترین تاملی، این‌طبقه سنگینترین بار جنگ را به‌دوش‌گرفته و کمترین خللی در اراده آن‌به‌دفاع‌ازانقلاب وتامین‌پیروزی پدیدنیامده‌است.

شرح‌شرکت‌فعال طبقهٔ کارگر ایران در جنگ‌عادلانهٔ دفاع از انقلاب، جمهوری نوپای اسلامی‌ایران و مرزهای میهن انقلابی را ازآنجا شروع کنیم که، درحالیکه‌سرمایه‌داران ازنقاط جنگی پا به‌فرار گذاشتند، زحمتکشان ودرپیشاپیش آنها کارگران، خاصه پرولتاریای نفت، باقاطعیت‌تمام‌دربرابرمتجاوزین‌صدامی ایستادگی ومقاومت کردند. دفاع از خرمشهر که‌بدرستی خونین‌شهر نام‌گرفت، وایستادگی درآبادان بعنوان شهر مقاومت را مدیون‌همهٔ نیروهای‌انقلابی‌مردمی‌وسپاهی‌وارتشی‌هستیم، اماهیچکس نمیتواند انکار کند که درآنجا پیشاپیش همه کارگران ایران، به‌ویژه کارگران وزحمتکشان نفت‌ایران‌بودندکه‌حماسه‌آفریدند ودشمن‌راوادار به‌زانو زدن کردند.

چه‌کسی میتواند انکار کند که ده‌ها هزار جوان‌سپاهی وارتشی، که‌در جریان جنگ شرکت دارند، درنوبه‌اول فرزندان‌زحمتکشان، اعم از کارگران ودهقانان، هستند که‌از اقصی نقاط کشور به‌مرزهای جنوب‌غربی‌وغرب‌ایران رفته‌اند، تا از انقلاب و وطن انقلابی دفاع نمایند ومتجاوز راسرکوب و طرد کنند. اما جالب‌اینست‌که، کارگران وفرزندان آنان نه فقط در کسوت نظامی وسپاهی‌که در لباس کارگری نیز درجبهه، چه‌درعملیات نظامی و چه دراقدامات‌تدافعی به‌فعالترین‌نحو شرکت دارند. درطی یکسالی که از جنگ‌میگذرد کارخانه وکارگاهی را نمیتوان سراغ گرفت که بخشی از کارگران و کارمندان خود را، چه برای شرکت درجبهه‌وچه‌برای‌انجام خدمات در پشت جبهه به مناطق جنگ اعزام نکرده باشند.

شرکت‌فعال طبقه‌کارگر در جنگ‌عادلانه وبحق علیه‌تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکاو صدام‌مزدور در کار شبانه‌روزی کارگران و زحمتکشان در کارخانه‌ها و کارگاهها درسراسر کشوروهمچنین در افزایش تولید و ارائه خدمات بیشتر، تامین‌نیازمندیهای جبهه، ترمیم خسارات وارده براثر جنگ، کارهای ساختمانی وترابری وصدهاکار نظیرآن تجسم داشته‌است. دست‌توانای طبقه‌کارگراست که مانع‌ازآن‌شده، تانیت‌امپریالیسم وضد انقلاب داخلی در جلوگیری از جریان عادی تولیدو خدمات در سطح‌کشور برآورده شود و ایران انقلابی براثر فلج‌اقتصادی از پا درآید.

سرمایه‌داری‌ایران ومحافل امپریالیستی تمام‌تلاش خودرا بعمل آورده‌اند، تا با ایراد تضییقات مالی‌به‌کارگران وخانوادهٔ آنهاازراه گرانی، احتکار وگرانفروشی کارگران را نسبت به‌جنگ بدبین وآنانرا به‌اعتصاب و تحصن‌و درگیری با دولت‌انقلاب بکشانند. پاسخ‌طبقه کارگر به‌این‌تحریکات‌تکیه‌به‌صبر وبردباری، خودداری از هرنوع‌عملی که‌میتواندبه‌پیروزی درجنگ لطمه بزند، بوده‌است. این فداکاری درسرحد جانفشانی‌است که کارگران وزحمت‌کشان، درحالیکه بخش‌مهمی از دستمزدهای ناچیز خود را براثر گرانی وگرانفروشی از دست‌میدهند وهرروز فقیرتر زندگی میکنند، معذالک از کمک‌مالی به جبهه جنگ‌خودداری نکرده‌ونمیکنند. آنها هرماهه بخشی از دستمزدهای‌خود را به کمک مالی به جبهه اختصاص میدهند. این‌فداکاری کارگران را با غارت سرمایه‌داران‌سودجومقایسه‌کنیم‌که، نه تنها از کمک به جبهه خودداری‌میکنند، بلکه

بقیه‌درصفحه۱۱

متحدان بنی‌صدرِ ـ مائوئیست‌های آمریکائی ـ (۲)

اشاره

درشماره‌گذشته خوانندگان بابخشی از "سیا "ست‌حزب‌آمریکایی ـ چینی "رنجبران" یعنی یکی‌ازمتحدان جدی‌بنی‌صدر فراری آشنا شدند. مادرقسمت اول این‌مطلب نشان‌دادیم که‌چگونه "حزب رنجبران" می‌کوشیدآمریکارااز زیر ضربه خارج وشوروی راجانشین آن‌کند. و چگونه تلاش می‌کردکه نیروهای راستین پیرو سوسیالیسم علمی را دشمن‌انقلاب نشان‌دهد.

دراین‌شماره به‌فعالیت علنی "حزب رنجبران" برای براندازی جمهوری‌اسلامی ایران می‌پردازیم ونشان‌می‌دهیم که‌این‌حزب سیاساخته و پکن پرداخته که خود را مدافع سرسخت "نه‌شرقی، نه غربی "نشان‌می‌داد و ظاهرا طرفدار دوآتشه "نه‌آمریکا، نه‌روسیه" بود، چگونه ازمجریان اصلی نقشه "سیا" علیه انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران از کاردرآمد.

* * *

اجرای دستور ریگان

روز ۲۲بهمن ۱۳۵۹، مطبوعات ایران، دستور ریگان به‌جبههٔ متحدضدانقلاب رابرای براندازی‌دولت‌شهیدرجائی فاش کردند:

"... من‌شک دارم که در ایران دولتی وجودداشته باشد. برقراری‌رابطه باایران‌وقتی ممکن‌است که عناصر میانه‌روتری در ایران روی‌کارآیند". (کیهان)

و:

"اولین عامل‌ضروری برای‌تامین‌ثبات‌در آن منطقه وخلیج فارس آنست که در ایران دولتی بوجودآیدکه‌اختیارات‌یک‌دولت‌واقعی راداشته‌باشدونمایندگی آن کشور راعهده دار گردد". (خبرگزاری‌ها ـ ۱۲بهمن ۱۳۵۹)

این‌نقشه‌را "فیگارو"، ارگان‌سرمایه‌داری بزرگ فرانسه، دقیق‌ترکرد:

"سرنگونی‌رژیم‌ناشی ازانقلاب‌باصطلاح اسلامی درایران..." (رادیواویسی ـ ۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

رادیوبختیاردستورالعمل به‌ضد انقلاب داخلی‌رابرای اجرای‌نقشه ریگان به شکل‌زیر صادرکرد:

"... امروز روزی است که بایددولت‌به اصطلاح‌مکتبی‌رجائی (چنددشنام...) حزب (دشنام...) منفورجمهوری‌اسلامی، حزب وابستهٔ توده، مجلس شعبده‌بازی‌آخوندها و خمینی (چنددشنام...) از سر راه برداشته شوند". (۲۷بهمن ۱۳۵۹)

رادیواویسی نیزدستور جلاد ۱۷شهریور راچنین صادرکرد:

"ملت ایران بپاخیزید ودولت ننگین رجائی راسرنگون کنید..." (۲۸بهمن ۱۳۵۹)

سرمایه‌داران بزرگ داخلی هم با این طرح موافق بودند. ابوالقاسم لباسچی، سرمایه‌داربزرگ، که‌بعدا به‌جوخه‌اعدام سپرده شد، گفت:

"باتمام نیرو برای سرنگون‌کردن دولت تلاش‌خواهیم‌کرد..." (اطلاعات ـ ۱۴ دی ۱۳۵۹)

رهبری‌خائن "مجاهدین" هم که‌بعدا معلوم شددرآن‌زمان درپشت پرده باجبههٔ متحدضدانقلاب پیونداستواری برقرار کرده است، نیز اعلام‌کرد:

"مسئولیت اصلی اوضاع واحوال کنونی برعهدهٔ همین‌حزب حاکم‌است، چراکه اکثر قریب به‌اتفاق قوای‌مملکت رادرید انحصار و اختیارخوددارد... امروز خلع ید ازحزب حاکم وعوامل‌وایادی‌انحصارطلب آن درکلیهٔ قوا ونهادهای‌کشور طرح نخستین‌اصلاح‌امور و تداوم‌انقلاب واولین قدم اساسی در "راه نجات" است. این‌ضرورت مرحله‌کنونی‌انقلاب مااست...". (مجاهد ـ ۱۴ اسفند ۱۳۵۹)

ماقبلا، در بررسی "کارنامه‌بنی‌صدر"، همخوانی دقیق او را با این "سیا"ست‌افشاء کرده‌ایم. هماهنگی‌لیبرالها با این نقشه‌ریگان نیز برکسی پوشیده نیست. اکنون در ادامه بررسی "سیا"ست حزب آمریکائی ـ چینی "رنجبران"، به نقش آن دراجرای این نقشه می‌پردازیم.

درست در همان‌روزها که نقشهٔ ریگان اعلام شد، "کمیتهٔ مرکزی حزب‌رنجبران" تشکیل‌جلسه‌داد و "سیا"ست جدیدخود را چنین اعلام کرد:

"انحصارطلبان‌سرسخت تدریجا باغصب قدرت سیاسی و ورود به زد وبندهای بین‌المللی به انقلاب پیروزمندضداستبدادی و ضدامپریالیستی میهن ماپشت کرده و به سد عمده درپیشروی انقلاب به جلوتبدیل‌شده‌اند. ابرقدرت‌های‌آمریکا و شوروی برای به‌شکست کشاندن‌انقلاب بطورعینی‌آنها رادستاویز قرارداده وآنهاعملا به‌جاده‌صاف‌کن‌ابرقدرتها بویژه ابرقدرت شوروی تبدیل گردیده‌اند. چنانچه حکومت این‌مستبدین غاصب‌همچنان ادامه‌یابد، مطمئنا استقلال بازیافته مابه هدر خواهدرفت‌وانقلاب باشکست‌کامل‌روبرو خواهد شد.

درصحنه سیاسی کنونی‌ایران‌دوجریان سیاسی درمقابل‌هم درحال‌شکل‌گیری‌اند:

جریان‌یک، دربرگیرندهٔ اکثریت عظیم مردم، کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی‌ملی‌ودیگرعناصرا ستقلال‌طلب‌می‌باشد. این‌جریان ازلحاظ سیاسی ادامه دهنده خط مشی‌اتحادبزرگ‌ملی، خط مشی‌انقلاب‌پیروزمند ضداستبدادی و ضدامپریالیستی بوده وکلیه احزاب، سازمان‌ها، شخصیت‌های‌اسلامی، ملی وسوسیالیستی‌رادربرمی‌گیرد، حزب رنجبران ایران، جبههٔ ملی‌ایران، حزب‌ملت‌ایران، نهضت آزادی‌ایران، جاما، سازمان‌مجاهدین خلق واکثریت سازمان‌های‌چپ‌ازجمله احزاب‌و سازمانهائی هستندکه‌بطورعینی در این جریان قرارمی‌گیرند. طرفداران‌رئیس جمهور بنی‌صدر هم‌که‌طیف وسیعی‌راتشکیل می‌دهند در این جریان‌قراردارند. این‌جریان به‌طورکلی‌ازشعار استقلال، آزادی، نه‌شرقی، نه‌غربی‌پیروی‌میکند این‌جریان امروز در برابرغاصبین حاکم‌مستبد که‌به‌انقلاب‌پشت‌کرده‌ورا مو‌ابستگی و دیکتاتوری را در پیش گرفته‌اندایستاده‌است.

جریان‌دو، دربرگیرندهٔ مشتی‌کوچک از بوروکرات‌های‌تازه‌به‌دوران‌رسیده، اوباشان و عناصربی طبقه‌ومحتکرین‌بزرگ که‌باهمدستی مستبدین‌حاکم تازه‌به‌دوران‌رسیده‌وبااستفاده‌از قدرت‌نهادهای‌زیرنفوذآنان‌به‌اجحاف وچپاول مشغولند، می‌باشد. این‌جریان‌ازلحاظ سیاسی به‌طورعینی درخدمت‌منافع‌امپریالیسم بویژه دراوضاع مشخص‌کنونی‌ابرقدرت‌روس قرار دارد ومضمون‌اساسی‌مشی‌آن را مشی انقلاب‌گری دروغین وانقیادطلبی تشکیل می‌دهد. کلیهٔ احزاب وعناصرانحصارطلب ووابسته دراین جریان قراردارند، داروودسته‌ای ازحزب جمهوری‌اسلامی، سازمان‌مجاهدین انقلاب اسلامی، داروودسته‌کیانوری‌حزب‌تودهٔ‌ایران، داروودسته نگهدار ـ کشتگر، سازمان‌چریک های فدائی‌خلق (اکثریت)، داروودستهٔ دکتر پیمان "امت" ازجمله‌تشکل‌هائی‌هستند که دراین جریان قرارگرفته‌اند.

این‌دوجریان به‌طورعینی دربرابرهم‌قرار گرفته و درمبارزهٔ مرگ‌وزندگی، با هم درگیر شده‌اند. سرنوشت‌انقلاب ایران دراین مقطع بستگی به‌حل‌این‌جدال‌بزرگ دارد.

حزب‌ماوفاداربه‌آرمان‌های انقلاب، به خاطرحفظ دستاوردهای‌انقلاب‌بایدبرای‌تشکل واتحادجریان‌یک باتمام‌قدرت‌بکوشدتاازاین طریق‌بادرهم شکستن‌توطئه‌های سردمداران جریان‌دوم، ادامه‌انقلاب را تضمین نماید. تاکتیک اساسی حزب ماکماکان بصورت سابق باقی‌می‌ماند:

بسط‌وتوسعه نیروهای مترقی، جلب نیروهای‌بینابینی ومتحدشدن با آنها و دفع حملات سرسختان ضدکمونیست استفاده از تضادهای‌بین‌المللی وتمرکز نیرو برای‌در هم شکستن‌یک‌به‌یک‌آنها". (رنجبر ـ شماره ۱۵۹ ـ ۱۹بهمن ۱۳۹۵)

توجه به متن بالا نشان می‌دهد که امپریالیسم وعاملان آن درایران جبههٔ متحد ضدانقلاب رابخوبی‌می‌شناختند، ازپیوند درونی بین‌رهبران گروهکهای ضدانقلابی آگاهی داشتندوبرایشان‌مسلم بوده‌است، که گروهکهائی‌که "رنجبر" صریحا ازآنهانام‌برده، به‌اضافه‌گروهکهائی‌که "رنجبر" آنها را اکثریت سازمان‌های "چپ" (یعنی، "پیکار"، "اقلیت"...) خوانده، درجبههٔ براندازی، قراردارند، که‌رهبرآنهابنی‌صدربود.

امپریالیسم همچنین‌جبههٔ انقلاب را نیز بدرستی‌تشخیص‌دادوگروهها، احزاب وسازمان‌ـ های‌تشکیل‌دهنده این‌جبهه را هم شامل‌براندازی‌دانست.

"رنجبر"، که نبرد بین این دوجبهه‌را "مبارزه‌مرگ‌وزندگی" ارزیابی‌می‌کرد، بربنیاد برداشت امپریالیستها وگروهکهای‌عضوجبهه متحدضدانقلاب، لحظه رابرای حمله مناسب دانست وبصراحت آغاز جنگ باجبهه انقلاب را به‌جبههٔ ضدانقلاب‌ابلاغ‌کرد:

"... حزب مابایدسیاست‌مشت درمقابل مشت رابا آنهادرپیش‌گیرد...". (رنجبر ـ شماره ۱۵۹ ـ ۱۹بهمن ۱۳۵۹)

و: "درحمله به غاصبین قدرت سیاسی، یعنی حاکمین‌مستبد بایدآتش حمله را روی‌آن مشت کوچک سرسخت تمرکز داد که در جهت وابستگی به‌امپریالیسم وسوسیال‌امپریالیسم گام‌برمی‌دارند، بااحزاب وسازمان‌های‌وابسته مانند داروودستهٔ کیانوری وباند "نگهدار ـ کشتگر" مستقیم وغیرمستقیم همکاری‌کرده..." (همانجا)

"رنجبر" درادامه‌همان "سیا"ست، در مقاله‌ای‌تحت‌عنوان "ازاستقامت به مبارزه و پیروزی"، نوشت:

"کاردبه‌استخوان‌مردم‌رسیده‌است... بایدازمرحله‌استقامت فراتر رویم ومردم رابه مرحله‌نوینی که‌مرحله‌مبارزه‌برای‌کسب‌پیروزی است فراخوانیم". (شماره ۱۵۸ ـ ۱۶ بهمن ۱۳۵۹)

نقش "حزب رنجبرا[ن]"

دعوت بنی‌صدر فراری به‌قیام

"رنجبر" درهمین‌مقاله، که‌درست در آستانه‌توطئه ۱۴اسفند ۵۹ وهنگام‌تدارک‌آن‌در پشت پرده‌نوشته‌شده، ازبنی‌صدرفراری دعوت کرد، تامردم رابه‌قیام بخواند:

"آقای‌رئیس جمهوری، مردم رابه مبارزه وکسب پیروزی دعوت کنید، مردم حاضرند همراه‌شماقیام‌کنندوانقلاب بزرگ‌وپیروزمندتان رابارد یگردرمسیراستقلال، آزادی وشعار نه شرقی نه غربی قراردهند". (همانجا)

ازاین‌پس، "رنجبر" پیگیرانه "سیا"ست براندازی‌انقلاب رادنبال‌کرد:

"... سیاست‌مشت درمقابل‌مشت رابه اجرادرآوریم... مشت ماچنان‌مشتی‌پرقدرت می‌شودکه هیچ نیرویی را یارای مقاومت در برابرش نخواهدبود. مستبدین‌حاکم از درون پوسیده‌اند. آنهاازمردم‌می‌ترسند و درمقابل مردم‌خوردخواهندشد... شعارمادراین‌جنبش چنین‌است:

ـ تشکل واتحاد، کوبنده‌استبداد
شکستن غاصبین، ادامه‌انقلاب" (شمارهٔ ۱۵۸ ـ ۱۶ بهمن ۱۳۵۹)

ویا:

"دانش‌آموزان! متحد شویم و همراه مردم‌تعرض مستبدین رادرهم شکنیم" (همانجا)

"رنجبر"، درسالگرد انقلاب ۲۲ بهمن، ضمن‌آنکه شعار بالا رادرصفحه‌اول‌باتیتردرشت منعکس کرد، بااین‌تیتر اول‌منتشرشد:

"ملت‌ایران‌آمادهٔ جانفشانی برای‌احیای دستاوردهای‌انقلاب است". (۲۱بهمن ۱۳۵۹ ـ شماره ۱۶۰) ودرصفحه‌اول‌اعلام‌کرد:

"ملتی‌که‌استبدادکبیر راسرنگون‌کرد، استبدادصغیر راهم سرنگون خواهد کرد". (همانجا) ونوشت: "باید در راه خارج‌ساختن قدرت ازدست‌گروه‌کوچکی که‌قدرت راغصب‌وبه انحصاردرآورده‌است، قاطعانه به مبارزه برخاست". (همانجا)

"رنجبر" درفاصله یک‌هفته، تا اجرای توطئه ۱۴اسفند، سال‌را "سال‌پیروزی" نامید:

"اکنون دیگرروشن‌شده‌است‌که هرگونه تلاش برای‌نجات‌انقلاب، هرگونه‌تلاش برای بی‌ثمرساختن توطئه‌های دوابرقدرت‌آمریکا و روس علیه‌کشور وانقلاب ما وهرگونه‌تلاش برای ادامه‌وتکامل‌انقلاب ازمجرای‌مبارزه‌علیه مشتی مستبد ومتحدین وابسته به روس آنهامی‌گذرد وازاین‌روست که یکسال آینده سال‌مقاومت، سال مبارزه وسال پیروزی نام‌گرفته‌است...". (رنجبر ـ شماره ۱۶۶ ـ ۵ اسفند ۱۳۵۹)

شرکت فعال «رنجبران» درتوطئه ۱۴ اسفند

روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، بنی‌صدر فراری، به‌مناسبت‌سالگرد درگذشت دکترمحمد مصدق، مراسمی در دانشگاه تهران برپاکرد، که‌اکنون بنام "توطئه ۱۴اسفند" شناخته‌شده‌است. برای این‌مراسم، که‌درواقع سکوی‌اول‌حمله‌ای‌بود که "رنجبر" ازیک ماه پیش آن‌راطلب‌می‌کردچنان که‌اسنادبعدی‌نشان‌داد، ازچندماه پیش‌برنامه‌ـ ریزی شده‌بود. همه‌اعضای جبههٔ متحد ضد انقلاب وسازمانهایی‌که‌دردام توطئه‌جبهه‌متحد ضدانقلاب‌افتاده‌بودند، دراین‌توطئه شرکت داشتند، مائوئیست‌نامهٔ "انقلاب اسلامی" شرکت‌کنندگان درتوطئه‌را چنین‌معرفی‌کرد:

"تابحال سازمانهاوگروههای متعددی طی‌بیانیه‌های جداگانه آمادگی خود را برای شرکت دراین‌مراسم بزرگداشت اعلام‌نموده‌اند که‌ازجمله‌این‌گروهها، جاما، نهضت‌آزادی‌ایران، حزب‌ملت‌ایران، سازمان‌مجاهدین‌خلق ایران، انجمن‌تعاون‌هنرمردمی‌ایران، جمعیت ملی استادان دانشگاه‌های‌ایران برای‌شرکت دراین مراسم‌اعلام‌آمادگی‌نموده‌اند". (انقلاب اسلامی ـ ۱۳ اسفند ۱۳۵۹)

اعضای‌دیگرجبههٔ متحدضدانقلاب هم، که‌بنابر "ملاحظات" و "قرارها"ی پشت پرده، نامشان اعلام‌نشده‌بود، یعنی ساواکی‌ها، سلطنت‌طلب‌هاو... "حزب‌رنجبران" که‌ازآن در "انقلاب اسلامی" بنام‌های "انجمن‌تعاون هنرمردمی" و "جمعیت‌ملی‌استادان" (یعنی تشکیلات پوشش دارآن) یادشده‌بود، نیز در این‌توطئه‌نقش فعالی داشتند. "حزب‌رنجبران" دراین‌توطئه‌نقش فعالی داشت. واولین شمارهٔ "رنجبر"، بعدازتوطئه ۱۴ اسفند، تماما به این "مراسم "اختصاص یافت. این‌تیتربزرگ در صفحه اول این‌شماره "رنجبر" دیده‌می‌شد:

"مبارزه باچماقداری واستبداد را تا به‌آخر ادامه‌دهیم". (رنجبر ـ شماره ۱۷۲ ـ ۱۹ اسفند ۱۳۵۹)

چنانکه درکلیشه صفحه اول "رنجبر" در همین شماره "اتحادمردم" می‌بینید، ۴ مقاله صفحه اول "رنجبر" به‌حمله‌مستقیم علیه خط امام‌ودفاع‌ازبنی‌صدراختصاص دارد. "رنجبر" دریکی ازاین‌مقاله‌هاتحت‌عنوان "علیرغم تبلیغات شوم عوامل‌استبداد، مقاومت مردم علیه چماقداری به‌حق‌است"، نوشت:

"مقاومت دلیرانه‌مردم دربرابرچماقداران استبداد در روز ۱۴ اسفنددر دانشگاه‌تهران، نقطهٔ عطفی‌بود درتاریخچه دوساله مبارزه مردم علیه‌این‌مولودشوم‌استبداد وامپریالیسم که‌می‌خواهند از این طریق خود را بار دیگر ...مردم‌تحمیل‌کنند.

دراین‌روز، برای‌نخستین بار پس‌ازدو سال، مردم دربرا[بر] اسلحه سردوگرم... ازمحوطهٔ مقدس... این‌روزمردم نشا[ن]... مصمم، هرگزمشت[ی]... که‌موردحمایت د... قراردارندنخواه... شکن خود را برم... تحمیل‌کنند. درا... جعفری را چون ک... سایه‌افکنده ازجل... هم‌که‌شده‌راندند... مرداد..." (رنج[بر]... ۱۳۵۹)

بعدازانتشا[ر]... انقلاب "رنجبر"... که معلوم‌بود برا[ی]... شماره‌بعد به‌شکل... این‌بود:

"دولت رج[ائی]... شماره ۱۷۷ ـ ۱۲...

"رنجبر"...


با حفظ وحدت و نظم انقلابی
مبارزه با چماقدار[ی]
واستبداد را تا به آخر ادامه‌ده[یم]

بررسی اجمالی تاریخچه چماقداری پس‌ازانقلاب‌نشان میدهد: چماقداری حدو مرز نمی‌شناسد

بدنبال شکست فضاحت‌بار دراجتماع دانشگاه تهران، گردانندگان چماقداری توطئه‌های جدیدی را تدارک می بینند

درمبارزه علیه چماقداری دستگاه قضائی معجزه نخواهد کرد
بر کندن ریشهٔ چماقداری تنها بامبارزهٔ متشکل ومتحدمردم میسر است

رنجبرشماره ۱۷۲ ـ ۱۹ اسفند ۱۳۵۹

"دولت ر[جائی]... فریادی‌است‌که‌هر... مردم زحمتکش م... نیروهای‌آگاه ومبا[رز]... (رنجبر ـ شماره ۱۷...

"رنجبر"...

"این‌دولت... ضدخلقی‌است،... هرشهروهرکوی... که‌تازه از زیرتیغ... به‌دست‌ایادی ر... ازچماقدار وحزب... ـ ای، درحق ج... کمونیست که در... جان فشانده‌اند... ـ این‌دولت... یعنی‌دولت خراف... توده‌ها، دولت ر... صاحب قدرت‌سیا[سی]... توجیه‌استبدادون... سیاسی‌واسباب... اعمال‌بدترین نو[ع]... دراین‌راه ابائی‌ن... روحانیت‌واسلام... آزادی واستقلال... جوانمردانه‌ترین... حربه‌هاوحتی‌بات... بردار دوخفه‌ومح... شماره ۱۷۷ ـ ۱۲...

مخالفت با د...
بازرگانی خار[جی]...

درهمین ...

"در جبهه براندازی"



همراه با جبههٔ متحد ضدانقلاب، تدارک زدن ضربهٔ نهائی به جمهوری اسلامی ایران را می‌دید، ویلیام کیسی، رئیس سازمان "سیا"، در جلسه سالانه اتاق بازرگانی آمریکا گفت:

"رونق اقتصادی آمریکا بیش از همیشه به خارجی‌ها وابستگی پیدا کرده است. بدلیل دور بودن کشورهای دیگر از آمریکا، آن کشورها می‌توانند نبض اقتصاد آمریکا را بدست گیرند".

او افزود:

"گسترش بازرگانی دولتی در این‌گونه کشورها منافع آمریکا را بخطر انداخته است" (جمهوری اسلامی – ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۰)

"رنجبر"، که هنوز هم بطور مخفی منتشر می‌شد. زیرعنوان: "دولتی کردن تجارت خارجی گام مهمی درجهت تحکیم قدرت مستبدین حاکم است"، نوشت:

"طرح مستبدین حاکم را مبنی برجایگزینی سیستم بازرگانی خارجی کنونی، بوسیله سیستم تجارت خارجی تحت حاکمیت دولت مکتبیون ضدخلق، بعنوان توطئه‌ای بزرگ برای غارت و چپاول وسرکوب انقلاب، افشاء نمایند" (رنجبر – شماره ۱۷۷ – ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰)

"رنجبر"، با این اعلام نظر صریح، نشان داد که درهمه مسائل با "سیا" وحدت نظر کامل دارد.

"حزب "آمریکا ساخته و پکن پرداختهٔ "رنجبران" این وحدت نظر را با امپریالیسم در جبههٔ متحد ضدانقلاب حفظ کرد: در ۳۰ خرداد درقیام مسلحانه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و از آن پس نیز در همهٔ توطئه‌ها علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران در داخل وخارج کشور شرکت کرده و می‌کند. نمونهٔ یکی از این توطئه‌ها را از زبان "سیس"، سازمان دانشجوئی "حزب رنجبران" درخارج ازکشور، بنقل از اعلامیه مورخ ۳۱ ژوئن ۱۹۸۱ (۳ تیر ۱۳۶۰) بخوانید:

"درهفته سوم ماه ژوئن اغلب دانشگاه‌ها در کشورهای مختلف بخصوص آلمان و ایتالیا، صحنهٔ مبارزهٔ کوبندهٔ دانشجویان بر علیه حامیان رسوا شده رژیم استبدادی ایران است... موج وسیعی از مبارزات دانشجویان آزادیخواه سراسر خارج ازکشور را فراگرفته است..."

وبدین ترتیب بود که نقاب ازچهره "حزب رنجبران" کاملا برافتاد و این حزب آمریکا ساخته و پکن پرداخته، که درابتدا با پنهان شدن زیرنقاب "نه آمریکا، نه روسیه" توانسته بود، اعتماد برخی از نیروهای مسلمان انقلابی را جلب کند، کاملا رسوا شد.

بادریده شدن نقاب ازچهره این باند مزدور متحد بنی صدرفراری، باردیگرتاریخ نشان داد، آنهاکه پیروان راستین سوسیالیسم علمی را ریاکار ومردم فریب می‌خوانند، درواقع صفات خود را به انقلابیون واقعی نسبت می‌دهند، تا خلق را گمراه کنند ودرلحظه لازم خنجر را از پشت فروبیاورند. واین خنجرکاری نخواهد بود، مگرهنگامی که درمیان نیروهای خلق و مدافع انقلاب شکاف وتفرقه باشد. ودرست به همین خاطر است که "حزب رنجبران" بخش عمدهٔ نیروی خودرا به ایجاد تفرقه بین نیروهای طرفدار انقلاب اختصاص داده است.

تبلیغ علیه اتحاد نیروهای انقلابی

"حزب رنجبران" "بربنیاد رهنمودهای "سیا" و "پکن" پیوسته درصدد بود تا بهر شیوه ممکن، ازقبیل شانتاژ، تحریک، دروغ‌باقی و نیرنگ زنی، مانع ازایجاد جبههٔ متحدی از نیروهای مدافع انقلاب شود. هسته اصلی این کوشش عبارت بود ازممانعت ازاتحاد میان نیروهای طرفدار سوسیالیسم علمی ومسلمانان انقلابی پیرو خط امام. این "سیا"ست "حزب رنجبران" ازآغاز توطئه امپریالیسم برای سرنگونی دولت شهید رجائی وجایگزینی لیبرال‌ها بجای آن، شدت بیشتری گرفت:

"حمایت باند کیانوری درحزب توده از انحصارطلبان سرسخت... وهمچنین همسوئی عجیبی که بین مواضع سیاسی این دوگروه پدیدار گشته است، هر روز تعداد وسیع تری از مردم و نیروهای سیاسی را بخود مشغول می‌سازد... همه می‌پرسند چگونه است گروهی که داعیهٔ "اصالت مکتبی" را دارد وخود را تنها وارث و نماینده انقلاب اسلامی، نه‌شرقی، نه‌غربی ایران می‌داند... با یک دارودسته مزدور وابسته که بزرگترین افتخارش نوکری امپریالیسم روس و هدف اعلام شده‌اش وابسته کردن میهن ما به این ابرقدرت جنایتکار است، از در دوستی در آمده وبه مغازله سیاسی پرداخته است؟" (رنجبر شماره ۱۴۳ – ۱۱ دی ۱۳۵۹)

ویا:

"با نزدیک شدن ۲۳ دی که سالگرد پیروزی دانشگاهیان بررژیم پهلوی است... این بارهم ابتدا بجای مستبدین حاکم، مستشاران ارزان قیمت آنان یعنی باند مزدورکیانوری ضجه آغاز کردکه "هشدار... ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیست‌ها تحت عنوان بازگشائی دانشگاه‌ها تبلیغات وفعالیت گسترده‌ای را..." (رنجبر– شماره ۱۴۸ – ۲۳ دی ۱۳۵۹)

ودرست درهمین موقع "خطرشوروی" باز هم به میدان آورده شد:

"امابعد ازانقلاب گروهی که تدریجا قدرت سیاسی را بطورعمده بدست گرفتند، راه خود را جداکردند، بجای پیروی ازشعار نه‌شرقی نه‌غربی گرایش به‌شرق، بجای آزادی نوعی استبداد...

(رنجبر– شماره ۱۴۷ – ۲۱ دی ۱۳۵۹)

و:

"منطق مستبدین روس گرا در حکومت کنونی..." (رنجبر– شماره ۱۵۰ – ۲۸ دی ۱۳۵۹)

و:

"زمینه‌چینی برای شرکت نکردن در کنفرانس اسلامی، امتیازی که دولت رجایی به روسیه می‌دهد". (همان جا) و:

"درزمینه استقلال آنها عملا مشی انقیادطلبانه متمایل به روس را پیاده کرده‌اند. (رنجبر– شماره ۱۵۱ – ۳۰ دی ۱۳۵۹)

وسرانجام این "شانتاژ" هم به "خطر شوروی" پیوند خورد:

"این تزها مو به مو با تزهای ابرقدرت روس وعمال داخلی‌اش دارودسته مزدور وخیانت پیشهٔ کیانوری درحزب توده مطابق است" (همانجا)

وچنین دنبال شد:

"مستبدین حاکم متمایل به روس که از لحاظ سیاسی با دارودسته کیانوری حزب توده‌وار و دسته باصطلاح "اکثریت" کشتگر – نگهدار سازمان چریک‌های فدائی خلق همراه و هم سرنوشت شده‌اند، از لحاظ طبقاتی واجتماعی ازمنافع مشتی کوچک، بورژوازی بوروکراتیک تازه به دوران رسیده دفاع می‌کنند". (همانجا)

جاسوس‌های کهنه‌کار "حزب رنجبران" وقتی متوجه شدند که هیچگونه تحریک و شانتاژی نمی‌تواند مانع دفاع پیروان راستین سوسیالیسم علمی ازانقلاب ایران شود، اعلام کردند:

"عمال قدیمی وکهنه کار روسیه (حزب توده) وسرسپردگان نوپای آن (چریک های اکثریت) به دستیاران وهمکاران صمیمی مستبدین دراعمال وسرکوب وعملیات تروریستی علیه توده‌ها ونیروهای سیاسی استقلال طلب تبدیل گشته‌اند". (رنجبر– شماره ۱۵۷ – ۱۴ بهمن ۱۳۵۹)

"رنجبری"ها، بعدازآنکه در سطور بالا به ناسزاگویی وافترازنی "معمولی" خود به پیروان راستین سوسیالیسم علمی ادامه‌دادند، در "اجلاس کمیته‌مرکزی" خود، که شرح آن در همین مقاله آورده شده، پیروان راستین سوسیالیسم علمی به اضافه "جنبش مسلمان مبارز" را به احزابی که درحاکمیت شرکت دارند، افزودند ونام آن را "جبههٔ متحد ارتجاع" گذاشتند (البته افتخار این نامگذاری قبل از "حزب رنجبران" به مسعودرجوی خائن تعلق دارد) و سپس دستوربراندازی آن را دادند. ازاین پس (یعنی ازمقطع واردشدن توطئه امپریالیسم برای بقدرت کامل رساندن بنی صدر دررأس جبهه متحد ضدانقلاب به مرحلهٔ عمل) "حزب رنجبران" که موفق نشده بود درعمل مانع از وحدت عمل نیروهای انقلابی شود، باکینه و نفرت، هم به شانتاژ وتحریک ادامه داد وهم پیوسته خواستار براندازی نیروهای راستین سوسیالیسم علمی مدافع انقلاب شد وهرجا هم که توانست آن را عملی کرد. مثلا "رنجبری"ها به صراحت اعتراف کردند:

"درطی این هفته، درشهرهای برن، فرانکفورت، برلین غربی وگوتینگن دانشجویان باخشم ونفرت به‌سراغ دارودسته‌های قدس (دانشجویان مسلمان مدافع خط امام– اتحاد مردم). حزب توده، فدائیان اکثریت وامت رفته نشریات سراپا ارتجاعی وضدخلقی آنها را پاره کرده وخواستار اخراج آنها ازاماکن دانشجویی می‌شوند". (اعلامیه "سیس"– مورخ ۳ تیر ۱۳۶۰)

وافزودند:

"...دارودسته حزب اللهی قدس (بلندگوی حزب فاشیستی جمهوری اسلامی در خارج)، ایادی حزب توده وفدائیان اکثریت آماج حملات دانشجویان قرار گرفتند". (همانجا)

وبدین ترتیب "رنجبری"ها، هنوز که هنوز است، باحملات فاشیستی و تبلیغات وسیع همراه وهمزمان بادستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم درخارج وداخل کشور، می‌کوشند تا مانع ازاتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب در میهن ما شوند. این عمل آنها اتفاقی نیست. جاسوسان کهنه‌کار "رنجبران" می‌دانند که ناقوس مرگ آنها را با نشان تنها وتنها با اتحاد همه نیروهای انقلابی ومردمی زیررهبری امام خمینی نواخته می‌شود.

* * *

آنچه درباب "سیا"ست حزب آمریکایی – چینی "رنجبران" آمد، تنها سیاست این حزب نبود. جانشین کردن شوروی بجای آمریکا، متهم کردن نیروهای راستین سوسیالیسم علمی به رخنه ونفوذ وکودتا، ودروغ پراکنی درباره خطرموهوم شوروی وحزب تودهٔ ایران، مخالفت با بازرگانی خارجی وتفرقه افکنی بین نیروهای مدافع انقلاب، نقشه دستگاه‌های جاسوسی امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا است که "رنجبر" یکی ازمجریان آن بود، بنی صدر یکی دیگر، لیبرال‌ها سومی و... بادرایت وقاطعیت این نقشه شوم را نقش بر آب کنیم.


کنفدراسیون دانش‌آموزان ودانشجویان ایران

CIS

Member Chapter in:
USA
W.Germany
Italy, Sweden
Turky, England
Canada, France
Austria

حساب بانکی
Deutsche Bank
Konto Nr. 5831904
BLZ: 370 700 60
5000 Köln 41

آدرس پستی
Postfach 100406
5000 Köln 1
W. Germany
Tel.: 0221/135217

CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS

درمبارزه با دارودسته‌های قدس، حزب توده وفدائیان اکثریت
و نفرا زدانشجویان آزادیخواه درشوربختی گرشدند !

درحالیکه مرتجعین حاکم، زخم خورده وپریشان، برای خفه کردن صدای مردم، هرروز دسته دیگری از انقلابیون وآزادیخواهان را درمقابل جوخه‌های آتش قرار میدهند، موج وسیعی ازمبارزات دانشجویان آزادیخواه سراسرخارج ازکشور را فراگرفته است. برگزاری دهها تظاهرات، تحصن، اعتصاب غذا وبالاخره اشغال سفارتخانه‌های رژیم ایران درکشورهای مختلف توسط کنفدراسیون جهانی ودیگرنیروهای جنبش دانشجوئی خارج ازکشورنمونه‌های زنده‌ای ازرشدوگسترش مبارزات دانشجوئی خارج ازکشوراست.

همپا با این مبارزات درسطح دانشگاهها نیزدارودسته حزب الهی قدس (بلندگوی حزب فاشیستی جمهوری اسلامی درخارج)، ایادی حزب توده وفدائیان اکثریت آماج حملات دانشجویان قرارگرفتند.

همکاری روزافزون حزب توده وفدائیان اکثریت با رژیم جنایتکار ایران ودراین رابطه اعتراف آشکار کمیته مرکزی حزب توده به همکاری همه جانبه با دستگاه جهنمی ساواما به سطورشناسائی، تعقیب و پیگرد آزادیخواهان، به خشم ونفرت دانشجویان ازاین دارودسته‌های خودفروش افزوده است.

درهفته سوم ماه ژوئن اغلب دانشگاهها درکشورهای مختلف ... آلمان وا...



…راه اوباش مسلح به
…تا اخراج کامل آنها
…از پای ننشستند. در
…که اگرمتحد باشند و
…و تروریست حرفه‌ای
…ی ودولتی استبداد
…اراده قانون انقلاب
…ان وبیدار دل ما
…دم سایه شوم بی مخ
…راز انقلاب ایران
…انقلاب برای یکروز
…منحوس کودتای ۲۸
…ره ۱۷۲ – ۱۹ اسفند

…سرانجام داستان
…کرد، اما "رنجبر"،
…هم آماده شده، از
…شرشدوتیتر اول آن

…برود". (رنجبر–
…۱۳۶۰)
…مقاله نوشت:

…دبرود. این صدا و
…لقوم جمع کثیرتری از
…بیشتری ازعناصرو
…برکشیده می‌شود".
…افروردین ۱۳۶۰)

…فجیع ترین جنایات
…هرروز، هرساعت در
…سرزمین زخم خورده
…پهلوی بیرون آمده،
…رسمی مستبدین مکتبی
…رفته تا پاسدار وکمیته
…انقلابی مسلمان و چپ
…ی وتداوم انقلاب
…د، انجام می‌پذیرد.
…تشیع صفوی است،
…کرائی، دولت افیون
…رسمی صاحب منصب و
…راهمچون وسیله
…معود به قدرت بلامنازع
…عمیق توده‌ها وپوشش
…واستبداد بکار گرفته و
…ین که اکثریت عظیم
…که همچنان پرچم
…گرفته‌اند و به نا–
…جنایتکارانه‌ترین
…سلحه‌ترور ازسر راه
…سازد". (رنجبر–
…۱۳۶۰)
…شدن

…"حزب رنجبران"

رهبر "جبههٔ ملی ـ میهنی افغانستان":

از اتحاد طبقات و قشرهای انقلابی مانند مردمک چشم خود حفاظت خواهیم کرد

پایه‌گذاری "جبهه‌ملی ـ میهنی افغانستان"، بدون‌شک، مهم ترین رویداد داخلی تابستان امسال در کابل بود. ۹۴۰ نماینده‌ای که در اوایل تابستان در کنگرهٔ مؤسسان این "جبهه" شرکت کردند، هفته هاست که در شهرها وروستاهای افغانستان، به‌توضیح ماهیت وهدف‌های "جبهه ملی ـ میهنی افغانستان" مشغولند.

به‌گفته صالح محمدزیری، رئیس "جبهه" وعضوهیئت سیاسی کمیته‌مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان دراینباره، "اظهارات کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران نشان‌می‌دهد که جبههٔ وسیع ما، چه پژواک گسترده‌ای‌درمیان مردم داشته‌است."

این‌واکنش مثبت در کابل به‌منزله نقطه شروعی شایسته برای تقویت سیاسی وسازمانی اتحادی ارزیابی می‌شود، که‌درتاریخ‌افغانستان بی‌سابقه‌است.

پس از تشکیل کمیسیون های مرکزی برای ارتباط با سازمان های عضو، مسائل مالی ومناسبات بین‌المللی، اکنون در بخش‌های‌گوناگون کشور پایه‌گذاری کمیته‌های استانی و محلی تدارک دیده می‌شود.

"جبهه‌ملی ـ میهنی‌افغانستان" دربرنامه‌خود هدف خویش را اتحاد توده‌های‌وسیع مردم وهمه میهن‌دوستان‌افغانستان برای شرکت فعال در ساختن جامعه‌ای نو ـ بر پایهٔ احترام به‌اصول اسلام وباتوجه به سنت‌های ویژه قبایل‌گوناگون‌کشور ـ اعلام‌می‌دارد.

در افغانستان ۱۶ ملیت گوناگون زندگی می‌کنند. به گفتهٔ صالح محمدزیری:

"مابه‌سنتی، که‌اینان در طول تاریخ پدید آورده‌اند، احترام‌می‌گذاریم وطبیعتاً" در تشکیل کنگرهٔ موسسان جبههٔ خود به انتخاب نمایندگان قبیله‌ها از سوی "جرگه" (شورای سنتی قبیله‌ها) توجه‌کردیم. مابرای تبلیغ اصول جبهه خویش باروسای قبیله‌ها همکاری نزدیک داریم.

محور اصلی "جبهه" را هم‌پیمانی طبقه کارگر نوپای افغانستان با دهقانان این‌کشور تشکیل می‌دهد. از اینرو، سازمان‌های اینان ـ "حزب دمکراتیک‌خلق‌افغانستان"، سندیکاها واتحادیه تعاونی‌های کشاورزی ـ به منزلهٔ ستون فقرات "جبهه" بشمار‌می‌آیند. فزون‌بر این، چندین‌سازمان دیگر، مانند سازمان‌های جوانان، زنان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان، مجلس نمایندگان قبیله‌ها ونمایندگان اتاق بازرگانی کابل دراین‌جبهه شرکت دارند. از سوی دیگر، بسیاری ازشخصیت‌های سرشناس از جمله روحانیون، پزشکان و دیگر روشنفکران ـ به "جبهه ملی ـ میهنی افغانستان" پیوسته‌اند.

سیاستمدار افغانی دربارهٔ پدیدهٔ اخیر اظهار داشت:

"از هنگام استقلال کامل کشور ما در اوت ۱۹۱۹ از سیادت‌استعمارگران‌بریتانیایی، شخصیت‌های برجسته‌ای به‌دفاع از منافع مردم برخاسته‌اند."

زیری بعنوان‌مثال‌به‌نمایندگان جنبش "جوانان بیدار" اشاره می‌کند، که‌درسالهای ۱۹۴۶/۴۷ تاسیس یافت. ازصفوف نیروهای بورژوا ـ دمکرات افرادی چون ژنرال کهن‌سال، فاتح‌محمد و سیاستمداران نامداری چون‌هادی داوی و دکتر عبدالزهیر به "جبهه" پیوستند.

صالح‌محمد زیری تاکیدمی‌کند:

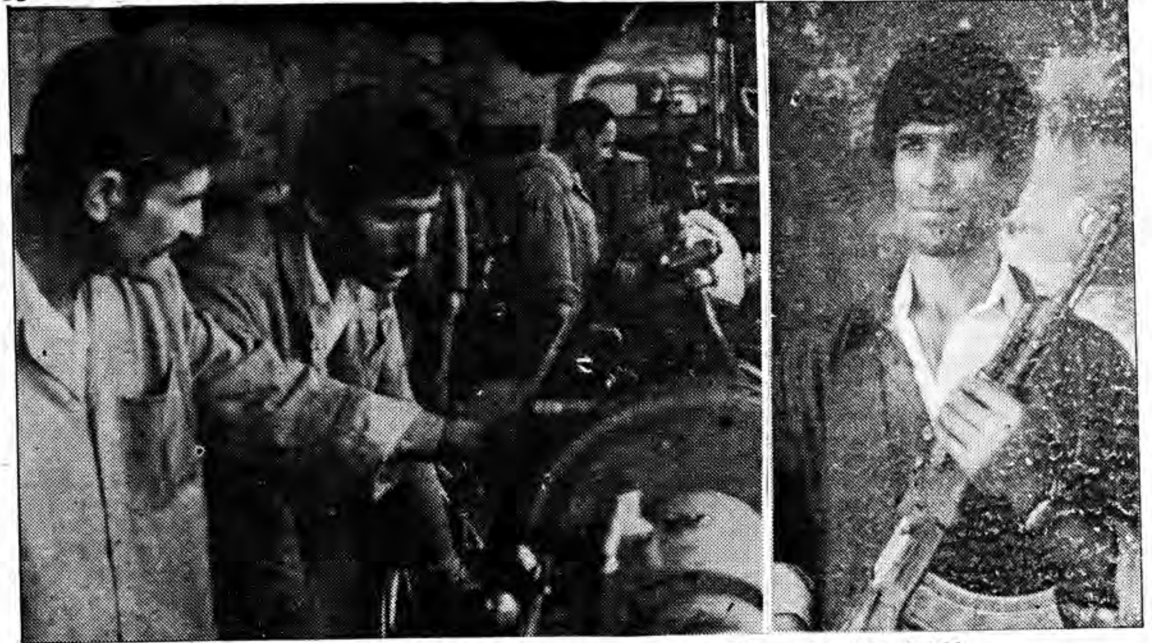
"تاسیس این‌جبهه‌وسیع ضربه‌ای‌سهمگین‌برپیکر ارتجاع‌وامپریالیسم است."

وی می‌افزاید که، ارتجاع و امپریالیسم، در هراس از اتحاد هر چه بیشتر مردم دررا‌ه‌پیشبردهدف‌های انقلاب ملی‌ـ‌دمکراتیک، حملات خودرا ـ چه‌به‌شکل تخریب ایدئولوژیک وچه از راه ترور ـ گسترش بخشیده اند. از این روست که ارتجاعیون چندی‌پیش به قتل‌جنون‌آمیز فاتح‌محمد دست زدند. قاتلین این‌میهن‌دوست سرشناس کسانی جز اشرار باند گلبدین حکمت‌یارنبودند.

اماضدانقلابیون افغانی ازاین تبه‌کاری های تروریستی بهره‌ای نخواهند برد. مردم افغانستان در نبردهای بیشمار خود با دشمنان امپریالیسم پرورده به تجربیات‌کارآئی دست یافته‌اند.

به‌گفته‌صالح‌محمدزیری:
"ارتش ویگان‌های پلیس ما همراه بامیلیس‌های مسلح شب و روز آمادهٔ دفاع ازدستاوردهای انقلاب هستند. این‌آمادگی درکنگره‌موسسان "جبهه" مانیز عیان‌بود.

رئیس "جبههٔ ملی ـ میهنی افغانستان" درپایان‌افزود:
"برای ماحفاظت مسلحانه از انقلاب وسیاست هم‌پیمان‌جویی‌فعال دوروی‌یک‌سکه‌هستند. هر انقلابی، که ازاتحادطبقات و قشرهای انقلابی، مانندمردمک‌چشم‌خود، حفاظت‌نکند، درمعرض خطر خواهد بود. تجربهٔ ما در مرحلهٔ نخستین‌انقلاب نیز این‌واقعیت را به‌ثبوت رسانید. از اینروست که‌چنین به اتحاد ارج می‌نهیم وهمه کوشش خود را برای تحکیم "جبههٔ ملی ـ میهنی‌افغانستان بکارخواهیم برد.



کارگران‌افغانستان‌هم باکارخودوهم باسلاح‌خوداز‌انقلاب‌افغانستان‌دفاع‌می‌کنند.

ایجاد شبکه...

بقیه‌از صفحه ۱

سرمایه‌داری وابسته، بویژه در بخش بازرگانی برجای ماند. اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران، تجارت خارجی را از عرصه‌های عمل بخش دولتی درنظر گرفته‌است. در ضرورت دولتی‌کردن‌بازرگانی خارجی، آیت‌اله مشکینی سخن‌روشنی دارد:
"قانون‌اساسی درنظرگرفته‌است که‌اگر مالکیت را در صنایع سنگین، بانکداری وتجارت خارجی به بخش خصوصی واگذارکند، این امر موجب پیدایش یک نظام بورژوازی آمریکائی وامپریالیستی میشود، که جامعه را استثمارمیکند. درنتیجه برای جلوگیری ازاین‌امر، قانون‌اساسی‌این گونه فعالیت‌های‌اقتصادی را دولتی اعلام کرده‌است."

اجرای این‌اصل‌اساسی که‌میتواند منشاء دگرگونی بنیادی‌در مناسبات سنتی بازارباشد، باکمال‌تاسف هنوز به‌اجرادرنیامده‌است. سنگ‌اندازی و کارشکنی در اجرای‌این‌اصل مهم، تا آنجا پیش رفت که حتی پس ازتصویب قانون‌اساسی، مخالفان تعابیرگوناگونی‌ازملی‌شدن‌ارائه‌دادند، به‌گونه‌ای که "شورای‌نگهبان" ناگزیر از موضع‌گیری‌شد وتعبیر درست‌خود را از ملی‌شدن، که‌همان دولتی‌شدن‌است، اعلام‌نمود.

ایجاد "مراکزتهیه‌وتوزیع‌کالا"، که‌ازابتکارات‌دوران‌وزارت‌بازرگانی‌رضا صدراست، به‌مثابهٔ نخستین‌گام در راه دولتی‌کردن‌بازرگانی‌خارجی وانمود شدوبه‌بهانهٔ عدم اطلاع وپیشینه دستگاه‌دولتی در واردات کالا، این مراکز بدست بازرگانان بزرگ سپرده شد، که کار واردات کالا را تامرزکشور برعهده‌گیرند.

روشن‌است که‌ایجاد این مراکز به‌هیچ‌رو به معنای دولتی‌کردن بازرگانی‌خارجی‌نیست، زیراصرفنظراز آنکه درجریان سفارش کالا و انتخاب طرف معامله در خارج، زمینه های بسیار برای سوءاستفاده سفارش‌دهندگان، که‌سرمایه داران وابسته هستند، وجود دارد، صدی هفتاد توزیع کالاهای وارداتی در دست سفارش‌دهندگان‌باقی‌میماند که این خود ازعلل‌مهم‌گرانی‌است.

طبق‌طرح "ایجادمراکز تهیه و توزیع‌کالا" "توزیع‌صدی سی کالاهای وارداتی باید به‌شرکت‌های تعاونی سپرده‌شود. امابازرگانان‌بزرگ برای آنکه‌حتی‌الامکان کنترل خود را بر توزیع این‌درصدناچیز هم‌حفظ‌کنند، خودبه‌تشکیل‌شرکت‌های‌تعاونی همت گماردند. ماهیت‌تلب شدهٔ این‌دست، ازشرکت‌های‌تعاونی را می توان در گزارشی مشاهده‌کرد که روزنامهٔ اطلاعات، در شماره ۲۹ شهریورماه ۶۰، زیرعنوان ("آهن "آهن‌فروشان، دولت ومردم) انتشار داده‌است.

ازمحتوای این گزارش روشن میشود که‌توزیع آهن‌وارداتی برعهد،

دوشرکت‌تعاونی‌گذارده‌شده، که یکی‌از آنها "شرکت‌تعاونی‌تهیه و توزیع "آهن آلات‌تهران وحومه‌است، که‌درمرداد سال ۱۳۵۶، یعنی قبل از انقلاب، باضوابط دوران طاغوت، به دست عده‌ای ازآهن‌فروشان‌عمده تشکیل شده ودر دوران انقلاب، بخش مهمی از توزیع آهن‌آلات بر عهده آن‌گذارده‌شده‌است! شرکت دوم "شرکت‌تعاونی‌اسلامی‌تهیه و توزیع آهن‌آلات" است، که‌بعد از انقلاب تاسیس‌شده‌است. عملکرداین‌دوشرکت و وجود رقابت شدید میان‌آنها، به نوشته‌روزنامه‌اطلاعات، از عوامل "پریشانی‌بازار "آهن‌بوده‌است، و از عوارض‌این‌پریشانی است که با آنکه آهن از نخستین‌کالاهائی بود که به "مراکز تهیه وتوزیع کالا" سپرده‌شد، اکنون‌آهن‌کیلوئی ۴۵ ریال به بهای ۲۰۰ ریال به‌دست مصرف‌کنندمی‌رسد. وبه‌گفته‌شهید رجائی، سودیک تاجرآهن‌طی‌یکسال ۱۵۰ میلیون‌تومان بوده‌است!

علت‌وجودی‌شرکت‌های‌تعاونی سدبستن‌بررقابت‌های سودجویانه و تسری روح‌همکاری ومشارکت در میان سرمایه‌های‌کوچک، به‌منظور اعتلاء تولید وبرقراری نظم عادلانه در توزیع، باهدف رفاه مصرف کننده است. امایکی از سوءاستفاده‌هایی که اینجاوآنجا ازشرکت‌های تعاونی شده آنست که‌خود بازرگانان‌بزرگ عامل تشکیل چنین‌شرکت‌هائی بوده‌اند، و درنتیجه مانع ازتحقق‌اهداف‌مردمی تعاونی‌ها شده‌اندولذا گرانی ادامه یافته‌است.

اقدامات‌دولت‌برای مبارزه با کمبود کالا و تعدیل قیمت‌ها به طور عمده برسهمیه‌بندی‌کالااستوار‌است، که‌باآنکه هنوزتمام‌کالاهای اساسی موردنیاز مردم‌رادربرنگرفته وازنظم ونسق‌کافی‌هم برخوردارنیست، ولی گام‌موثری در راه‌توزیع عادلانه‌برخی ازکالاها‌بوده‌است. علاوه بر این، دولت برای جلوگیری از گرانی بر ستادهای مبارزه با گرانفروشی متکی است، که‌قطعا نمی‌توانند از تاثیر کافی برخوردارباشند.

ستادهای مبارزه با گرانفروشی که‌بادریافت‌جریمه و حراج کالای گرانفروش، سعی دارند راه‌رابرگرانی پرشتاب سد کنند، هیچگونه‌موفقیتی نداشته‌اند. مبارزه‌باگرانفروشی از طریق جریمه وحراج، میتواند جزئی ازبرنامهٔ جامع مبارزه با گرانی و



گرانفروشی راتشکیل دهد، اما‌نمی‌تواند‌اساس‌این‌برنامه‌باشد، زیرا اولا دولت‌نیروی‌انسانی لازم‌برای‌کنترل گرانفروشان‌را، که‌درسراسرشهرها و روستاهاپراکنده‌اند، دراختیارندارد ومجازات‌چندگرانفروش، حتی‌درکوتاه مدت هم‌موجب عبرت سایرگرانفروشان‌نمیشود، وثانیا به‌فرض‌آنکه ستادمبارزه‌باگرانفروشی در این‌یاآن شهر برکنترل خود [illegible] کالاها راه‌شهرهائی رادرپیش‌میگیرند که هنوز در آنجاها کنترل برقرار نشده است.

تجربه گذشته‌به‌ثبوت‌رسانده است‌که‌نه‌جریمه و حراج و نه پند و اندرز و خواهش و تمنا قادر نیست راه‌برغارتگری‌ببندد. برای این‌کار بایدامکان‌غارتگری را از غارتگران گرفت، باید وسیله استثمار را از کف‌شان ربود، یعنی کل سیستم استثمار وغارتگری را در هم کوبید. ونخستین‌گام در راه این دگرگونی اساسی خلع ید از سرمایه داران وابسته‌وایجادشبکه توزیع تعاونی و دولتی‌است.

گسترش شبکهٔ تعاونی های توزیع در سراسر کشور گام مهمی در راه‌جلوگیری از گرانی وایجادثبات واقعی در قیمت ها است. ایجاد تعاونی‌ها میتواند نه فقط دست سرمایه‌داران وابسته، بنکدارها، محتکران و واسطه‌ها را از توزیع کالاهای‌اساسی‌کوتاه‌کند، بلکه‌درراه سودجوئی‌وزیادت‌طلبی توزیع‌کنندگان‌کوچک‌بخش‌خصوصی نیز، مانع‌ایجادنماید وآنان‌راوادارکند، تابه‌سودعادلانه‌قناعت‌ورزند.

درکنارشبکه‌تعاونی‌های‌توزیع نبایدضرورت شبکهٔ توزیع دولتی‌رااز یادبرد. باایجادفروشگاه‌های بزرگ دولتی، دولت‌قادرخواهدبود، تا کنترل قیمت‌ها را همواره در دست داشته‌باشد و به‌سود مصرف‌کنندگان‌از کمبودهای‌مصنوعی‌وسوءاستفاده ها جلوگیری‌کند.

روزی که‌بازرگانی‌خارجی به معنای واقعی‌دولتی شود و شبکه تعاونی‌ها برکشور چتربگسترد، می‌توان امید داشت که‌بارگرانی‌ازدوش مردم‌مستضعف‌برداشته‌شود.

بررسی کتاب

منطق آقای فرانک

"قربانی"

نویسنده : مالاپارته - مترجم : محمّد قاضی

یکی ازکتابهای داستانی خوب ،و حتی بسیارخوب (کهآقای محمد قاضی ترجمهکردهاست) کتاب نویسندهٔ ایتالیایی مالاپارته بنام "قربانی" است .

ترجمه ، شایدیکی از موفق ترین ترجمههای مترجم باشد ،که همگی آنها مرغوب و خوب است .

با آنکه نویسنده درسال ۱۹۵۷ میلادی درگذشته ، اورابایدازبنیانگذاران "رمانامروزی" دانست ، زیرا تخیلهنری او (مانند همکاران بعدی آمریکای لاتینیاش) صاف وساده گاه شگفتانگیز است ، تمام مکانیسم فنی رمان در زمان خود تازگی داشت و هنوز هم دارد ، رمان ازجهت شکل و مضمون برجستهاست .

موضوع داستان به کوتاهی ، مشاهدات مالاپارته در دوران جنگ جهانی دوم درجبهه وپشت جبههاست، منتها او ، که درواقع یک نویسندهٔ انقلابیاست ،آنموقع بظاهرافسر بی ـ طرف ایتالیایی بوده و بعنوان روزنامه ـ نگار ونویسندهای که بهجبهه رفت و آمد داشته ، مورداعتماد بودهومثلاًاز کاخ پرنس ئوژن سوئد گرفته ،تامحل آقای فرانک ، فرماندارکلنازیها در لهستان اشغالی ، یادستگاه آنتونسکو در رومانیهمهجا راه مییافته .

پنج سالحبس کشیدنش (بعنوان یکمبارزانقلابی) مدتهابودکه فراموش شدهبود .ولیخودش (بدون سست پیمانی نسبت به عقایدانقلابیخود) بظاهر دمفروبسته ودرمحافل فاشیستی آلمان وایتالیا بدوناشکال رفت وآمد میکردهاست .

بهاینترتیب ،مالاپارته جنگ را از آنسوی دیگرش دیدهاست ،واین دید ـگاه خاص ،همراه باطرز فوقالعاده بدیعیکهنویسندهیادداشتهایجالبشرا تنظیمکرده ، "قربانی" رابهیکسند کم نظیرمبدلمیکندوچهرهکریهفاشیسم را ، کهامروز با نوع "آمریکائیش" سر و کار داریم ،خوب نشانمیدهد .

بهاینمطلب کارینداریم .منظور ما فقط بیان یک نکته از این رمانپر موضوع ومفصلاستوآن بخشیاستمربوط بهمنزلفرانک ،فرماندار مقتدر آلمانی لهستان اشغالشده ، درشهر ورشو ، راجع به اردوگاه یهودیان

در ورشو اردوگاهیساختندبرای مثلا صدهزارنفر ، ولی درآنبیشازیک میلیونونیم نفر راجای دادهاند .

یهودیان ،اززنومرد ،سالخورده وخردسال ،دراینادوگاه ،در کثافت خودلول میزنند ، از بیماری وگرسنگی مثلمگسمیمیرند وردرون حصار بلند اردوگاهدرانتظارمرگحتمیبسرمیبرند .

سربازانفاشیستبچههاییهودی را ،کهمیخواستندگوشهایازحصارچوبی اردوگاه راسوراخ کنند وبرای بدست آوردنچیزی ،خودی بهشهر برسانند ، مانند یکموش حقیر باتفنگ شکارمی ـ کردند .حتیخودفرانک یکبار در این تفریح لذت بخش "شکاربچه موشها" شرکتمیکند .

حالا ، درکاخ مجلل آقای فرانک هستیم . برسرمیز مفصل شام یک بحث "فلسفی" درگرفته ،که چرا یهودیها چنین زندگی رقت بار و وحشتناکی دارند ؟

حضار ، وازآنجمله آقایفرانک ، معتقدند کهمرگ ومیرزیادبینیهودیها تقصیر خودآنهاست که کثیفاند واصلا متمدننیستند ،وحال آن که آلمان ها متمدناند .بله ،یهودیهامتمدننیستند لذامثلمگس دستهدستهمیرند ونعش ـهای تکیدهولاغر یا ورمکرده آنها را باید هر روز ،صدتاصدتا ،بارگاریکرد و درخندقی انداخت . خیر ،خیر ،ابدا متمدننیستند . تقصیرخودشاناست !

چیزیکهنظر راجلبمیکند ، این استکه ، اینمنطق آقایفرانک چقدر عمومیت دارد ! مسلماهمین منطق را آقای بگین امروز درباره فلسطینیهای اردوگاههایلبنان بکارمیبرد . ازبرخی ازبورژواهاویاازمالکان ، خودمانبارها شنیدهایم کهمیگفتند :چهفایده دارد ، آقا ، برای ایندهاتیهایاحمق حمام درستکنیم .اینها به کثافت عادت دارند وبغل گاوها و گوسفندهاشان میخوابند . چهفایدهایداردبرایبچهـ هاشانمدرسه بسازند . دهاتیجماعت ترجیحمیدهدبچهاش رابه بزچرانی بفرستد .

خلاصهفلسفهتوجیهآقائیبرای جنابان رکفلرها ،فرانکها ،بگین ها ، ریگانهاوهمپالکیآنها در همهجای دنیا ، ایناست .آنهامیگویند که : اکثریتجامعه بدبختاست ،برای آنکه خودش خواسته و میخواهدبدبخت باشد .لیاقتخوشبختی راندارد .

روزی یک خردهبورژوای آلمانی میگفت : (پس از رویداد "یومکیپور") میدانیچراعربهاازیهودیها شکست خوردند ؟برایآنکه یهودیهافعال و ساعی هستندو عربهاتنبل ! " عقیدهاو اینبودکه استعماردروغ است . آفتاب داغ وتنبلی ناشی ازآنآفریقاییرافقیر وبدبختنگاهداشته .

اگردقت کنید ،میبینیدکه این "منطق" ،بهاینمعنی استکهمختصات ابدی روحیانسانهاوعوامل طبیعی تعیینکنندهٔ تغییرناپذیر وبیبروبرگرد سرنوشتآنهاست ، و شرایط نظام اجتماعی ،بهرهکشی ،غارتگری ،استعمار جنگ ،ستم ،تجاوز وغیره ،ابدانقشی ندارد .

این "منطق" دروغین رایجوقوی است . شاهسابقمعتقدبود ،کسانی که از بهرهکشی واینقبیل مسائل صحبت می ـکنند "حسودند" ! " چشمندارند خوشبختی دیگران راببینند "!

از یک آمریکایی ضد سیاهدربارهٔ سیاهان بپرسید :بنظرآنهاسیاهانذاتاً تنبلولش هستندواصلابومیدهند و استعدادشانازحدودورزش وجازآنطرف ـ ترنمیرود .

عیناًمثلآنکهشماکسی رادرلجنـ زارهلبدهیدوبعدبگوئید : "آهببنید این آدمبیسلیقه چطورلباسهای خود را گلیکردهاست !"

آری منطق آقایفرانک به الوان مختلفجلوهگریمیکند و این منطق وحشتناک ،اختراع دژخیمانجهانی است .

درکتاب مالاپارتهمطالب ژرف و گیرازیاد است ورمان اصولاً درسطح بالایی است ،ولی وقتیانسان به این منطقآقایفرانکمیرسد ،دلش می ـ خواهدمانندخودشان ،کهدمبدم تکرار میکردند ، بگوید :

"Sehr amusant , nicht wahr ! "

(خیلیبامزه است ،اینطورنیست!)

تحلیل حزب کمونیست مصردربارهٔ رژیم آمریکائی مصر

حزبکمونیستمصر ، که بر اثر سیاست ترور واختناق رژیم سادات امریکائی در شرایط مخفی برای استقلالوآزادی مصرازیوغامپریالیسم وصهیونیسم مبارزهمیکند ، در باره اوضاعکنونی مصرتحلیلجالبیمنتشر ساختهاست .حزبکمونیستمصر در پایاناین تحلیل از همه نیروهای دمکراتیک وترقیخواه جهان خواسته است که اوضاع واقعیمصررابهآگاهی تودههایوسیعمردمکشورخودبرسانند تارژیم کنونی مصر بداندکهنهتنها در سطحکشورمصر یا در سطح کشورهای عربی ،بلکه در میان تودههایمردم سایرکشورها نیز منفرد شدهاست ، تا آنکه مردمونیروهایدمکراتیکوترقیـ خواهمصرمراتبهمبستگی و برادری مردمسایرکشورها را نیز احساسکنند

درپی همین انفراد رژیم آمریکاییـ صهیونیستیمصراست که درهفتهگذشته سادات خائنپاداش خیانت خود را بهاستقلال وآزادی مردممصر وآرمانضدامپریالیستیو ضدصهیونیستیمردم عرب دریافت نمودوبدست میهنپرستانمصر بگور فرستاده شد .

اوج جنبشهایاعتراضی ونیز نابودیساداتنشانههایطلیعهرستاخیز مردمدراپندهٔ نزدیک است .

برایبدست دادنتصویری روشن از مصر ، در زیرخلاصه ای از تحلیل حزب کمونیست مصردرباره اوضاع کنونیاین کشور از نظر خوانندگانگرامی میگذرد .

●

حکومتکنونی مصر ، که به امپریالیسم آمریکاوبهمحافلاسرائیلی وابستهاست ،در این اواخر تدابیر جدیدی را برایانابودکردن مخالفان رژیم ،مخالفان قرارداد کمپدیویدو "عادیساختن "روابط با اسرائیل ، مخالفان حضورنظامی آمریکا ومنفرد شدن مصر درجهانعرب و تخریب مناسباتحسنه با اتحادشورویودیگر کشورهایسوسیالیستی اتخاذ کرده است .اینسیاست رژیممصر موجب وابستگی کامل کشور به امپریالیسم آمریکا در زمینههایسیاسیواقتصادی شده ومنجر به اطاعت بیچون وچرا ازتمایلات و خواست های اسرائیل گردیدهاست .یکی ازاین خواست ها نابودکردن هرگونه مخالفت داخلیو خفهکردن هرصدای مخالف باسیاست اسرائیل وحتی با اندیشهصهیونیستی است .

پس از کودتای ماهمه۱۹۷۱رژیم کنونی میکوشد تادستاوردهایانقلاب ۲۳ژوئیه را از بین ببرد و همه اقدامات وتدابیرترقیخواهانهرانیست ونابودکند .اقتصادملی ما در حالت ورشکستگی بهسر میبرد . سیلکالاهای خارجی بهسوی مصر روان است و انحصارات چند ملیتی سلطهٔ خود را برشئون مختلف اقتصادیکشوراستوار کردهاند .

رژیممصر برای کامیاب ساختن اینتوطئهٔ جنایتکارانهخود ، بندازپای نیروهایارتجاعیبرداشته است ،به سازمان موسوم به "اخوانالمسلمین" و همهسازمانهای ارتجاعی ،کهباانقلاب ۲۳ژوئیهودستاوردهای آن مخالفند آزادیاجتماعات وتشکیلات واطلاعات عطاکردهاست .هدف دیگر اینسیاست رویاروئی بانیروهای مترقیاست ، که پیوند خودرا با امر استقلال ملی و دستاوردهایانقلاب وحفظ مصر در بطن جهانعرب آشکارا اعلامکردهاند وازحقوقتودههایزحمتکشدفاعمیکنند بههمینانگیزهاست که رژیمسادات به گروه "اخوانالمسلمین" آزادیفعالیت بهویژه در میان جوانان ودانشگاه ها عطاکردهاست .

مسئولیت برخوردهائیکه بین قبطیها ومسلمانان دریکی ازمحلات قاهره (الزاویه الحمراء) روی داده است ،همانطورکهکلیهگروههایمخالف تائیدکردهاند ،بطورکاملبردوشحزب حاکم ،حزبملی دمکراتیک ، بریاست سادات ،سنگینیمیکند ،همینطوربرـ خوردهای قومی دیگری کهدراسکندریه والسیوط رخداده ، بهعلت روش حکومت وکوشش او بخاطر منحرف کردن اذهان ملت از مسائل اساسی مردمعادی یعنی از وضع دشوار اقتصادی ،گرانی سرسامآور ،تدلیس واختلاس توسط باند حکومتی و اطرافیانآن وهمچنینانحرافاذهان ازوابستگی کامل مصر به امپریالیسم آمریکاوایجادپایگاههایامریکائی و از تجاوز بهجنبشهای آزادیبخشعربی وافریقائی و تهدیدهای دائمی علیه لیبی بودهاست .

تدابیری کهاخیرا حکومت مصر زیرعنوانوبهبهانهازبین بردنبرـ خوردهای قومی اتخاذکرده ، هدفی جزنابودی گروههای مختلف مخالفان حکومت راتعقیب نمیکند . هنگامیکه منابع دولتی اعلام میکنند که ۱۵۰۰ تن رادستگیرکردهاند ،منابع مخالفان عدهدستگیرشدگان رابیش از ۵۰۰۰ ذکر میکنند .این دستگیر شدگان که بهگرایش هایمختلف سیاسیتعلق دارندعبارتنداز :کمونیستها ،ناصر ـ یستها ،وفدیستها ،مستقلها و جریاناتمذهبیآنهامتعلقبهلایه ها و اصنافمتفاوتندرهبرانسندیکایی ، کارگران ، دانش جویان ، وکلای دادگستری ،پزشکان ،استاداندانشگاه جوانان ، زنان ،افرادی ازچهارگوشه کشوردرمیانآناندیدهمیشود .

کاربههمینجا خاتمهنمیپذیرد سادات تصمیم گرفتهاست کهامتیاز انتشار چندین روزنامهومجلهراحذف کند .ازآنجملهاست روزنامه "الشعب" سخنگوی حزب کارسوسیالیستی ، یعنی تنهاتریبون مخالفان ،که تا کنون مجاز شمردهمیشد .قبل ازآن ، از راهتوقیفهای پیاپی ، روزنامهٔ "الاهالی "راعملا بستهبودند .این روزنامه سخنگوی حزب اتحاد ملی ترقیخواه وحدتطلب بود . ازآن گذشته ،تدابیر سادات انتقال عده زیادی از روزنامهنگاران به پست ـ های اداری فاقد هرگونهارتباط با تودهٔ مردم وممنوعیتآنهاازنوشتن وابرازعقیدهرادربرمیگیرد .بهمنظور فلجکردنمخالفان خود ، سادات دستور دادهاستکهاموال ومتعلقات گروهی از افراد ،سازمانها ونهادها را مصادره کنند . عدهایازاستادان دانشگاه از مناصب خود معزول شدهاند ،زیرا با "عادی ساختن" روابط با اسرائیل مخالف بودهاندو نمیخواستند هیچگونه مذاکره و ارتباطی با دانشگاههای اسرائیل داشتهباشند .

عملخطرناکترساداتآناست کهآداب ورسوم کلیسای ارتدکس مصر را زیر پا گذاشته ،پاپچنودا ، رهبرروحانیمارک مقدس و رهبر کلیسا را از منصبخودمنفصل کرده است .اینااقدام یکمداخلهغیرقابل قبول درامورکلیسااست ،کهرهبرآن انتخابیاست .سادات همچنینپاپ چنودا را بهاقامتاجباری در یکیاز صومعههای مصر واداشتهاست ، که این عملمساوی بازندانی کردن اوست .یکچنیناقدامی نتیجه ای جز فتنهانگیزی بین مسلمانان و مسیحیان نخواهدداشتوبرخوردـ هایقومی راتشدید خواهد کرد .

هدف رژیم از این عمل غوطهور ساختن کشور در نفاق و دودستگی وانحرافتوجه مردمعادیازمسائل اساسیکشوروادامهسیاست سرکوب وترور علیهمخالفان رژیم وسیاست داخلی وخارجی آن ووابستگیآن بهامپریالیسمامریکاست .مقصود از تمامتدابیر سادات آنست که مانع پیشروی قاطعانه احزاب و سازمان ـ هاوشخصیتهای مخالف دولتومانع ازهمکاری آنانبرایتشکیلیکجبهه نجاتمیهنبشود .هدفاین اعمال رژیممانعتازایجادجبههٔ میهنی ودمکراتیک است .

حزبکمونیست مصر اولین سازمانیاستکهدرمصربارژیمسادات مخالفتکرده وازهمانآغازنقشههای رژیمرابهمنظور وابستهکردن مصر به امپریالیسمآمریکا و نابود کردن استقلال اقتصادی وتبدیل آن به عامل فرمانبردار سرمایهداری انحصاری جهانی فاش کردهاست .

حزبکمونیست مصر نخستین سازمانیاست کهبرای تشکیل یک چنین جبههمیهنی ودمکراتیکی ،که قدرت را از حکومت کنونیبازستاند کوشیدهاست وخواهدکوشید .

بنیادهای ...

بقیهازصفحه۶

رادرامورکشاورزی با کشور شما افزایش دهیم " (۱۳) .

ومعاون وزیردارائی رومانی در تشریح بیشتر این موضوع ، درگفتگویی باخبرنگار خبرگزاری پارس،گفتهاست :

"مبادلات بیندوکشورپایاپای خواهد بود و براین اساس رومانی میتواند بهایرانکالاهایسرمایهای : تراکتور ، ماشینآلات کشاورزی ،لوازم یدکی ،مواد دارویی و پلاستیکی صادر کندودرمقابلازایراننفت ،منسوجات ، خشکبار ، پنبه وکلوخههای معدنی وارد کند " (۱۴) .

بطور حتم گسترش چشماندازـ هایی ازاینگونه ، هم در هموار کردن راه استقرار اقتصاد کشاورزیمستقل ، مردمیوخودکفا بسیارمؤثرخواهد بود و هم درکل موجباتتحکیم هرچه بیشتر انقلابواستقلال کشور را فراهمخواهد آورد .

همچنانکه در ابتداگفته شد ، استقرار اقتصاد کشاورزی مستقل ، خودکفا و مردمیمستلزم بکارگیری به موقع وهماهنگ اصولبنیادین سیاست نوینوانقلابیکشاورزیاستوتثبیت و تحکیم وگسترش انقلاب و یا تضعیف انقلاب ارتباط مستقیم با تسریع یا تأخیر در بکارگیری اصول بنیادین دارد .لذا باید با واقع بینی انقلابی و باقاطعیت و با سرعت انقلابی وبخاطر تثبیت و تحکیم وگسترش انقلاباصول فوق را به طورکامل بکارگیریم .

زیرنویسها :

(۱)و(۲) ،کتاب " جنبش های رهاییبخش خلقهایعرب " ، صفحات ۴۱ و۴۲

(۳) ،همانجاصفحه۳۹

(۴) ،همانجا صفحه۳۷

(۵) ،همانجا صفحه۴۱

(۶)و(۷) ،همانجا صفحه۳۶

(۸)و(۹) ،همانجا صفحه۷۲

(۱۰)و(۱۱) ،همانجاصفحه۷۴

(۱۲) ،روزنامهاطلاعات ، ۳۰ شهریور ۱۳۶۰ ،صفحه۲

(۱۳)و(۱۴) ،روزنامهاطلاعات ۹ مهر ۱۳۶۰ ،صفحه۲

باتحکیم وتقویت صف متحد نیروهای مردمی وضدامپریالیستی جبهه‌متحدضد انقلاب رادرهم شکنیم!

احزاب، جمعیت ها، سازمان ها و...

اعلامیهٔ مشترک سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه (ایگد) ، فدراسیون جوانان دمکرات عراق و سازمان جوانان تودهٔ ایران

تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی از توطئهٔ امپریالیسم، به سرکردگی آمریکای جنایتکار، برای براندازی انقلاب ایران است

درجهان امروز، میان امپریالیسم وارتجاع ازیکسو وخلق های جهان، که برای صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی وسوسیالیسم می رزمند از سوی دیگر، مبارزه ای حاد در جریان است. امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، باتشدید تجاوزگری، گسترش سلاحهای مخرب وایجاد مناطق تشنج وبحران، صلح جهانی و بقای بشریت رامورد تهدید قرار میدهد. درچنین شرایطی، جوانان ما همبستگی عمیق خود را با مبارزه کشورهای سوسیالیستی، به ویژه اتحاد شوروی، نیروهای مترقی کشورهای سرمایه داری وجنبش های رهائی بخش ملی در راه کاهش وخامت اوضاع بین المللی، صلح وترقی اجتماعی اعلام میدارندودوش به دوش همه خلق های صلح دوست برای شکست توطئه های امپریالیسم می جنگند. نسل ما نسل پیروزی های بزرگ خلق ها است. ما به همراه دیگر جوانان مترقی جهان، که در فدراسیون جهانی جوانان دمکرات متحد شده اند، حمایت قاطع خویش رااز جوانان وخلق هائی که علیه امپریالیسم می رزمند وعزم راسخ خودرابرای مبارزه در راه صلح، دمکراسی وترقی اجتماعی اعلام میداریم.

منطقه ما ــ خاورمیانه ــ دراین مبارزه جای مهمی دارد. امپریالیسم به منظوراعادهٔ مواضع از دست رفته اش وتداوم سلطه وغارتگری، سیاست تجاوزکارانه اش را در منطقه تشدیدکرده است. طرحهای خرابکارانه وجنایتکارانه امپریالیسم شکل های مختلفی به خودمی گیرد: توطئهٔ کمپ دیوید، حضورمستقیم نظامی در خلیج فارس و در پایگاه های ترکیه، مصر، سومالی، عمان، دیه گوگارسیا، عربستان سعودی وغیره. امپریالیسم دراجرای طرحهای خود بر اسرائیل ودیگرنیروها و رژیم های ارتجاعی منطقه متکی است ومی کوشد، تا از طریق انعقاد پیمان های نظامی و سیاسی، این طرحهارا به پیش برد. تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران جزئی ازتوطئه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، برای بر اندازی انقلاب ایران است.

جوانان ما همبستگی خود رابا مردم وجوانان فلسطین، به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، در مبارزه برای تعیین سرنوشت واستقرار دولت مستقل فلسطین، باپیکار مردم وجوانان مبارز لبنان و با مبارزهٔ مردم وجوانان کشورهای منطقه خلیج فارس اعلام می دارند.

مادستاوردهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن را می ستائیم.

ما ازتلاش های کشورهای جبهه پایداری در دفع تهاجمات امپریالیسم، صهیونیسم وارتجاع حمایت می کنیم.

مادستاوردهای مردم وجوانان افغانستان رامی ستائیم.

ماهمبستگی خودرا بامبارزات مردم وجوانان قبرس اعلام میکنیم.

دیکتاتوری نظامی حاکم بر ترکیه، از ۱۸ سپتامبر ۱۹۸۰ تاکنون، سیاست سرکوب وستم رابرمردم و نیروهای مترقی ترکیه اعمال می کند. داردسته نظامی هوادار امپریالیسم وانحصارات، به بهانهٔ مقابله باتروریسم "چپ" وفاشیسم، لبه تیز تهاجمات خویش را علیه طبقه کارگر، خلق کرد، جوانان ترقی خواه وهمه نیروهای دمکرات متوجه ساخته است. دستگیری های خودسرانه، شکنجه، محاکمه های غیردمکراتیک، سلب حقوق شهروندان، ستم وتعقیب، روزبروز گسترش می یابد. ولی، سازمان جوانان ترقی خواه ترکیه (ایگد)، علیرغم این تهاجمات سبعانه، به مبارزه در راه تامین حقوق جوانان، دمکراسی، استقلال ملی، صلح وترقی ادامه می دهد. جوانان مترقی ودمکرات منطقه و جهان همبستگی خویشرا با مبارزه دمکراتیک مردم وجوانان ترکیه افزایش می دهند.

انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی ایران، سرآغازتحولات مهمی درکشور ومنطقه به نفع نیروهای مترقی گردید. مردم ایران با از خودگذشتگی های عظیم، رژیم پهلوی را سرنگون کردندو به نقش آن به مثابه "ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه" پایان دادندوبدینسان به جنبش های رهائی بخش منطقه یاری رسانیدند. امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، از بدو پیروزی انقلاب ایران تلاش برای براندازی آن را آغازکرد ودراین راه بدون وقفه به توطئه های نظامی، اقتصادی و سیاسی علیه انقلاب ایران دست یازید. امپریالیسم به پیروی از شعار قدیمی امپریالیستی "تفرقه بینداز و حکومت کن" می کوشد تاصفوف متحد خلق را ازهم بپاشد. ماایمان داریم که مردم وجوانان ایران برهمهٔ موانع پیروز خواهند شد و راه انقلابی خویش را ادامه خواهند داد.

مردم وجوانان عراق با تجاوزات ددمنشانهٔ فاشیستی علیه جان هزاران تن ازبهترین پسران و دختران میهن مواجهند. مردم و جوانان عراق در راه آرمانهای عادلانه خویش، سرنگونی رژیم استبدادی تروریستی واستقراریک دولت ائتلاف میهنی، به منظورتامین دمکراسی برای عراق وخودمختاری برای کردستان عراق می رزمند. مردم وجوانان عراق بنبردی قهرمانانه و افتخار آفرین دست می زنند وازهمه شکل های مبارزه ازجمله مبارزه مسلحانه، برای نیل بدین آرمانهای انسانی بهره می جویند اتحاد همه نیروهای میهن دوست، ملی ودمکرات عراق سلاحی است قاطع در دست مردم عراق در مبارزه برای نیل به پیروزی قطعی.

ماجوانان منطقه را به تشدید مبارزه برای تامین حقوق عادلانهٔ خلق های منطقه فرامی خوانیم!

زنده باد همبستگی جوانان و خلق های ما!

زنده باد همبستگی جهانی ضدامپریالیستی، صلح ودوستی!

سازمان جوانان ترقیخواه ترکیه

فدراسیون جوانان دمکرات عراق

سازمان جوانان تودهٔ ایران

نیمهٔ ژوئن ۱۹۸۱

بازداشت شدگان مصری عضو شورای جهانی صلح را آزاد کنید!

حوادث ماههای اخیر نشان می دهدکه توده های وسیع مصردر مخالفت باقراردادننگین کمپ دیوید و عواقب نکبت بار آن پیوسته بیشتر و انبوه تر به میدان مبارزه روی می آورند، آنهاکناره گیری مصر را ازجبهه مشترک ضدصهیونیستی وتنها گذاشتن مردم آوارهٔ فلسطین را در رویارویی با اسرائیل غاصب همچون خیانتی آشکار محکوم می کنند. آنان نمی خواهندکشور خود را جولانگاه غارتگری سرمایه های انحصاری و شرکتهای چند ملیتی همدست اسراییل یاپایگاه سلطهٔ نظامی ــ سیاسی امپریالیسم آمریکا درمنطقه ببینند. آنها نمی خواهند بیش از این شاهد انهدام دستاوردهای انقلاب رهایی بخش ناصری باشند.

به همان اندازه که موج مخالفت با سیاست ضد ملی ونظامیگری افسارگسیختهٔ سادات معدوم وبندوبستش با امپریالیسم جهانخوار آمریکاواسرائیل بالامی گرفت، برخشونت سرکوب ازسوی رژیم وبرشمارزندانیان افزوده می شد و سازمانهای اجتماعی، سیاسی، سندیکایی، دینی و فرهنگی بیشتری منحل اعلام می شدند.

درپی انحلال "شورای صلح مصر" که چندی پیش به دستور سادات صورت گرفت، اخیرا تنی چند از اعضای مصری "شورای جهانی صلح" نیز بازداشت گردیدند. ازآن جمله اند:

شیخ مصطفی علی، روحانی مسلمان، مبارز سندیکایی، عضو موسس شورای صلح مصر،

محمدفهیم امین، قاضی، عضو شورای قضات که بتازگی منحل اعلام شد،

نبیل الهلالی، قاضی، عضو شورای قضات،

محموداحمدالقادی، استادسابق دانشگاه اسکندریه، نمایندهٔ سابق مجلس،

محمودالنقیلی، قاضی،

لطفی الخولی، عضوشورای اتحادیهٔ روزنامه نگاران، نویسنده، سردبیرمجلهٔ توقیف شدهٔ الطلیعه، عضوکمیته مرکزی حزب اتحادترقیخواه ملی ــ مورد پیگرد پلیس مصر ــ،

حسین فهمی، نویسنده، روزنامه نگار، عضوکمیته مرکزی حزب اتحاد ترقیخواه ملی ــ مورد پیگرد پلیس مصر ــ،

عبدالسلام الزیات، معاون سابق نخست وزیر، رئیس انجمن دولتی مصر با اتحادشوروی که اخیراازسوی سادات منحل شده است،

لطیفه الزیات، استاددانشگاه، رئیس کمیته مصری دفاع ازفرهنگ ملی،

دکترمیلادهانا، استاددانشگاه،

دکترمحمداحمد خلف الله، معاون سابق وزارت فرهنگ،

دکتر فوادمورسی، اقتصاد دان، استاد سابق دانشگاه، وزیر سابق،

حامدزیدان، روزنامه نگار، سردبیرهفته نامه الشعب (که اخیرا بدستور سادات توقیف شده است)، عضو کمیته مرکزی حزب کارگری.

"جمعیت ایرانی هواداران صلح" سیاست سرکوب میهن دوستان ومبارزان راه استقلال مصر ومخالفان توطئهٔ آمریکایی ــ اسرائیلی کمپ دیویدراقویا محکوم می کندوخواستارآزادی فوری همه رزمندگان زندانی بویژه اعضای مصری شورای جهانی صلح می باشد.

جمعیت ایرانی هواداران صلح

۱۳۶۰/۷/۱۸

هشدارکمیتهٔ مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران (پیرو کنگرهٔ چهارم) دربارهٔ:

فعالیت های ضد انقلابی فئودالها و خوانین در آذربایجان غربی

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) طی اعلامیه ای نسبت به اقدامات ضدانقلابی فئودالهاو خوانین در منطقهٔ کردنشین آذربایجان غربی هشدارداد. درقسمتی ازاین اعلامیه آمده است:

"گذشت پانزده ماه نشان میدهد که قاسملو وگروههای متحدش بر خلاف ادعاهای عوامفریبانه شان، نه تنها دشمن امپریالیسم، دشمن آمریکاودشمن رژیمهای ارتجاعی ودیکتاتوری نیستند، بلکه عملا باآنها درسنگرواحدی قرار گرفته اندومنطقهٔ تحت نفوذ آنهاجدااز مناطق اشغالی وسیله فاشیستهای بعث و جدا از پایگاه های امپریالیسم درمنطقه نیست.

دمکراتهای راستین، از آنجا که پیروزی برامپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا را زمینه سازتامین استقلال واقعی واجرای هر گونه تغییرات بنیادی اقتصادی واجتماعی ارزیابی کرده و تحقق هرگونه خواست روای انسانی وملی راتنها و تنها در گرو طردنفوذ امپریالیسم وایادی منطقه ای وداخلی اش می دانند، ازاین روازاعلام نظریات ومواضع به بعد، عملا هرگونه گرایشات انحرافی و تنگ نظرانه راکنارگذاشته و به عنوان یکی ازنیروهای اصیل مبارزه با شیطان بزرگ رامقدس ترین ومهمترین وظیفه خودتلقی می کنند. درتعقیب این هدف پر ارج است که طی این مدت اعضاء وهواداران ماازجانب ضدانقلاب انواع شکنجه ها، حبس، تبعید واعدام را پذیرا شده اند.

پیروان کنگره چهارم از ۲۵ خرداد ۵۹ تمامی توش وتوان خود رابدون قید وشرط درخدمت پیروزی انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی ودرخدمت جمهوری اسلامی قرارداده اند.

متاسفانه نقش نفاق افکنانه ضدانقلاب کمین کرده در دستگاههای حساس جمهوری اسلامی ونقش ترمزکنندهٔ لیبرالهامانع ازآن شد که از نیروی مردمی دمکراتهای راستین واز اعلام موضع ما استقبال شود...

میدانهای نبرد باضدانقلاب مدعی حمایت از حقوق خلق کرد ــ باند قاسملو وگروهکهای انقلابی نماازسلماس تا اشنویه ثابت کرد که دمکرات های راستین نه درحرف بلکه درعمل آمادهٔ جانبازی در راه انقلاب وآماده پاکسازی منطقه ازگروهکهای بعث زده و آمریکا زده هستند.

پیروزی های کم سابقه درکوتاه ترین مدت وباحداقل تلفات نشان می دهد که اگر از روز اول به دمکرات های راستین، به نیروهای واقعامدافع انقلاب وبه مردم درطرد باندهای خیانت پیشه تکیه می شد اثری ازضدانقلاب ومتحدین بعث و آمریکا دراین منطقه نبود.

متاسفانه هنوز دستهای ناپاکی علیه وحدت عمل ومبارزه مشترک نیروهای مدافع انقلاب سم پاشی می کنند و تخم شک وتردید می کارند.

کم نیستند فئودالهاوخوانینی که بنا به ماهیت ضد مردمی خودجهت مقابله باانقلاب مستضعفین ایران تازه، در فکر ایجاد شورای عشایری درمنطقه کردنشین آذربایجان غربی می باشند، تاضمن ضربه زدن به وحدت نیروهای راستین مدافع انقلاب دوباره بساط قلدری راپهن کرده وبردهقانان، یکی از ستونهای مهم انقلاب زورگویی کنند. بدون شک گردانندگان چنین شورایی راکسانی تشکیل می دهندکه سابقه وابستگی آنها با طاغوت ودستگاه های خبرچینی اش سابقه دشمنی آنها باانقلاب، سابقه آواره کردن هزاران خانوادهٔ دهقان محروم وسیلهٔ آنها برکسی پوشیده نیست.

ماضمن هشدار به مسئولین صادق جمهوری اسلامی ایران درزمینه این توطئه، ازدهقانان وارثین اصلی زمین و صاحبان انقلاب می خواهیم بیش ازپیش متحدو آگاهانه عمل کرده و از استقرار مجددخان خانی گری جلوگیری نمایند.

درشرایطی که مجلس شورای اسلامی اجرای قانون اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام بزرگ مالکی را به میان می کشدوگفته تاریخی امام: "ما مالکین بزرگ رابه پای میز محاکمه می کشیم"، زینت بخش روزنامه ها می گردد. در شرایطی که میلیونهاومیلیونها دهقان خان گزیدهٔ محروم خواستار کوتاه کردن دست بزرگ مالکان می گردند، متاسفانه هستند عناصری که ازتجربه تلخ مسلح نمودن فئودالها درس لازم رانگرفته اند. بدون شک احیا ومسلح نمودن خانها عملی است نه درجهت تامین منافع انقلاب مستضعفین، نه درجهت توجه به تاکیدات مکرر امام خمینی که: "انقلاب انقلاب مستضعفین است" بلکه عملی درست درجهت عکس آن است...

باید ازتجربهٔ همکاریهای پیروزمندانه اخیر درجهت گسترش هر چه بیشترهمکاری نیروهای مردمی بانهادهای انقلابی بهره گرفت. باید با وحدت وتجهیز هرچه بیشترمدافعین راستین انقلاب، با برآوردن خواستهای روای مردم کردستان بر مبنای پیام تاریخی ۲۶ آبان ماه امام خمینی، با برآوردن خواست توده های دهها میلیونی مستضعف ومردم، ضدانقلاب را خلع سلاح کرده وپایگاههای داخلی آن را متلاشی ساخت.

شکست باند قاسملو و متحدین رنگارنگش، پیروزی انقلاب ونیروهای مردمی درکردستان است.

به پیش درجهت تحکیم هر چه بیشتروحدت نیروهای مدافع انقلاب!

کمیتهٔ مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران (پیروکنگره چهارم)

۱۳۶۰/۶/۲۲

امپریالیسم جنگ طلب آمریکا مسابقهٔ تسلیحاتی را تشدید می‌کند

برتپانچه و تفنگ گاوچران سابق هالیود و "کاخ سفیدنشین" امروزین، اکنون تبر و تیشه نیز افزوده شده است که ریگان، بکمک آنها، بجان بودجهٔ رفاهی آمریکا افتاده است. بیهوده نیست که چندین هفته‌نامهٔ آمریکایی، از جمله "یو. اس. نیوز اند ورلد ریپورت"، "تبر" را مظهر سیاست بودجه دولت ریگان جلوه گر ساخته‌اند.

دولت ریگان در چارچوب به اصطلاح برنامه "احیای اقتصادی" و به بهانه مبارزه با تورم تدابیر وسیعی برای کاهش مصارف بودجه بمیزان ۴۹۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ اندیشیده است.

البته تبر دولت جمهوریخواه ریگان بیکسان متوجه همه گستره‌های اقتصادی نشده و برنامه‌های رفاهی تقریبا تنها هدف آن بوده است. رونالد ریگان خیلی پیش، یعنی در سخنرانی ۲۸ دیماه ۱۳۵۹ (۱۸ فوریه ۱۹۸۱) در اجلاس مشترک "سنا" و "مجلس نمایندگان"، "وزارت‌خانه‌هایی را برشمرد، که در نظر داشت بودجهٔ آنها را کاهش دهد. وی صریحا یادآور شد که، تنها "وزارت دفاع" نه فقط از این برنامه کاهش ایمن خواهد ماند، بلکه مصارف آن حتی افزایش خواهد پذیرفت.

دولت کنونی آمریکا پس از بازبینی بودجه نظامی دولت کارتر تصمیم گرفت که در "ترمیم" آن، به افزایش هنگفت این مصارف دست زند. در نتیجه مصارف نظامی در سال مالی جاری بالغ بر ۱۸۰۷۰۰ میلیون دلار خواهد شد. چنانکه کاسپار واینبرگر، وزیر دفاع آمریکا، در گزارشی به "سوکمیسیون دفاع کمیسیون تخصیصات مجلس نمایندگان" اظهار داشت، بودجهٔ نظامی امسال ۴٪ فزونتر از بودجه مشابه، دولت پیشین خواهد بود. دولت آمریکا برای سال ۱۹۸۲ درخواست افزایش بودجه نظامی را به میزان ۴۶۰۰۰ میلیون دلار دارد، که کل بودجه نظامی آن کشور را به رقم بی سابقه ۲۲۶۳۰۰ میلیون دلار خواهد رساند. بگفته واینبرگر، بودجه درخواستی ۱۵٪ بیش از پیکره ۱۹۸۱ خواهد بود.

دولت ریگان نه تنها برای سال آینده، بلکه برای سالهای بعد نیز افزایش پیوسته بودجه نظامی را در نظر گرفته است.

برای نمونه، انتظار می‌رود که بودجه نظامی آمریکا در سال ۱۹۸۴ به ۲۴۹۸۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۸۶ به ۳۶۸۰۰۰ میلیون دلار برسد، که دو برابر پیکره فعلی خواهد بود.

تا اینجا تنها به جنبه کمی یا حسابی سیاست بودجه دولت ریگان پرداختیم. اما پیکره‌های نامبرده نمی‌توانند کیفیت مرحله جدید مسابقهٔ تسلیحاتی را، که این دولت درصدد آغاز آنست، به طور کامل منعکس نمایند. تنها یادآور می‌شویم که در سال ۱۹۶۵، یعنی در اوج جنگ ویتنام، بودجه نظامی ایالات متحدهٔ برابر با ۴۷۴۰۰ میلیون دلار بود. بنابراین تنها "افزایش" بودجه ۱۹۸۲ "پنتاگون" نسبت به ۱۹۸۱ تقریبا کل بودجه ۱۷ سال پیش آنرا می‌پوشاند. حتی با در نظر گرفتن تورم، مصارف نظامی کنونی چندین برابر ارقام مشابه در سالهای ۶۰ می‌شود. مثالی دیگر می‌زنیم: در حالیکه در سالهای ۱۹۶۸ – ۱۹۵۹، ایالات متحده ۵۵۱۰۰۰ میلیون دلار به مصارف نظامی اختصاص داد، در دوران ۱۹۸۶–۱۹۸۲ که طول آن نیمی از سالهای نخستین است، این مصارف بالغ بر ۱۳۰۰ میلیارد دلار خواهد بود.

دولت کارتر در بودجه سال مالی ۱۹۸۱، ۲۴/۱۰٪ مصارف دولتی را برای "وزارت دفاع" و دیگر نهادهای تسلیحاتی در نظر گرفته بود. اما دولت ریگان، در چارچوب سیاست نظامیگری شتابان خویش، در سال ۱۹۸۴ این درصد را به ۳۲/۴ خواهد رسانید.

اکنون باید پرسید که: این میلیارد–ها دلار به چه مصارفی خواهد رسید؟

واینبرگر در اینباره بی‌پروا سخن گفته است. بگفته او، بخش اعظم آنها برای "امروزین سازی نیروهای هسته‌ای ما" بکار خواهد رفت. واینبرگر در این زمینه بویژه از موشک‌های "کروز" نام برد و پشتیبانی کامل خویش را از موشک های "ام. اکس." نیز یادآور شد. در سال ۱۹۸۲، ۲۶۰۰ میلیون دلار برای این سیستم موشکی بکار خواهد رفت. فزون بر این، دولت آمریکا خواستار ۲۴۰۰ میلیون دلار دیگر برای تولید بمب افکن استراتژیکی جدید در سال ۱۹۸۲ شده است. چنانکه می‌دانیم نقشه‌های دولت آمریکا برای تولید و استقرار جنگ افزار–های نوترونی در اروپای غربی دیگر رازی گشوده است.

درپس این به اصطلاح نقشه‌های "امروزین سازی" چیزی جز کوشش برای افزایش توان هسته‌ای ایالات متحده نهفته نیست. "واشنگتن" هنوز اندیشهٔ برهم زدن تعادل نظامی – استراتژیک میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا، میان "پیمان ورشو" و "ناتو" را در سر می‌پرورد و خواهان کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی است. چنانکه واینبرگر در یکی از سوکمیسیون های مجلس نمایندگان آمریکا بصراحت اعتراف کرد، بنظر او، در زمینه تمرکز دریایی هرگونه "برابری" و "تعادل" بی‌معنی است. به عقیده واینبرگر، برتری دریایی آمریکا شرط لازم حفظ امنیت این کشور است. از سوی دیگر، دنیل گریهام، رئیس پیشین "دایره جاسوسی نظامی" و مشاور نظامی ریگان، در مصاحبه‌ای با "واشنگتن استار" خواستار "برتری نظامی" آمریکا در کیهان شد.

بعضی از اقلام بودجه جدید نظامی مبالغ هنگفتی را برای تامین حضور نظامی آمریکا در دوردست‌ترین نقاط جهان، از جمله در خاورمیانه، خلیج فارس و آسیای جنوب خاوری، در بر می‌گیرد. بهانهٔ امپریالیسم آمریکا حفظ به اصطلاح "منافع حیاتی" آنست. اما نگرشی نزدیکتر بر این سیاست نشان می‌دهد، که "واشنگتن" در واقع برای پیشبرد هدف–های برتری جویانه و نظامی–استراتژیک خود و دستبرد به منابع طبیعی دیگر کشورها تلاش می‌ورزد، بی–دلیل نیست که الکساندر هیگ، وزیر خارجه آمریکا، در جلسه "کمیسیون امور خارجی مجلس نمایندگان"، در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۵۹ (۱۸ مارس ۱۹۸۰) بضرورت کمک نظامی به "یاران" ایالات متحده اشاره کرد، که از "نزدیکی جغرافیایی به منابعی که اقتصاد ما نیازمند به آنست، برخوردارند". وی گفت:

"هدف از بودجه نظامی ترمیم یافته فعال سازی نیروهای مسلح و بازسازی توانایی ما برای دفاع از منافع حیاتی ماست".

بنابراین نباید در شگفت بود که در ۱۹۸۲، ۲۵۰۰ میلیون دلار تنها برای تامین عملیات آتی سپاه ۲۰۰ هزار نفری "واکنش سریع" در نظر گرفته شده است.

هدف از اسراف هزاران میلیون دلار برای مصارف نظامی از سوی دولت ریگان چیزی جز تسریع مسابقهٔ تسلیحاتی، برتری جویی، تدارک نظامی و شانتاژ هسته‌ای نیست.

نه آنکه رونالد ریگان نمی‌داند هزار میلیارد دلار چقدر است، وی در سخنرانی در کنگره گفت:

"یک تریلیون دلار، یعنی به طول ۶۷ میل از اسکناس‌های ۱۰۰۰ دلاری"! توصیف "تصورناپذیر" ریگان همان اندازه در باره اسراف خروارها پول مورد نظر او صدق می‌کند که پیرامون سیاست آشکارا تجاوزکارانه دولت کنونی آمریکا در سراسر جهان که البته سردمداران این کشور امپریالیستی گستاخانه منکر آنند.



دو ابرقدرت (بقیه)

بقیه از صفحه ۳

برقرار کند و بدین وسیله آمریکا را از راه اروپا به ایران بازگرداند. بنی صدر نیز مانند همه دیگر لیبرال‌ها طرفدار سیاست "موازنه منفی" بود، تا بدینوسیله راه بازگشت امپریالیسم (اروپای غربی در وهلهٔ اول و سپس آمریکا را) هموار سازد.

سیاست موازنهٔ منفی

سیاست "موازنهٔ منفی" مبتنی است بر نظریهٔ "دو ابرقدرت"، مبتنی است بر فرض وجود دو دشمن، که نباید بسود یکی به دیگری امتیازی داد، بلکه باید از هر دو به یک سان دوری جست، خصومت را میان آنها به یک سان تقسیم کرد.

در ایران سه بار این سیاست مطرح شده است، بدوران آغاز حکومت رضاخان به وسیلهٔ مرحوم سید حسن مدرس، به دوران حکومت دکتر مصدق بوسیلهٔ عناصر وابسته به "جبههٔ ملی" و بدوران دولت "گام به گام" بوسیلهٔ لیبرال–های خط برژینسکی. ولی مضمون و هدف این سیاست "موازنهٔ منفی" در دوران‌های سه‌گانهٔ نامبرده، یکی نبوده است.

مضمون و هدف سیاست "موازنهٔ منفی"، که مدرس مطرح ساخت، بطور عمده ضد انگلستان ضد استعمار انگلستان، ضد سیاست دنباله‌روی و فرمانبرداری از انگلستان بود. رضاخان را انگلیس‌ها با کودتای نظامی بروی کار آوردند و او بعنوان عامل انگلستان خصم شوروی و لذا سیاستش ضد شوروی بود. انگلستان می‌خواست ایران را به صورت یکی از حلقات زنجیر "کمربند صحی" ضد شوروی درآورد و درآورد. مدرس، با طرح سیاست "موازنهٔ منفی" برعکس در نظر داشت که انگلستان بعنوان دشمن اصلی شناخته شود و نوک پیکان مبارزهٔ سیاسی دولت ایران متوجه انگلستان گردد. از این دیدگاه سیاست "موازنهٔ منفی"، که مدرس در آن شرایط مطرح می‌ساخت، سیاستی مترقی، رزمنده و مثبت بود.

در دوران مصدق، سیاست "موازنهٔ منفی" مضمون دیگری داشت. در آن زمان انگلستان به عنوان دشمن اصلی شناخته شده بود و مبارزه علیه این دشمن جریان داشت. شوروی در عوض در میان مردم ما دشمن شمرده نمی‌شد، زیرا جنگ دوم جهانی تمام تبلیغات ضد شوروی دوران رضا خان را برباد داده بود. و اما آمریکا هنوز چیزی شبیه دولتی "دمکرات" و "خیراندیش" و مخالف استعمار در اذهان بسیاری از ایرانیان بود. در چنین شرایطی، مضمون سیاست "موازنهٔ منفی" ضمن مبارزهٔ رهائی بخش علیه انگلستان، خصومت بی جهت و مضر علیه شوروی، در عین صاف کردن جاده برای آمریکا بود. این سیاستی بود که از یکسو دشمن موهومی می‌تراشید و از سوی دیگر دشمنی را به عنوان دوست پذیرا می‌شد. این سیاست، قطع نظر از نیت طراحان ایرانی آن، در عمل سیاستی به سود آمریکا بود. در عمل هم مشاهده کردیم که خودداری دولت مصدق از ایجاد و پذیرش مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی و دیگر کشور–های سوسیالیستی، در عین مبارزه با انگلستان و در اواخر رودررو ئی با آمریکا، باعث انزوای ایران و شکست جنبش گردید.

در شرایط کنونی سیاست "موازنهٔ منفی" سیاستی، صد درصد آمریکایی است. این سیاست می‌گوید که شوروی نیز دشمنی است نظیر آمریکا و حتی بدتر و خطرناکتر از آن، زیرا دشمنی است "نزدیکتر". این سیاست شوروی را بعنوان دشمن مطرح می‌کند. تا دشمنی آمریکا را در پرده قرار دهد. دشمن موهوم می‌تراشد تا دشمن واقعی فراموش شود. "شوروی را مطرح می‌کند تا آمریکا منسی شود". بدتر از آن شوروی، را که دوست و حامی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، دشمن معرفی می‌کند، تا شاید به حمایت او از انقلاب و رژیم خمینی پایان دهد. این همان خط برژینسکی است.

لیبرال‌ها رندانه کوشیدند و هنوز هم می‌کوشند که سیاست "موازنهٔ منفی" را با شعار "نه شرقی نه غربی" دارای یک مضمون معرفی کنند. این شگرد لیبرال‌ها تا حدودی متاسفانه موفق هم شده، ولی دیری نخواهد گذشت که بکلی افشاء خواهد شد، چنانکه هم اکنون تا حدودی افشا شده.

سیاست "موازنهٔ منفی" با شعار "نه شرقی نه غربی" یکی نیست. سیاست "موازنهٔ منفی"، در آخرین تحلیل، در واقع دوری از شوروی را به عنوان دشمن می‌خواهد محور سیاست رسمی قرار دهد. شعار "نه شرقی، نه غربی" ابدا چنین هدفی را تعقیب نمی‌کند. مضمون واقعی شعار "نه شرقی، نه غربی" چیزی جز شعار استقلال نیست. این شعار می‌گوید که ما نه به شرق و نه به غرب، نمی‌خواهیم وابسته باشیم. اگر شرق مناسبات خود را با ما بر مبنای احترام بی خدشه به استقلال ما و در جهت یاری به تحکیم استقلال ما، برقرار کند، ما ابائی نخواهیم داشت که با وی بهترین مناسبات را به سود استقلال خود بر قرار کنیم. با غرب هم به همین صورت منتها ما می–دانیم که غرب یعنی امپریالیسم چنین روابطی را داوطلبانه و با طیب خاطر بر قرار نمی‌کند. غرب، یعنی امپریالیسم در صدد استعمار دیگر کشورها از جمله کشور ماست. این واقعیت است. این تجربه ماست. معذالک اگر فلان دولت غربی نیز حاضر به برقراری رابطهٔ مشخص با ما، با رعایت کامل استقلال ما و منافع متقابل عادلانه برای طرفین گردد ما با آن دولت آن رابطه مشخص را برقرار می‌کنیم. ما چیزی جز استقلال خود، جز حق حاکمیت خود، نمی‌خواهیم. ما به گفته آیت‌الله منتظری "نمی‌خواهیم بدور خود دیوار بکشیم". "ما اگر دست دوستی صادقانه‌ای بسوی ما دراز شد، آنرا می‌فشاریم چنین است مضمون سیاسی شعار "نه شرقی، نه غربی" مضمون این شعار هیچ ارتباطی با مضمون سیاست آمریکائی "موازنهٔ منفی" ندارد. به هوش باشیم تا آمریکا فراموش نشود.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبهٔ نماز جمعهٔ روز ۲۲ تیر ۶۰، ضمن نطق بسیار پرمضمونی از جمله به این نکته اشاره کرد و خط انحرافی که با بختیار آغاز شد که با بنی صدر پایان گرفت هنوز هم به کلی از بین نرفته است.

دقیقا چنین است. رگهٔ این خط انحرافی هنوز باقی است و مذبوحانه، یعنی با سرسختی ناشی از یاس، مبارزه می‌کند. این خط هنوز کوشش دارد که شعارهای انحرافی سر زبان ها بیاندازد، دشمن موهوم برای انقلاب بتراشد، "شوروی را باز مطرح سازد، تا آمریکا منسی شود" این دام هنوز بکلی برچیده نشده است و حتی متاسفانه، برخی از دولتمردان نیز گهگاه در آن می‌افتند و با این ناهوشیاری ناشی از پیشداوری‌ها، کار تشخیص مغرضینی را که دانسته هنوز در صدد حفظ نقب‌هائی از خط برژینسکی، هستند، دشوار می‌سازند.

این توصیه ارزندهٔ حجت الاسلام، خوئینی‌ها را لحظه‌ای نباید فراموش کرد که: بگذارید "مرگ بر آمریکا" بانگ انقلاب ایران گردد، تا هر خط انحرافی زود فاش و رسوا شود.

آغاز کنگرهٔ جهانی زنان در پراگ

فریدا برائون، رئیس "فدراسیون بین المللی زنان دمکرات"، اظهار اطمینان کرد، که "کنگرهٔ جهانی زنان "خدمت ارزنده‌ای به مبارزه برای جلوگیری از جنگ و تقویت و پیشبرد صلح" خواهد نمود.

فریدا برائون این سخنان را در "کنگره جهانی زنان" به زبان آورد، که روز پنجشنبه ۱۶ مهر ۶۰ در پراگ آغاز شد. زنان ۱۲۴ کشور در این کنگره شرکت دارند.

دکتر گوستاو هوساک، رئیس جمهور چکسلواکی در سخنرانی گشایشی خود گفت که "بهبود وضع زنان با پیکار همه نیروهای مترقی در راه صلح پایدار همپیوند است". لئونید برژنف در پیامی به "کنگره جهانی زنان" نوشت: "مهم‌ترین وظیفه ما در مرحله کنونی جلوگیری از دست یازی به جنگ افزارهای هسته‌ای است. مبالغ هنگفتی که برای تولید سلاح‌ها تلف می‌گردد، می‌توانست بسود مردم بکار گرفته شود".

"اونیتا"

ابزار آمریکا و آفریقای جنوبی علیه آنگولا

■ دولت ریگان در جنوب آفریقا نیز تعرضی جدید را برای پیشبرد منافع تجاوزکارانه و چپاولگرانهٔ امپریالیسم آمریکا آغاز کرده است.

■ "ساویم بی"، سرکرده "اونیتا" و مائوئیست آنگولایی، سالهاست که جاسوس غرب است.

■ سرجاسوس غرب در آنگولا انقلابیگری خود را با کلمات قصار صدر مائو می‌آراست.

■ برنامه "اونیتا" همانندی چشمگیری با "انجیل سرخ" مائوئیسم داشت.

■ سالهاست که سازمان تروریستی و ضدانقلابی "اونیتا" دوش بدوش نیروهای مداخله‌گر آفریقای جنوبی در حملات مکرر به آنگولا شرکت می‌کند.

■ "ساویم بی" قرار است نقش سرهنگ حداد (لبنان را) را در جنوب آنگولا بازی کند.

درپیوند با تهاجم گسترده نیروهای نژادپرست آفریقای جنوبی به آنگولا، باردیگر نام "یوناس مالیروساویم بی" سرکرده تروریستهای آنگولائی "اونیتا" بسر زبانها افتاد. به سخن دقیق‌تر، حتی چند هفته پیش ازاین تهاجم رسانه‌های گروهی ایالات متحده آمریکا میکوشیدند، تا این نام را به سرزبانها بیندازند.

همزمان با این کارزار "سیا" از برخی ازمحافل وزارت خارجه آمریکا این زمزمه بلند شد که، دولت آمریکا قصد دارد، تا از "اونیتا" به حمایت رسمی بپردازد. یادآور می‌شویم که این جرگهٔ ضدانقلابی پیوسته به کشتار و تخریب در روستاهای جنوب آنگولا اشتغال داشته است. در "واشنگتن" این راز پوشیده نمانده است که دولت ریگان در صدد است تا در سنای آن کشور پیشنهاد لغو به اصطلاح "کلارک امندمنت" را مطرح سازد. این متمم قانون اساسی، که پنج سال پیش (۱۹۷۶) پس از شکست عملیات "سیا" علیه "مپلا" ودولت آنگولا به تصویب رسید، ازجمله، همکاری با سرکرده "اونیتا" رامنع می‌کند. از سوی دیگر، مطبوعات غربی چندی پیش درباره سفر جدید ساویم بی به ایالات متحدهٔ آمریکا خبر دادند.

درپرتو حملات گسترده نیروهای آفریقای جنوبی به آنگولا و اشغال بخشی از آن کشور و موضعگیری خصمانهٔ ایالات متحده آمریکا درباره حل مسئلهٔ نامی بیا درسازمان ملل متحد و دیگر پهنه های دیپلماتیک، چنین می‌نماید که دولت ریگان درجنوب آفریقا نیز تعرضی جدید را برای پیشبرد منافع تجاوزکارانه و چپاولگرانهٔ امپریالیسم آمریکا آغاز کرده است. دراین تعرض، که تدارک آن با سفر کراکر، معاون وزارت خارجه آمریکا، به جنوب قاره سیاه در اوایل بهار امسال شروع شد، ساویم بی وسازمان تروریستی او، "اونیتا" نقش خاص خود را یافته اند. اما برای درک بهتر این نقش "افتخارآمیز" قدری به عقب برگردیم:

در پایان سالهای پنجاه و اوایل سالهای شصت، "یوناس مالیروساویم بی" درکشورهای غربی اقامت داشت و خویش را مائوئیست می‌خواند. وی در چین دورهٔ آموزش نظامی را هم گذرانده بود.

ظاهرا بویژه هنگامی که کوشش "پکن" نشینان برای تفرقه اندازی میان "مپلا" واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی باشکست روبرو شد، آنها تلاش ورزیدند تا از طریق ساویم بی بر تحولات آنگولا دست اندازند.

اما شواهد دیگری، ازجمله بولتن اطلاعاتی مجله آمریکایی "کاورت اکشن" (آوریل ــ مه ۱۹۷۹)، حاکی از آن است که ساویم بی درسالهای ۶۰ با دستگاههای جاسوسی غرب درتماس بود. ساویم بی نخست خود را درجنبش استقلال طلبانهٔ آنگولا جا زد، بطور موقت به هولدن روبرتو (که بعدها سرکردگی گروهی از تجزیه طلبان را بعهده گرفت و از خاک زئیر به خرابکاری علیه میهن دوستان راستین آنگولا می‌پرداخت) پیوست و بالاخره پانزده سال پیش (۱۹۶۶) خود سازمانی را بنام "اونیتا" پایه نهاد.

عنوان "اتحادیهٔ ملی برای استقلال کامل آنگولا" ("اونیتا") جز سرپوشی برای گروهکی وابسته به امپریالیسم نبود. در واقع، هدف "اونیتا" آن بود، که از استقلال کامل آنگولا جلوگیری بعمل آورد. ساویم بی انقلابیگری خود را باکلمات قصار مائو می‌آراست. حتی برنامهٔ "اونیتا" همانندی چشمگیری با "انجیل سرخ" مائوئیسم داشت.

"اونیتا" ازآغاز تاسیس خود پیشرفت ستیز و دشمن سرسخت "مپلا" ("جنبش خلق برای آزادی آنگولا") بود. ساویم بی وهولدن روبرتو نه تنها از هر گونه هماهنگی وهمکاری موثر با "مپلا" در نبرد مسلحانه علیه استعمارگران پرتغالی خودداری می‌ورزیدند، بلکه بدان خیانت نیزمی‌کردند.

نامه‌هایی موجود است که از همکاری ساویم بی بارژیم استعمارگر پرتغال سخن می‌گویند. این نامه‌ها پس ازسرنگونی رژیم فاشیستی کیتانو درپرتغال کشف شد. ودر ۱۷ تیر ۱۳۵۳ (۸ ژوئیه ۱۹۷۴) ودر مجله "آفریک آزی" منتشرشد. برای نمونه، ساویم بی درنامهٔ مورخ ۲ مهر ۱۳۵۱ (۲۶ سپتامبر ۱۹۷۲) خود به ژنرال لوس کونیا، فرمانده کل ارتش استعماری پرتغال، خواستار گردید که در عملیات "آزادی‌بخش" درشرق آنگولا شرکت جوید وبه تضعیف ونابودی "مپلا" کمک رساند. دراین نامه وی پیشنهاد کرد که اردوگاههای "مپلا" درمرز زامبیا منهدم شود. ساویم بی درنامه خود به ژنرال پرتغالی همچنین از خدمات تروریستی خود علیه یکانهای "مپلا" ودیگر خود شیرینی‌هایش برای اربابانش دم میزند.

فزون براین، مکاتباتی میان ساویم بی و رامیرش داولیویرا، فرمانده ستاد منطقه نظامی شرق، موجود است، ازاین مکاتبات، که درسالهای ۵۲ ــ ۱۳۵۱ صورت گرفت، چنین برمی‌آید که ساویم بی خیانتهای خود را باجنایتهای استعمارگران پرتغالی علیه "مپلا" هماهنگ می‌ساخت. وی بااین خدمات میخواست شرایط "تاجگذاری" خود را درخیمه شب بازی "استقلال" فراهم آورد.

خیانتکاری ساویم بی درآن هنگام ازآگاهی وحمایت "سیا" برخوردار بود. شعبات "سیا" درلواندا ودیگرکشورهای آفریقایی با "پیده" (سازمان اطلاعاتی پرتغال) همکاری نزدیک داشتند. روز استقلال آنگولا نزدیکتر می‌شد، فعالیت رخنه‌گرانه "سیا" هم گسترش بیشتری یافت.

چنانکه جان استاکول، مدیر شعبه "سیا" درکین شاسا (زئیر)، در کتاب خود بنام "درجستجوی دشمنان" می‌نویسد، عملیات تخریبی ایالات متحده آمریکا هفت سال پیش شروع شد. هدف ازاین عملیات آن بود، که از تشکیل دولت مترقی "مپلا" جلوگیری به عمل آید.

اما حوادث روندی دیگر یافت. "مپلا"، به رهبری دکتر نتو، در پرتو محبوبیت خود درمیان مردم وحیثیت بین المللی خویش، ازجمله در "سازمان وحدت آفریقا"، عضو برابر حقوق دولت موقت شد، که در اوایل زمستان ۱۳۵۳ (ژانویه ۱۹۷۵) تشکیل گردید.

"اونیتا" و "فنلا" با آغاز جنگ تروریستی علیه "مپلا" درتابستان ۱۳۵۴ (ژوئن ۱۹۷۵) نشان دادند که قصد آنها تبدیل آنگولا به یکی دیگر ازاقمار کشورهای غربی است. تهاجم همزمان ارتش نژادپرست آفریقای جنوبی به نیروهای مسلح "مپلا" درآنگولا ثابت کرد که "سیا" این عملیات مداخله‌گرانه را با آفریقای جنوبی هماهنگ ساخته بود.

استاکول، درکتاب پیشگفته، از نقشه عملیاتی "سیا" علیه آنگولا پرده برداشته است، که به سفارش کلبی، رئیس وقت "سیا"، تدوین یافت. همچنین به گفته استیفن وایس من، که درستاد سوــ کمیسیون کنگره ایالات متحده آمریکا برای آفریقا عضویت داشت، هم ساویم بی وهم روبرتوهولدن ازآمریکا سلاح وتجهیزات دریافت می‌کردند. وایس من از رقم ۳۲ میلیون دلار نام می‌برد.

بااین همه، درروز ۲۰ آبان ۱۳۵۴ (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) "مپلا" تشکیل "جمهوری خلق آنگولا" را اعلام داشت. درزمستان همین سال "فنلا" و "اونیتا" باشکستهای نظامی سهمگین روبرو شدند درحالیکه "فنلا"ی روبرتوهولدن پس از توسعه مناسبات میان آنگولا و زئیر پایگاه عملیاتی خویش را درکشور اخیر از دست داد، "اونیتا" به نامی بیا عقب نشینی کرد، تاخویش را با یاری دستگاه جاسوسی ونیروهای مسلح رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی برای ادامه جنگ خرابکارانه علیه جمهوری خلق آنگولا آماده سازد.

ازآن هنگام تروریستهای "اونیتا" پیوسته درتهاجمات علیه قریه‌های آنگولا شرکت داشته اند و به کشتار پیران، زنان و کودکان ونابودی مدارس، تجهیزات پزشکی وکارخانه‌ها پرداخته اند.

بدینسان، سالهاست که سازمان تروریستی "اونیتا" دوش بدوش نیروهای مداخله‌گر آفریقای جنوبی درحملات مکرر به آنگولا شرکت می‌کند. به نوشتهٔ "اینترنشنال هرالد تریبون" ۱۶ــ ۱۵ فروردین ۱۳۶۰ (۵ــ۴ آوریل ۱۹۸۱):

"این مداخله کماکان ادامه دارد. بصورت تهاجمات مرزی وپشتیبانی از چریکهای ساویم بی".

نیروها ویکانهای ویژهٔ آفریقای جنوبی از "اونیتا" بمنزله پوششی برای عملیات خود استفاده می‌کنند. برای نمونه، گردان ۳۲ آفریقای جنوبی، که مزدوران خرابکار را در برمی‌گیرد حملات خود را بعنوان عملیات "اونیتا" جلوه‌گر می‌سازد.

درگزارش کمیسیونی بین المللی، که درزمستان ۱۳۵۹ (ژانویه ــ فوریهٔ ۱۹۸۱) برای بررسی جنایات رژیم آپارتید به جنوب آنگولا رفته بود، می‌خوانیم:

"تقریبا هر روز گواه آن بودیم، که نیروهای مسلح آفریقای جنوبی به حمله مسلحانه واشغال موقت مناطق آنگولایی (تاعمق ۱۵۰ کیومتر) می‌پرداختند وحریم هوایی آنگولا را از پایگاه های خود درنامی بیانقض می‌کردند".

آشکار است که هدف از این جنگ اعلام نشده چیزی جز "فلج ساختن اقتصاد آنگولا، حفظ ناامنی ولطمه وارد آوردن وثبات زدایی "این کشورنیست. این درست هدفی است که حکمرانان "پرتوریا" وسیاستمداران ایالات متحده نیز درپیش دارند. ازاینروست که "سیا" و "دونس" ("ادارهٔ امنیت ملی"، "ساواک" آفریقای جنوبی) پیوسته به هماهنگی نقشه‌های خود مبادرت می‌ورزند. همین چندی پیش فاش شد، که تنی چند از ماموران بلندپایه "امنیتی" "پرتوریا" به ایالات متحده آمریکا سفر کردند.

انگیزه "احیا"ی ساویم بی و اختصاص "نقش جدید"ی برای او از سوی ایالات متحده بایدازیکسو در تحول مترقی جمهوری خلق آنگولا و از سوی دیگر دررشد جنبش استقلال طلبانه نامی بیا جویا شد.

ایالات متحده آمریکا هنوز که هنوز است "جمهوری خلق آنگولا را به رسمیت نشناخته است. برخی محافل آمریکا هنوز خواب فروپاشی حاکمیت "مپلا ــ حزب کار" را درسرمی‌پرورند وچنانکه در جریان برخی محاکمات نیزفاش شد، خود دست روی سینه نگذاشته اند. شعبه "سیا" درونید هوک دائما با "اونیتا درتماس است.

نزدیک به دوسال پیش (نوامبر ۱۹۷۹)، ساویم بی، بعنوان میهمان "فریدام هائوس" ("خانه آزادی") به نیویورک سفر کرد. (این موسسه بخاطر دسیسه‌پردازیهای ضدانقلابی اش در آمریکا شهرت دارد). وی در نیویورک همچنین این فرصت را یافت تا در "کانون مطالعات استراتژیک وبین المللی" درباره نقش "اونیتا" در مبارزه علیه جمهوری خلق آنگولا به سخنرانی بپردازد. ازقرار معلوم، ساویم بی دراین سفر از اشلزینجر، رئیس اسبق "سیا"، سناتور سام نان، سناتور هنری جکسون وگروهی ازنمایندگان آفریقایی ــ آمریکایی "کنگره" نیز دیدار کرد.

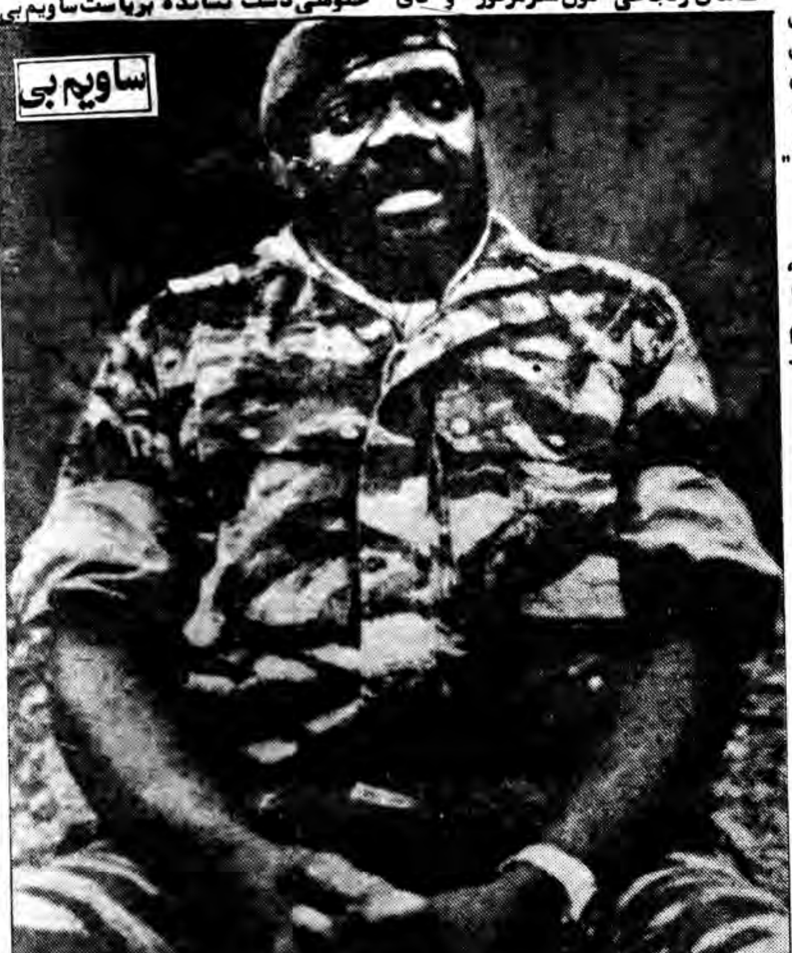
ساویم بی پس ازآن به جمهوری فدرال آلمان رفت ودرآنجا با کارمندان وزارت خارجه آن کشور و فرانتز یوزف اشتراوس به گفتگو نشست. پس ازاین سفر دفتر "اونیتا" درمونیخ فعالیت پرتب و تابی را برای جلب هوادار وبویژه کمک از سرمایه‌داران متنفذ آغاز کرد.

سال پیش، حامیان متمول و متنفذ ساویم بی کارزاری وسیع را برای علم کردن دوباره "متحد وفادار غرب" در جنوب آفریقا تدارک دیدند. سیل خبرنگاران بسوی او جاری شد. درروزنامه‌های ارتجاعی "مون شنرمرکور" و "دی ولت" آلمان غربی تابستان ۱۳۵۹ می‌خوانیم، که روزنامه‌نویسی به نام پترهورنونگ در "پایتخت کشوری در جنوب آفریقا" خلبانی را "پیدا می‌کنند" که با هواپیمای "وای کائونت" کرایه ای خود او را به "اقامتگاه پنهانی" ساویم بی درآنگولا می‌برد. بدین ترتیب اعتراف می‌شود که یک روزنامه نگار "متمدن" کشور "متمدن‌تر" آلمان غربی بدون ویزا به خاک کشوری مستقل پا می‌نهد وآنهم به احتمال قوی بکمک سازمان های جاسوسی آمریکا، آلمان فدرال وآفریقای جنوبی! ساویم بی درملاقات خود با پترهورنونگ به او واربابان امپریالیستی اونوید داد:

"عیدامسال (۱۱ دی ۱۳۵۹ (!)) وارد لواندا خواهم شد".

تقریبا همزمان بااین مصاحبهٔ "واشنگتن پست" نوشت که سنای آمریکا به رئیس جمهور اجازه داده است تابدون تصویب ونظارت "کنگره" به نیروهای ضددولتی درآنگولا کمک مستقیم برساند اما چنانکه به یاد داریم عملیات وسیع آفریقای جنوبی علیه آنگولا در تابستان ۱۳۵۹ باشکست مفتضحانه مهاجمان نژادپرست ومزدوران "آنگولایی" پایان یافت.

اما این شکست بمعنای آن نبود که آمریکا ومتحدان "پرتوریا"یی آنها از دسیسه‌های خود دست برداشتند. تهاجم دگرباره وگسترده اخیر آفریقای جنوبی این حقیقت را بثبوت رسانید. هدف ازاین تهاجمات آنست که در "منطقه ای آزاد" درنوار مرزی میان آنگولا ونامی بیا حکومتی دست نشانده بریاست ساویم بی



ایجاد شود، که ازیکسو به فعالیت های ثبات زدایانه علیه آنگولا دست زند و از سوی دیگر سدی دربرابر مبارزات "سواپو" باشد.

این دسیسه امپریالیستی چندان هم تازگی ندارد ونمونه بارز آنرا درلبنان نیزمی بینیم. درآنجا سرهنگ حداد، عامل "موساد" درنوار مرزی جنوب لبنان، درمنطقه‌ای بین اسرائیل وبقیه لبنان نقش پیشقراول تجاوزکاران اسرائیلی را علیه جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای مترقی ــ میهنی لبنان بازی می‌کند.

آمریکا، آفریقای جنوبی ودیگر کشورهای امپریالیستی و تجاوز کار ودستیاران ارتجاعی تهاجم اخیر را به آنگولا ازخیلی پیش طرح ریختند.

بگزارش خبرگزاری الجزایر، در تاریخ ۱۳ فروردین امسال ژنرال واکر، کارمند بلندپایه دولت آمریکا ومقام عالی رتبه سابق "سیا" درخاک مراکش با ساویم بی ملاقات کرد.

درآستانه آخرین تهاجم آفریقای جنوبی به آنگولا، آنگولا، بوتسوانا، زامبیا وزیمبابوه علیه هرگونه همدستی آمریکا با "اونیتا" به اعتراض پرداختند وآنرا دخالت فاحش وگستاخانه در امور داخلی جمهوری خلق آنگولا خواندند.

تفسیر وقایع...

بقیه از صفحهٔ ۵

باآب و تاب اطلاع دادندکه چند هواپیمای ایرانی مخازن نفت کویت را بمباران کرده‌اند. تکذیب رسمی وزارت امورخارجه ایران نتوانست ازحرارت رسانه‌های گروهی امپریالیستی بکاهد. جنجال بزرگی در پیرامون این مسئله بپاشد.

بمباران کویت بی‌شک یک توطئهٔ امپریالیستی است که بدست سرویس های جاسوسی غرب واسرائیل شکل گرفته است. انتخاب کویت برای پیاده‌کردن این توطئه تصادفی نیست. امپریالیست‌ها بایک تیرمی‌خواهند چند نشان‌بزنند. کویت تا کنون در جنگ تحمیلی عراق موضع خصمانهٔ آشکار نسبت به‌ایران نگرفته‌است، هرچند محمولات جنگی متعلق به‌عراق بصورت ترانزیت از خاک کویت میگذرد. اماعراقی‌ها وبخصوص آمریکائی‌ها تقاضای بیشتری از کویت دارند که رهبران کویت در برابر آن ایستادگی میکنند. کویت همچنین جزء آندسته‌از کشورهای عرب خلیج فارس است که نه‌تنها با اتحادشوروی روابط دیپلوماتیک دارد بلکه معتقد است که سایر کشورهای خلیج‌فارس نیز برای نشان‌دادن آنکه مستعمرهٔ انگلستان وآمریکا نیستند بایدبااتحاد شوروی روابط سیاسی برقرارکنند.

امپریالیست‌های آمریکائی اگر بتوانند با ایجاد رعب و وحشت در کویت آن کشور را همچون عربستان‌سعودی زیر بال حمایت‌خود بکشند توفیق بزرگی حاصل کرده‌اند. نقش کویت درمحاسبات آمریکائیها بویژه درارتباط باحوادثی که‌در عراق در شرف تکوین است پیوسته بالامیرود. صحنه‌سازی بمباران کویت میتواند درپیشبرد این سیاست موثر باشد. بیهوده نیست که رادارهای آمریکائی در عربستان‌سعودی قبل از همه حتی‌مسیر پرواز هواپیماهای ایرانی را ثبت کردند و هیگ از روی این‌داده‌های موثق اعلام کرد که آن هواپیماها ایرانی بوده‌اند. اینکه "ملیت" این هواپیماها را آقای هیگ بوسیله‌رادار‌هایشان کشف کردند نوآوری‌جدیدی‌در‌تکنیک نظامی‌بود، زیرارادارهای آمریکائی می توانند نوع ومسیر هواپیما را معین کنند اما تشخیص اینکه‌هواپیمارا چه خلبانی (ایرانی‌یااسرائیلی یاآمریکائی) اداره‌میکرد، از معجزات‌خودآقای هیگ است‌که از تمام جریان قبلا خبر داشته وآنچه را که باید بگوید قبل از ثبت رادار ها نیز ازبربوده‌است. بمباران کویت ازهمان‌سری تحریکاتی است‌که‌قبلا‌بصورت‌بمباران‌تاسیسات اتمی‌عراق وشایعهٔ خرید سلاح‌های اسرائیلی بوسیلهٔ ایران درسمت‌اهداف‌امپریالیسم‌آمریکا واسرائیل انجام‌گرفت.

منظور از این‌تحریکات ایجاد تفرقه و نفاق‌در بین‌خلق‌های‌منطقه و جلوگیری‌ازتشکیل‌جبههٔ متحدضدامپریالیستی و ضدصهیونستی خلق‌هاست. امپریالیست‌های امریکائی و اسرائیلی در همانحال که سیاست تفرقه‌افکنی خود را حیله‌گرانه دنبال میکنند اتحاد خود را روز به‌روز محکمتر کرده وامروز دیگر به‌آن شکل اتحاد استراتژیکی داده‌اند، لبه‌تیزاین‌اتحاد استراتژیکی‌نیز قبل از هرچیز رویاروئی با انقلاب‌های منطقه بویژه انقلاب ایران‌است. مناخیم بگین‌در پایان سفر اخیرش به‌واشنگتن که‌درآن باصطلاح همکاری استراتژیک بین دو کشور اعلام‌شد اظهار داشت‌یکی ازموضوع‌های اصلی مذاکرات تشکیل نیروی‌مشترکی‌بود که‌بتواند پس از پایان حکومت‌خمینی درایران جانشین‌آن‌گردد. شتردرخواب‌بیند پنبه‌دانه. آرزوی بازگشت رژیم‌هوادار غرب در ایران یک‌لحظه از سرغارتگران امریکائی واسرائیلی بدرنمیرود. همهٔ تحریکات ودسیسه‌های‌آنان نیز چه‌در داخل وچه در خارج‌ازکشور هدفی جزسرکوب‌انقلاب ایران ومنزوی کردن آن و جلوگیری از سایر انقلابات‌ندارد. خوشبختانه آگاهی از رموز سیاست مزورانه‌امپریالیست‌ها وصهیونیست‌ها پیوسته به‌مقیاس‌وسیع‌تری درمحافل دولتی ونهادهای انقلابی ایران رسوخ‌میکند. برای‌نخستین‌بار در تاریخ ایران سخنگوی سیاست‌خارجی کشورما در سازمان ملل‌متحد خودرا ازصف دنیای ستم کنار کشیده و درصف دنیای محرومان ومستضعفان جای‌گرفته‌و ازچهرهٔ ناپاک امپریالیسم و صهیونیسم نقاب برداشته‌است. این امیدوار کننده‌است ونوید میدهد که مسئولان‌سیاست خارجی ایران‌بتوانند نابسامانی‌هایی را که اسلاف لیبرال آنها‌بجای گذاشته‌اند سر‌انجام به‌سامان‌آورند.

در هفته‌ای که گذشت:

بند"ج" درآستانهٔ تصویب

هفته‌گذشته، برای‌اولین‌بار، آقای‌سلامتی وزیرکشاورزی‌وعمران روستائی اعلام کرد: "قانون‌اصلاحات‌ارضی اسلامی درهیئت‌دولت مطرح‌شده و مراحل نهائی تصویب خود راطی می‌کند وانشاءالله به‌زودی به مجلس شورای اسلامی داده‌خواهدشد. بررسی این لایحه تقریبا درهیئت دولت تمام‌شده‌است. احتمالا طی‌هفت‌یا‌ده‌روزدیگرلایحه‌به‌مجلس‌داده‌خواهد شد" (اطلاعات ۱۲مهر ۱۳۶۰)

همزمان با این سخنان نوید بخش، نمایندگان شوراهای اسلامی و روستاهای کشور که دریک سمینار سراسری شرکت کرده‌بودند، درقطعنامهٔ خود خواستار خلع ید از فئودال‌ها وبزرگ‌مالکان‌شدند. این زحمتکشان محروم درمادهٔ پنج‌قطعنامه خواست‌خودراچنین‌اعلام داشتند: "ازآنجا که مبارزه با ظلم و فساد در مکتب عزیز ما از واجبات است، خواستار خلع یدازفئودال‌ها وبزرگ‌مالکین‌زالوصفت‌وحامیان آنها واجرای هرچه‌سریعترطرح اصلاحات‌ارضی اسلامی‌می‌باشیم" (اطلاعات ۱۲مهر۱۳۶۰)

این‌خواست هنگامی اعلام‌شدکه‌حجت‌الاسلام‌مهدی‌کروبی، سرپرست بنیاد شهید و نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای گفت: متأسفیم که‌تاکنون بند "ج" اجرا نشده است. خواسته‌ملت اجرای آن‌است و بایدهرچه زودتر اجرابشود. صاحبنظران و روحانیت و فقهای متعهد وآشنا به مسائل اسلامی موافق اجرای آن‌هستند. نظر نیروهای مترقی‌روحانی و جومجلس برای انجام‌این کار مستعد است" (کیهان ــ ۱۲مهر ۱۳۶۰)

باتوجه‌به اخبار فوق، همهٔ نیروهای علاقه‌مند به‌انقلاب و زحمتکشان روستا که به حق این‌انقلاب رامتعلق به‌خود میدانند، در انتظار طرح بند "ج" در مجلس شورای‌اسلامی وتصویب آن هستند.

امپریالیسم ژاپن‌هم به‌لشکرکشی امپریالیسم‌ها پیوست

امپریالیسم‌ژاپن بعدازاینکه‌قراردادهای خریدنفت با ایران رالغو کرد، با فرستادن‌یک ناوبه‌خلیج‌فارس، رسماً بەلشکرکشی‌امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی‌امپریالیسم‌آمریکا علیه انقلاب‌ایران وافغانستان پیوست. خبر گزاری فرانسه‌هفته‌گذشته اعلام کرد: "نیروی دریائی ژاپن اعلام کرد به منظور حفاظت از ناوگان تجاری‌اش در خلیج فارس یک ناو گشتی به‌این منطقه گسیل داشت" (اطلاعات ــ ۱۱ مهر ۱۳۶۰) و به‌این ترتیب ژاپنی‌ها هم بایک بهانه‌تراشی آماده‌شده‌اند تامستقیماً با دیگر متجاوزان امپریالیستی درخلیج‌فارس همکاری نظامی کنند. آیادیرباوران‌هنوزمجاب‌نشده‌اندکه‌امپریالیسم، امپریالیسم است و نوع آمریکایی، یا اروپائی و ژاپنی آن همه سر و ته یک‌کرباس‌اند؟

زمین، مانع حل مشکل مسکن ۴ میلیون نفر

مهندس مسعود سلیمیان معاون طرح و برنامه‌ریزی و شهرسازی وزارت‌مسکن‌اعلام کرد که‌برای مشکل مسکن، وزارت مسکن وشهرسازی حل مسئلهٔ زمین را در سرلوحهٔ کار خود قرار داده‌است. او به‌این‌مسئله اشاره کرد که: "مشکل زمین هم‌اکنون افزایش یافته است. طاغوتی‌هائی که تادیروز مخفی شده بودند، هم‌اکنون با احتکار زمین‌های اطراف تهران و داخل تهران چون گذشته به‌استفاده‌نامشروع خودوغارتگری‌های خود ادامه می‌دهند. (اطلاعات ــ ۱۲مهر ۱۳۶۰) و تاکید کرد: "متأسفانه باوجود قوانین موجود دراین‌مورد نمی‌توانیم‌کاری انجام‌بدهیم و متأسفانه وضع طوری شده‌است که‌بعضی از آنها ازامکانات وام نیزمی‌توانند‌استفاده‌کنند" (همانجا) معاون وزارت‌مسکن درهمین مصاحبه افزود: "اخیرا لوایح زمین نیز در مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی به تصویب رسید، ولی در شورای نگهبان‌لایحه‌ردشد "این‌اظهارات‌که‌درحساس‌ترین‌لحظات‌انقلاب‌ایران‌مطرح‌میشود، بیانگر این‌واقعیت‌است‌که‌علیرغم‌کوشش‌قابل تحسین نیروهای "خط امام" باردلایحه‌زمین‌درشورای نگهبان، نه‌تنها ۴میلیون ایرانی که به قول معاون وزارت‌مسکن فاقد مسکن هستند، قادر نخواهند بود سر پناهی داشته باشند، بلکه زمین‌خواران دوباره جان‌گرفته‌اند وبه‌غارتگری ادامه‌میدهند.

ما نیز مانند معاون وزارت مسکن امیدواریم، هرچه زودتر: "باوضع قوانین‌اسلامی‌و انقلابی جلوی غارتگران و زمین‌خواران را بگیرند وازاین طریق مشکل مسکن را که‌سنگینی آن‌بطورعمده بردوش مستضعفین‌است، مرتفع سازند" (همانجا)

دوستان و دشمنان انقلاب

هفته‌گذشته‌فاش‌شد: "عراق و عربستان سعودی می‌کوشند آن‌دست ازکشورهای‌عربی را که در جنگ تحمیلی بیطرف مانده یا جانب جمهوری اسلامی ایران راگرفته‌اند وادار به تغییر موضع خودبسودعراق‌سازند" (آزادگان ــ ۱۱مهر ۱۳۶۰)

افشای این خبر، همزمان با انتشاراخبار مربوط به رفتار دژخیمانه ماموران امنیتی عربستان‌سعودی، بار دیگر نشان‌دادکه رهبران باصطلاح "مسلمان" سعودی با انقلاب ایران دشمنی آشتی ناپذیر دارند.

درهمین‌حال هیئت نمایندگان‌ایران‌کهاز کنفرانس بین‌المجالس در هاوانا بازگشته بود اعلام‌کرد فیدل کاسترو بار دیگر پشتیبانی‌خود را از انقلاب‌ایران‌اعلام‌کرده‌است. دکترخاتمی درموردملاقات باکاسترو گفت: "کاسترو، تروریسم و موج ترورهائی را که به‌وسیله‌منافقین این‌مدعیان ترقیخواهی درایران‌صورت‌می‌گیرد دقیقاً دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا دانست و آن‌را توطئه‌هائی برای مبارزه با انقلاب اسلامی ایران‌ازسوی "سیا" و "شیطان‌بزرگ" تلقی کرد. جالب اینکه کسی که خودکانون انقلاب چپ در دنیا و وزنه‌ای در میان انقلابیون مارکسیست است، این‌گروهک‌های مدعی چپ‌روی و مبارزهٔ باامپریالیسم را عوامل امپریالیسم و آمریکا به‌حساب‌آورد" (اطلاعات ــ ۱۱ مهر ۱۳۶۰)

موضع‌گیری فیدل کاسترو، رهبرانقلاب کوبا و مقایسه‌آن باموضع‌گیری‌رهبران عربستان‌سعودی باردیگر نشان‌می‌دهد که دوستان و دشمنان انقلاب‌ایران کیستند و ثابت می‌کندکه‌صرفنظر ازعقیده‌وایدئولوژی، هرجاکه مبارزان واقعی ضدامپریالیست‌هستند، دوستان انقلاب ایران رادرهمانجا باید یافت.

دیگ به دیگ...

گروهی از "مبارزان افغانی برای ادامهٔ "مبارزه" ازظاهرشاه کمک‌خواسته‌اند. بنا به گزارش‌خبرگزاری‌ها: برخی از روسای قبایل افغانستان اواخر ماه گذشته در اجتماعی که درنزدیکی‌شهر کویته درپاکستان‌تشکیل‌دادند خواستار بازگشت ظاهر شاه به افغانستان و قبول‌رهبری مقاومت افغان توسط‌وی شدند." (اطلاعات ــ ۱۲مهر)

وقتی این‌خبر افشاگر وبی‌نیاز از تفسیر منتشر و معلوم‌شد سرنخ جناح‌هائی از شورشیان افغانی در دست ظاهرشاه فراری در رم‌است، چندگروه "مبارز" دیگر افغانی به این‌امر اعتراض کردند و طرفداران ظاهر شاه راعوامل امپریالیسم‌خواندند. جالب این جاست که‌این‌معترضان یعنی رهبران حزب اسلامی‌جماعت‌اسلامی، حرکت‌انقلابی و گروه یوسن‌خالص، همان‌کسانی هستندکه‌سال‌گذشته به ملاقات‌کارتر وامسال به‌دست‌بوس سادات رفتند. اینجاست‌که‌دیگ به دیگ می‌گوید...

توطئه ضد انقلاب در سیستان و بلوچستان

در یک‌درگیری که بین نیروهای‌ژاندارم وقاچاقچیان مسلح در حوالی ایرانشهر روی داد ۲۳تن از ژاندارم‌ها به شهادت رسیدند. به‌گزارش روزنامه جمهوری‌اسلامی (۱۳ مهر ۱۳۶۰) دراین درگیری که درمنطقهٔ گوهرکوه ایرانشهر روی داد، نیروهای‌انقلاب‌بامحاصره قاچاقچیان موفق شدند تعدادی از آنها را به‌هلاکت برسانند و عده‌ای را دستگیر کنند.

این‌حادثه که‌چندمین درنوع‌خود است باردیگر نشان‌می‌دهدکه‌باندهای مسلح‌قاچاق که‌اغلب ازافغانی‌های‌مهاجر تشکیل‌شده‌وتوسط سازمان‌امنیت‌پاکستان‌سازمان‌داده‌شده‌ومسلح می‌گردند، علاوه‌برقاچاق، بعنوان نیروهای مسلح‌ضدانقلاب عمل‌می‌کنند. گسترش دامنه فعالیت‌این‌قاچاقچیان خبر از جدی‌تر شدن توطئه پاکستان در سیستان وبلوچستان‌می‌دهد.

نقش سرنوشت...

بقیه از صفحه ۷

شرایط جنگ را برای‌تهی کردن‌کیسه بی رمق زحمتکشان وکارگران مناسب یافته‌اند.

اعتماد به طبقه‌کارگر و تشکلهای صنفی و شورائی و سیاسی آن وثیقه پیروزی‌های بیشتر است

چنین‌است بیلان مختصر و محدودی‌از شرکت‌فعال طبقه‌کارگردر جریان یکسالی که‌از جنگ‌تحمیلی امپریالیسم‌آمریکا به‌وسیله صدام مزدوربه‌کشورانقلابی‌مامیگذرد. باید گفت که این‌شرکت‌درحالی‌صورت‌گرفته، که طبقه‌کارگر ایران‌ازفعالیت‌وسیع‌وگستردهٔ تشکل صنفی و شورائی، که مسلما میتوانست به شرکت طبقه کارگر در دفاع از انقلاب و پیروزی در جنگ ابعاد به‌مراتب عظیمتری ببخشد، محروم‌بوده است. متاسفانه برداشت‌های نادرست بخشی ازحاکمیت‌انقلابی، که بی‌جهت از تشکل‌های صنفی، شورائی‌وسیاسی آزادکارگران‌بیمناک است، مانع ازآن‌گردیده که ازهمهٔ ظرفیت طبقهٔ کارگر در تجهیز قوا علیه جنگ بهره‌برداری شود و درنتیجه در تأمین پیروزی‌در جنگ تسریع‌شود.

لیکن‌امر اخیر، چنانکه پیداست، به هیچوجه ازنقش واهمیت وموضع طبقهٔ کارگر درجریان‌جلوگیری از توطئهٔ امپریالیسم و ضدانقلاب‌نمیکاهد. برعکس، باتمام قوا باید کوشیدکه طبقهٔ کارگرایران‌بتواندرسالت تاریخی‌خودرادرتأمین پیروزی‌نهائی وقطعی انقلاب‌ضدامپریالیستی‌ومردمی‌ایران‌وپیروزی درجنگ‌عادلانه باتمام قدرت و وسعت‌انجام دهد.

گفتیم که هدف جنگ تحمیلی شکست انقلاب، طرد زحمتکشان وبویژه طبقهٔ کارگر ازصحنه‌مبارزات سیاسی ــ اجتماعی درکشور مابود. همانطورکه دوران قبلی، یعنی دوران از پیروزی انقلاب تا شهریور ۵۹، با تحکیم موقعیت طبقهٔ کارگرهمراه‌بود، همانطور هم با اعتماد میتوان گفت که، علیرغم خواست سرمایه‌داری‌ایران‌وامپریالیسم‌جهانی، دوران یکسال جنگ‌تحمیلی نیز با تحکیم موقعیت مجموعه زحمتکشان، به‌ویژه طبقهٔ کارگرایران درانقلاب همراه‌بوده‌است. هم دراین‌دوران است که جامعه‌انقلابی ایران نقش طبقه‌کارگر را در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن بیشتر دریافته و به این واقعیت، که طبقه کارگرایران‌اساسیترین نیروی پایداری‌انقلاب ایران‌دربرابرتجاوزامپریالیستی و دفاع از دستاوردهای انقلاب‌ضدامپریالیستی‌ومردمی واسلامی‌به‌رهبری‌امام‌خمینی‌است، پی برده است. درک‌این‌واقعیت واعتماد به طبقه‌کارگر وتشکل‌های‌صنفی وشورائی وسیاسی این‌طبقه نه‌فقط با منافع تثبیت وتحکیم و گسترش انقلاب‌ضدامپریالیستی، مردمی واسلامی به رهبری امام‌خمینی منافات ندارد، بلکه لازمه تأمین‌پیروزی نهائی وقطعی انقلاب‌است. نه رعایت‌حقوق قانونی طبقهٔ کارگر در برخورداری‌از تشکل صنفی، شورائی و سیاسی، بلکه زیرپا گذاشتن این‌حقوق موجد خطرات‌جدی برای‌آینده وسرنوشت‌انقلاب عظیم ضدامپریالیستی ومردمی‌اسلامی‌ایران‌است. طبقهٔ کارگرایران به‌واقعیت‌آگاهی‌دارد و به همین جهت تمام وکمال خودرا در خدمت انقلاب قرار داده‌است. حاکمیت انقلابی‌نیز اگرمی‌خواهد به‌وظایف تاریخی خود باموفقیت عمل کند، باید این‌واقعیت را بپذیرد و به طبقهٔ کارگر بعنوان صمیمی‌ترین و وفادارترین یار ویاور انقلاب تکیه‌نماید. هر برخورد دیگری به‌زیان‌انقلاب‌خواهدبود.

وقایع مهم جهان در یک هفته

وزیرخارجهٔ سوریه :

برای مقابله با امپریالیسم وصهیونیسم باید با اتحاد شوروی متحد شد

عبدالحلیم خدام ،وزیرخارجه سوریه ،گسترش هم پیمانی استراتژیک ایالات متحده واسرائیل را بعنوان "بزرگ‌ترین خطری ،که کشورهای عرب را تهدید میکند" ،محکوم ساخت.

وزیرخارجه سوریه در مصاحبه‌ای با روزنامهٔ لبنانی "النهار" گفت که "واشیگتن" می‌کوشد تا "اعراب را به تسلیم در برابر اسرائیل وادارد."

به‌گفته عبدالحلیم خدام ،مداخلات اسرائیل در لبنان از عادی‌سازی اوضاع در آن کشور جلوگیری می‌کند.

عبدالحلیم خدام خواستار تقویت اتحاد کشورهای عرب با اتحاد شوروی شد ، "تا بدینوسیله بتوان به‌مقابله موثر با نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی پرداخت."

یاسرعرفات ،رهبر "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" از گسترش همکاری‌های نظامی آمریکا واسرائیل انتقادکرد .وی گفت ،که این همکاریها پیش‌درآمد مداخلات بیشتر ایالات متحده در خاورمیانه خواهد بود.

به‌گزارش خبرگزاری "وفا" ،رهبر "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" امکان دخالت مستقیم ایالات متحده را درخاورمیانه نفی نمی‌کند.

تروریسم اسرائیل در لبنان و علیه فلسطینی‌ها ادامه دارد

به‌گفته صلاح‌خلف ،یکی از رهبران "سازمان آزادیبخش فلسطین" اسرائیل مسئول انفجارهای اخیردر لبنان است .او افزود که شارون ، وزیردفاع اسرائیل ، در این اقدامات تروریستی شرکت مستقیم دارد. از ۲۶تیر ۶۰ تاکنون حداقل ۱۴۰نفر ، ازجمله کودکان ،براثر این انفجارها به‌هلاکت رسیده‌اند.

صلاح‌خلف یادآور شد که "اسرائیل عجالتا حملات خود را به لبنان قطع کرده‌وبجای آن درداخل این کشور به‌جنگی جدید ، یعنی جنگ تروریسم ،مبادرت‌ورزیده‌است."

روز جمعه ۱۷ مهر ۶۰ ،مجید ابوشرار ،سرپرست بخش اطلاعات "سازمان آزادی‌بخش‌فلسطین" ، بر اثرانفجاربمبی در هتل خود در رم بدست عوامل اسرائیل به‌قتل‌رسید.

شورای جهانی صلح

فراخوان برگزاری هفتهٔ خلع سلاح



در سال ۱۹۷۸ ، اجلاسیه فوق‌العاده سازمان‌ملل‌متحد دربارهٔ خلع سلاح ازدولت‌ها وسازمانهای دولتی و غیردولتی دعوت کرد تا هرساله در هفتهٔ ۲۴ تا ۳۱ اکتبر (۲ـ ۹ آبان) مراسمی به‌منظور پیشبرد امر خلع سلاح ترتیب دهند.

درسندی که در این اجلاسیه فوق‌العاده مجمع عمومی به‌تصویب رسید بویژه اعلام شده است : "مسابقهٔ تسلیحاتی اگر متوقف نگردد ،تهدید فزاینده‌ای برای صلح‌وامنیت بین‌المللی ، وحتی برای‌موجودیت‌نوع‌بشرخواهدبود انباشت سلاح‌های سنتی وهسته‌ای می‌تواندکه‌کوشش‌هایی راکه در راستای رشدوپیشرفت صورت‌می‌گیرد‌ترمز کند ، دراستقرارنظام‌جدید اقتصادی بین‌المللی مانع پدید آورد و از حل‌دیگر مسائل‌حیاتی که‌دربرابربشریت‌قراردارد جلوگیری‌کند".

جهان به‌لبه‌پرتگاه‌بلیه‌هسته‌ای سوق داده‌می‌شود .افزوده‌شدن‌خطر ،نه تنها به‌سبب انباشت‌فزاینده‌تسلیحات ، بلکه همچنین براثر خصلت کیفی سلاح‌های تازه‌کشتارجمعی‌است‌که به سرعت به جایی‌می‌رسدکه‌دیگر امکان‌بازگشت نیست . اینک بیش از هر زمان‌بسیج بی‌سابقه نیروهای هوادارصلح فوریت دارد .توده‌های ملت‌ها باید ندای‌خود رابه‌گوشها برسانند.

هفتهٔ جهانی خلع سلاح‌بایدامسال‌با اهمیت‌خاصی برگزارشود ، زیرا به‌فاصلهٔ چندهفته تاگشایش‌اجلاسیهٔ فوق‌العاده سازمان‌ملل‌متحد و درآستانه‌ازسرگرفته شدن‌کارکنفرانس مادرید‌درباره‌همکاری وامنیت اروپا می‌باشد .فعالیت توده‌ها در طی این هفته به بهترین وجهی به موفقیت‌این کار زارمهم کمک خواهد رساند.

در اروپای باختری ابتکارات بزرگی دراین‌زمینه‌پیش بینی‌شده‌است : ازآن‌جمله‌تعرض پرتوان پائیزه در ماه اکتبر درجمهوری‌فدرال‌آلمان ،ایتالیا ، اسپانیا ،بلژیک، هلند ، کشور های اسکاندیناوی وفرانسه به منظور مطالبهٔ موقوف داشتن‌آرایش موشکهای تازهٔ هسته‌ای‌استراتژیکی‌وبمب‌های نوترونی وآغازفوری‌وبی‌هیچ‌شرط قبلی مذاکرات.

در طی این هفته ،اراده وآرزوی ملت‌ها باید به قوت دربیان آید ،تا انباشت سلاحهای هسته‌ای‌موقوف‌گردد ومذاکرات‌جدی برای‌کاهش شماره وبرد این‌سلاحها درهمه‌جابیدرنگ آغازشود این‌خواست افکارعمومی به‌اشکال گوناگون‌بیان‌تواندشد ، مثلا راه‌پیمایی‌ها ،اجتماعات ،نامه‌ها ، تظاهرات فرهنگی وعلمی ،نمایشگاه‌ها ،پوسترها ، نقاشی‌های‌کودکان وغیره ،واین‌فعالیت‌ها می‌باید به‌صورتی هرچه‌مناسب‌تر باموقعیت‌هاوشرایط مشخص باشد.

به‌همین‌منظور ، شورای‌جهانی صلح ازهمه‌نیروهای‌هواخواه‌صلح‌دعوت می‌کندتاهفتهٔ ۲۴ تا ۳۱ اکتبررا‌همچون یکی‌ازلحظات بزرگ‌مبارزهٔ ملت‌ها برای صلح وخلع سلاح و برضد خطرجنگ هسته‌ای جلوه‌گرسازند.

ضدانقلابیون «همبستگی» خواستار استقرار سرمایه‌داری در لهستان هستند

در ورشوگروهی ازفعالان‌سمینار مارکسیسم‌لنینیسم ،که "حزب متحد کارگری لهستان" آنرا اداره‌می‌کند ، اتحادیهٔ "همبستگی" را "گروهکی سیاسی" خوانده‌اند ،که آشکارا به مخالفت با نظام سیاسی لهستان توده‌ای برخاسته‌است.

این‌سمینار در قطعنامه‌ای ، که به کمیته‌مرکزی حزب فرستاد ، یادآورشده‌است :

""همبستگی" برای تغییر نظام سوسیالیستی‌مبارزه می کند . ماشین‌تبلیغاتی "همبستگی" علیه اتحادشوروی‌وپیمان‌های بین‌المللی لهستان‌بکارافتاده‌است."

ازسوی دیگر ،سخنران "کنفرانس‌گدانسک" خواستاربرقراری سرمایه‌داری‌درلهستان شدند .گروه ضدانقلابی "ک.و.س.ـ ک.و.ر." مشوق چنین خواستهایی بوده‌است.

چندین سخنران‌نیزخاطرنشان ساختند ،که‌رهبران "همبستگی" خواستهای‌زحمتکشان‌لهستان رانادیده‌می‌انگارند .یکی‌از کارگران لوبلین ،بنام‌واسک‌گفت‌که "رهبران همبستگی" هیچگونه اعتنایی به کارگران ندارند."

لخ‌والسا برای دو سال دیگر به‌سمت‌رئیس "همبستگی" انتخاب شد.

یکی‌ازهفته‌نامه‌های‌لهستان نوشته‌است : "وقت‌آن‌فرارسیده‌است که‌دولت‌ازنیروهای‌مسلح‌برای‌مقابله باضدانقلاب‌استفاده‌کند .این‌نشریه درتفسیری درباره کنفرانس‌گدانسک" می‌افزاید :

"رهبران "همبستگی" مشی گفتگو وتوافق را رهاکرده‌اند .زمان توهمات بپایان رسیده‌است . باید مبارزهٔ سیاسی را ،که‌برما تحمیل‌شده است ،بپذیریم وحقیقت‌را به همهٔ نیروهای‌سیاسی واجتماعی کشور بگوئیم .لازمست که به اعتصابات ماجراجویی‌ها ،تحریکات‌وهرج‌ومرج طلبی‌پاسخ‌د ندان‌شکن‌گفت."

هفته‌نامه‌لهستانی یادآورمی‌شود :

"بسیاری‌ازلهستانی‌های‌عمیقا نگران‌آینده ، ازلفاظی‌هایی‌که به تاثیرآنها‌باید‌شک‌داشت ، خشمگین هستند . بیشتر نامه هایی که به کمیتهٔ مرکزی "حزب‌متحد کارگری‌لهستان" فرستاده می‌شود ، اقدامات مشخص را خواستارند: اصلاحات‌اقتصادی و اجتماعی سرکوب‌نیروهای‌خرابکار وماجراجویان وتحریک‌کنندگان سیاسی را ایجاب می‌کند."

روزنامه "ژول‌نژول‌نوستی" در تفسیری برپیش‌نویس‌برنامه کردهمایی‌گدانسک" نوشت که در آن "تمایل به‌ایجادنظام سیاسی‌جدید در لهستان بازتاب‌یافته‌است . این پیش‌نویس خواستار احراز قدرت از سوی "همبستگی" است.

ریگان با اعلام برنامه جدید استراتژیک خود خشم جهانیان را برانگیخت

خبرگزاری "تاس" برنامه جدید انباشت‌ومدرنیزه‌کردن نیروهای‌هسته‌ای‌استراتژیک‌آمریکارا ،که از سوی ریگان اعلام‌شد ، "تلاش‌آشکار برای دستیابی به‌برتری‌نظامی به اتحاد شوروی" خواند.

بعقیده "تاس" :

"این‌گامی‌است در جهت‌نقض اصل‌برابری و امنیت‌برابر و تعادل استراتژیک‌موجود ،که چهار دولت پیشین‌ایالات‌متحده آن را پذیرفته بودند."

برنامه‌جدیدوسیع آمریکا در زمینه‌تسلیحات‌هسته‌ای‌تولید بمب‌افکن‌های‌استراتژیک "بی‌ـ ۱" وموشک‌های‌میان‌قاره‌ای بالستیک "ام .اس" رادربرمی‌گیرد.

"تاس" می‌افزاید :

"این‌برنامه تردیدجدی‌همگان رادرباره‌خلوص‌نیت‌دولت‌آمریکا در زمینه‌مذاکرات‌جدی‌با اتحاد شوروی برمی‌انگیزد .ایالات‌متحده‌می‌خواهد این‌مذاکرات را از "موضع قدرت آغاز کند واین‌چیزیست ،که چنین‌گفتگوهایی‌رابکلی بیهوده‌می‌سازد."

خبرگزاری "تاس" یادآورمی‌گردد :

"اتحادشوروی‌قصدی جزتامین امنیت خودومتحدانش‌ندارد ،اما در برابرپیدایش‌انواع‌جدید ونیرومندتر سلاح‌درایالات متحده بی‌تفاوت نخواهدماند . درچنین‌حالتی ،نیروهای‌مسلح‌شوروی‌مجبور خواهند شد برای‌برقراری‌تعادل به‌سلاح‌های‌متقابل دست‌یازند."

کال‌اولوشون ، وزیرخارجه دانمارک ،نگرانی‌عمیق‌خود رادرباره تصمیم‌دولت‌ریگان مبنی‌براستفاده‌از سیستم‌موشکی "ام .اکس." و تولید بمب‌افکن "بی‌ـ ۱" ابرازداشت.

کاسپارواین‌برگر ،وزیر دفاع آمریکا ،باردیگرخواستار گسترش‌زرادخانه‌استراتژیک‌ایالات‌متحده‌شد .وی درسخنانی‌درسان‌فرانسیسکو جعلیات باصطلاح "خطرشوروی" را تکرار کرد . اواینبار نیز روشن ساخت که قصد دولت‌ریگان برتری‌جوئی‌نظامی بر اتحادشوروی‌است.

"شورای‌جهانی‌صلح" تصمیم گرفت ،که‌هفته‌آخر ماه‌اکتبر رابعنوان "هفته‌مبارزه‌برای خلع سلاح" برگزار کند.

رومش‌چاندرا ،رئیس "شورا" ، گفته‌است ،که "میلیونها‌نفر در همه قاره‌ها ازاین فرصت استفاده‌خواهند جست‌واعتراض قاطعانه خود را علیه نقشه‌های‌ایالات‌متحده‌درباره‌استقرار موشک‌های‌هسته‌ای‌میان‌برد جدیددر اروپای‌غربی‌وتصمیم پرزیدنت ریگان درباره‌تولیدکلاهک‌های هسته‌ای به گوش جهانیان خواهندرساند."

دکترچاندرا‌بویژه اهمیت خلع سلاح‌را در اروپاخاطرنشان‌ساخت ،که نقشه‌های "واشینگتن" از همه بیشتر آنرا تهدید می‌کند.

شخصیت‌های‌برجسته ایالات متحده‌انتقاد خود را از سیاست‌های نظامیگرانه‌دولت‌ریگان ،به‌ویژه‌برنامه جدیداستراتژی‌هسته‌ای‌آن ،ابرازمی‌دارند.

ادواردلمب ،یکی از صاحبان صنایع درآمریکا ،سیاست "واشینگتن" را "ماجراجویانه" خواند .او گفت که "این‌سیاست‌میتواند‌بشریت‌را به‌ورطه فاجعه‌ای‌هسته‌ای بکشاند . تصمیم تولید بمب‌نوترونی بویژه گستاخانه است."

توماس‌هولستد ،مدیر انجمن معروف "پزشکان برای مسئولیت اجتماعی" ،نیز خطرات‌فزاینده‌جنگ هسته‌ای راخاطرنشان‌ساخت‌وبرنامه‌های‌جدید "پنتاگون" را مسئول آن خواند .دکتر هولستد‌دکترین "جنگ هسته‌ای‌محدود" را رد کرد .پزشک نامدار آمریکایی‌این ادعا را ، که بشریت‌میتواند در صورت مشاجره‌ای‌هسته‌ای هم به‌زندگی خود ادامه بدهد و درچنین حالتی نیزپیروزی ممکن‌است ، "مسخره" نامید.

مایکل‌فوت ،رهبر "حزب‌کارگر" بریتانیا ،نگرانی‌خود را از اینکه ممکنست ایالات‌متحده از مذاکره با اتحادشوروی‌درباره‌تحدیدتسلیحات سرباز زند ، ابرازداشت .او گفت ، که درچنین‌حالتی همهٔ کشورهای اروپای غربی "واشینگتن" را محکوم خواهندکرد .مایکل‌فوت‌قول‌داد که "حزب‌کارگر" درصورت‌احرازقدرت یکسویه به‌خلع سلاح‌هسته‌ای دست خواهد زد.

حافظ اسد :

درمبارزه برای صلح و پیشرفت اجتماعی اتحاد نیروهای سوسیالیستی و جنبش آزادیبخش ضروراست

به‌مناسبت نخستین سالگرد امضای "قرارداد دوستی‌وهمکاری" میان اتحادشوروی و سوریه پیام‌هایی میان رهبران دوکشور مبادله شد.

لئونیدبرژنف در پیام‌خودنوشت که "قرارداددوستی‌وهمکاری‌به‌عامل تحکیم‌نیروهای‌میهن‌دوست عرب‌بدل‌گردیده‌است ،که‌خواهان صلح‌عادلانه درخاورمیانه ومخالف باسیاست بندوبست‌های‌جداگانه‌اند."

حافظ‌اسد در پیام خود "ضرورت اتحادنیروهای‌سوسیالیستی‌وجنبش‌های‌آزادیبخش‌ملی را در مبارزه برای صلح و پیشرفت اجتماعی" یاد آور گردید.

در اوج اختناق در مصر، سادات ترور شد

انور سادات ،رئیس جمهور مصر ،در جریان یک‌رژهٔ نظامی در حومهٔ قاهره به‌قتل رسید .گروهی ازسربازان به‌هنگام‌گذشتن‌ازکنار تریبون به‌سوی اوشلیک‌کردند . "سازمان‌مستقل برای آزادی‌مصر" مسئولیت ترور سادات را به‌عهده گرفت.

پس از ترور سادات نیروهای مسلح به‌حفاظت از ساختمان رادیو تلویزیون ودیگر مراکز مهم‌پرداختند .درسراسرمصر برای مدت‌یکسال‌شرائط فوق‌العاده‌اعلام‌شد.

انگیزه‌ترور سادات راباید در مشی ضددمکراتیک او درداخل‌وسیاست خیانتکارانه‌وتسلیم‌طلبانه‌اش‌در خارج جستجو کرد.

چنانکه درآستانه ترور سادات ،مجله "مصر" فاش‌ساخت ، در دوران اخیر ۷هزارتن از مخالفان رژیم‌کنونی مصر بازداشت شده‌اند.

درپهنهٔ سیاست‌خارجی ،رژیم‌سادات‌به قرارداد "صلح" با اسرائیل وهمکاری فزاینده با ایالات‌متحده‌آمریکا تن‌داد.

سعدالدین‌الشاذلی ،دبیرکل "جبهه‌میهن‌پرستان‌مصر" و فرمانده‌کل قوای پیشین‌آن‌کشور ،حسنی‌مبارک را فراخواند تاسیاست ضدعربی سادات را رهاکند.

وی‌دربیانیه‌ای ،که در روزنامه "السفیر (لبنان) چاپ‌شد ،خواهان‌عفو عمومی برای‌همه‌زندانیان‌سیاسی‌ولغومقررات شرائط‌اضطراری‌وقوانین‌سرکوب‌گرانه‌انورسادات گردید.

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیاز ومدیرمسئول :
محمود اعتمادزاده ـ (م .ا. به‌آذین)
آدرس: تهران ،منطقه ۱۳ پستی
صندوق‌شماره ۳۱۴/۱۱۱۷